

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف



۵۵۵

دعوت کما حقہ
و شخصہ مخصوصہ و شیر خورہ شہرانیہ لاجنس صورتہ بگزار می نماید سالانہ
لکے فایف ہمیشہ بکوشش اپنا خاطرہ خواہد بود

آدرس: شہر نرنگ و مقابل مسجد جامع شیرپور • تلفون: ۲۰۴۱۰



يما رامين ویدیوکست

بعترین فلمعای ویدیوی گلچین (پښتو، دړي، هندی وایرانی) آماده فروش دارد. فلمبرداری از محافل خوش شمعای بیرونه میشود. ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان ۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشرو سرور شمارا به بدترین وجه برگه از مینماید (همچنان تیریه یو یسی)

اکسرس، چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب را به قیمت های مناسب عرضه میدارد. مشتری دایی خوراکه فروشی انوش باشید. همچنان مجلات و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی دستیاب کرده میتوانید.

اکسرس، چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلان تان شمسارا با شرایط بهتر نشه
میرسانه

خوراکه مورد نیاز شمارا به فروش میرساند. همچنان بلوزهای بهاری هندی ولباس - جین از قبیل براهن، دامن، جیسرهای زنانه، طفلانه و دخترانه ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس میرا - جمعین محنت ترارمیدهد. شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید.

خوراکه فروشی سبواسه

اکسرس، سرک ۶ قلع فتح شه، تق برفخانه، برادران هوس

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدیدترین لوازم تحریر کلاسوف معارف. اقسام کتاب و کتابچه، انواع قلم های خودکار خود رنگ و ده ها قلم اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب و رضایت بخش دستیاب نمایید. ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ - افغان. نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب، قرطاسیه، مجلات و کارتهای تریکی ارزان و خوب. اکسرس، منزل اول فروشگاه بزرگ، قلع فتح شه

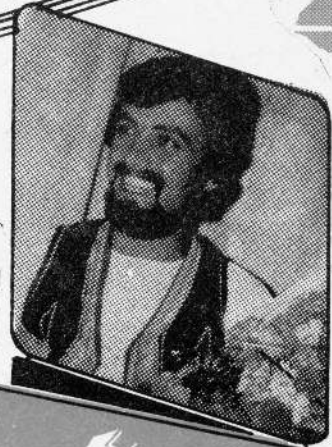
قرطاسیه فروشی دوست

انواع قرطاسیه، جراید و مجلات د لخواهتان را عرضه میدارد. ادرس توجه نمایید. مکتبته مکر و باغ کهنه

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط به استعدادهای ثروت ملی ما، نام محنت قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شود.

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز

است صفحه (۲۵)

صفحه (۳۵)

فاجعه



صدای گمشده
جاودانه‌سده‌ها

صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی

صفحه (۸۴)

پاستی
سیرین

آیاتاسی دخیل

کوزیر

مخ (۸۷)

از مود تا سینما

صفحه (۵۴)

علی فاضلی بسمل
پروما جبرایلی را با
دنیای عشق خود از
سرگردشتان

چون در این بیست
صفحه (۲۲)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)



صفحه (۵۸)

۱۲۱ ساله بودی در زمان زکای بون
مخ (۲۷)

زن ۱۲ ساله بی نام مرد

صفحه (۴۰)



چاری در صد سالگی
صفحه (۳۲)

مدیرمسول: د. کورژا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سویچورد: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالیستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمود حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد طلیس و
وحمید سمور
مطالعی: کبیر امیر
عمی نامی
مستقیم: محمد گل
نگار: شریف لطیفی و
شاپسون

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندہ میباشد.

مصیبت‌اشک

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متأسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایمی کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مانیامروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داری مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سزولکته‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برایم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌تری تیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهوم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي مي باشد اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف مي تواند وجود داشته باشد . ناپائيدگي شخصيت مي ثباتي عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آورنده ها هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگي و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگي است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده مي ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده مي آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده مي همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه نمناک وغير قابل تحمل مي باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمي آرزو به تشويش خمار
در گذر امروز عذاب که فردا آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض رواني چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات رواني بملاحظه ميرسد گاهي ديوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش رواني شده است يا تشويش رواني باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدره انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساساتي عجول و کوتاه نظرمي شود کم حوصلگي و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير مي سازد به تدریج نفرت دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهي هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچاقچيان و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر مي شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده گي مصيبت هاي جنگ و بيسوايي و عوامل ازينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخي مناطق از ترياکی بحیث داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دوايي خواب آور استفاده مي شود از تئوپروچرس گاهي براي درمان و معالجه قلنج ها کار مي گيرند در برخي از ولايات ما در طبابت هاي محلي و غنچهوي حتی براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياکی چرس و تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متأسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعي و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضي ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه مي گويند : در يکي از مناطق ولايت بدخشان پيغمرد ي بود که مدت درازي ترياکی دود مي کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان مي پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياکی نمی بيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده مي شود . دليل آن اين است که حتی موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياکی وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياکی و تاپ نياوردن بيسترون آن مرد و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يگان احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياکی در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت روانسي وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالي اداره سازمان صحتي جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسپس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را مي نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ

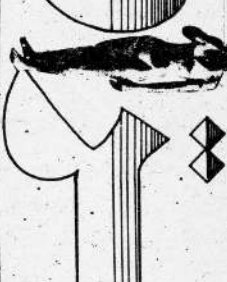


بِه مِکُونِنْد



مِه مِکُونِنْد

مِه مِکُونِنْد



مِه مِکُونِنْد

مِه مِکُونِنْد

مِه مِکُونِنْد

مِه مِکُونِنْد

مِه مِکُونِنْد

دوسمه واده

هيله منده م هغه كسان چي به تخينو عقل نار وغيواخته دي ژر تر ژره شفا ومومي او د عقلی او هوښيار سترگي بي روضي شي خبره داسي ده چي تخني بي احساسه اوس مسووليتنه نارينه د خپل ژوند بدې او د نيسي روضي چي لومړني تخني ورسره به ورين تندي كاللي چوره ياده باسي حتي د خپل بيه نس او شهرت څخه تير يزي او د دوهم واړه بند ويست كوي كه څه هم چي د موضوع نوي نه ده ولي به ٦٢ كال كې بي د سارن ناروضي بڼه ځانته نيولي او په يركسانوته بي سرايت وكړ. اميد واړه هم مسر كال داد كو رښورنگيد و ناروضي له منځه ولاړه شي.

لطيفه پيراد پياتون پوهنځي فارغ التحصيله



پاكي و صفائي

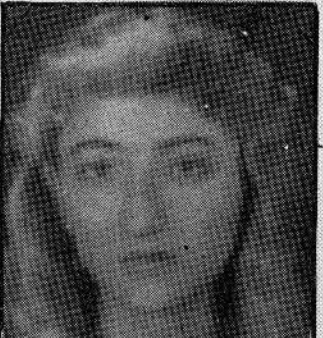
عزيز آقا سراز د لېسنگي خاصي به پاكي و صفائي داد، آرزومندم صاحب خانه مكروريان شم، آنجا به مېرمن شو د پاكي و صفائي راتا مين كرد. - اگريا دخترن هم سفر زنده كي شويد كه او چندان توجه به پاكي نده استه باشد در آن صورت چه خواهيد كرد؟ - خدای ناخواسته باشد كه اينچنين شو د ورته كار زارمي شو د با آنم اگراچنين دخترن سرد چارن سدم انوت اورا به روحيه خود تربيه ميكس.



نظام ود سپلين در سرويس ها

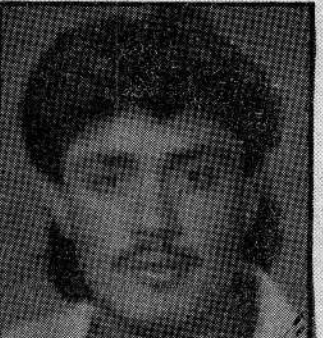
عضوكلان خانواده ام مياشم .. آرزو داد خواهران و برادرانم به آرزو هاي دلشان نایل آيند. همچنان آرزومندم كه بعضي از همشهریان مانظم ود سپلين اجتماعي را در سرويس هاي ملي بس جد ا رعایت نمايند، و نگرانان محتشم هم درين زمينه از خود سي تفاوتی نشان ندهند، بعضي از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرويس هلاتمندی بسيار نشان میده هند وقتي برايشان گفته شو د كه يك كمي دور شويد و يا بد اخل سرويس پيش برويد ميگويند: ((برو بي بي جان توجهه خود همي سازي، ما از خود خوار و مادر داريم ...))

مصرياتيكا نديريستان فارغ التحصيله



ميخواهد هنرمند سينما شود

محمد نريد محصل سال د م پوهنځي هنر هاي زيبا: در رشته تياتر وسينما مصروب تحصيل استم، باسلكم عشق ميورن و دوستن ميدان، و معين ام هر نقشه كه برام سپرد مشود ميتوانم آنرا به خوبي اجرا نمايم، ولي باتا سف چند بار يكه به اداره فلم هاي هنري و مستند مراجعه كردم خود را پشت در بسته يافتم و جواب رد شنيدم، آرزومندم كه امسال آرزو هام برآورده شو د و بتوانم در فلم ها كار نمايم.



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنتنی ژورنالینم :
تعمیم د اتم اسنال باشخسر مورد نظم ازدواج تمام آرزو د اتم
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اوردوسه
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
میباشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده کان :
آرزو د اتم باخوانی دارای تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
از کشور سوری تمام .
- اگر باخوانی دارای چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
- در آن صورت باهیی کسر از دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
د رزنده گیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن
خیلی مشکل و یا هم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
ایرکیکاسفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو
وروسته د ژورنالینم به پوهنتنی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگری
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کن .
- د د بی خصویاتو لروونکو انجلی سره که بیسواده وراشناسی
عنه انتخابوی ؟
- لومری کوشس کم چی د ژوند ملگری می باید باسواده وی
اوه که نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خبله هم
شبه اوون ور سره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمزمه دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از برشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دان ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از روی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم رامیشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار رامیخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیگه می کنید، آیا اتفاق افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیگه میگوید خواستید مانند چه کسی دیگه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیگه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشهای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را تا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادرم و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکنند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟
ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. آنرا استر بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بوسه در آمریکا ، آنرا بوسه دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زود آری. تان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا استم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بخوبی دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما را به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر، فکر، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- آنروز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتن)) میزنم و اما آنروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دورم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارم حاضری دم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختصار نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خواب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدید اید عکس العمل تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوین حدیثی و آزاد است و درین مسورد چهارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی سابقه کار استم و عذر میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز نداشتند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

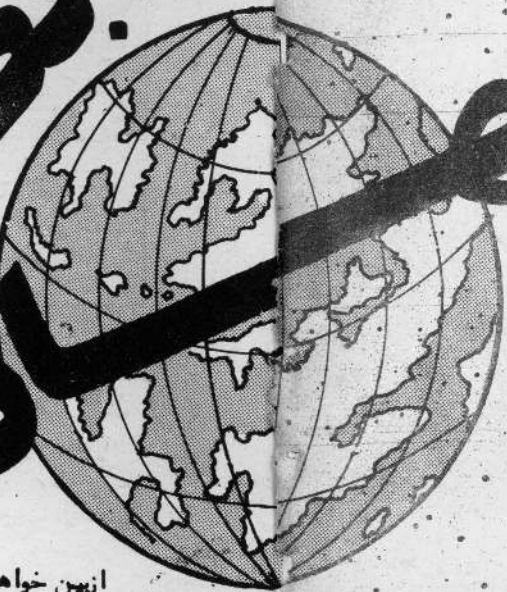
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذروی سقوط ناگهانی و سردی

و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست ...
سینای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود ؟

از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابه ساخت برنده و قاطع
در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت
در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای
نیگرنماینده گان جامعه ملی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات
شان برآمده اینک جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد
بود نتیجه جدی مبدول داشته اند . تنهاسه سال قبل ، دانشمندان
ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار
انگیز و ناگوار خواهد بود ، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کسب
کنند نخواهند شد ، کار کردند ، این دانشمندان اکنون بعد از دست
یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((خوشبینی)) استدلال ضعیف
وجود دارد ، تغییر عقیده داده اند .

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان
زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق
و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت ، چه قدرت محض انفجار
(۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمز از نصف زیاد خانه میجو
ذروی جهان) باشد ، همه به این نتیجه رسیدند که
موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان
دهنده ، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و شعله) بمباران و سخت
ناکثر و کشنده تر است .

مودل های اقلیمی که لغز طرف دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی
تم ساگان در پوهنتون کورنل ، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات
متحده برای تحقیقات اتموسفری در سوتوناید در راس آن قرار دارد
ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستیچکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم
شوروی ، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر
مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از
جنگ ذروی ارائه میکند . تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی ،
سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود ، ظرف چند روز محدود جهان
از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرما خوردگی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت .
آفت ایکولوژیکی سرتاسری !

هفته ذروی بعد از انفجار ((زمستان)) همراه با تاریکی تقریباً
مطلق فرا خورشید ، صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید
شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
معکوس را بخود خواهد گرفت .

طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف ، درجه حرارت اتموسفر در
ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنجاه
درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت ، با این کار واکنش زنجیری
از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری
مگردد .

ناپودی عجات بصورت کل !

مودل سرد بعدی های درود انهایکی اتحاد شوروی از اقلیم جهان
تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند ، طوری که
تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اوسار (هوای خیلی
آهسته تر بر روی اوسار سرد) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید
در نون های ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری
های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
خواهد ساخت ، علاوه بر آن ، تغییرات اتموسفری سببیکل های درولوتیکی
را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی ، ذوامداری را بر قاره های یخب
بندان و بدون خورشید حاکم خواهد ساخت .

بعبارت دیگر ، هراتیه که از صمیم آتش جان سلامت برده ،
سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد ، یخبندان ناگهانی وسیع
که الکساندروف ستیچکوف آنرا پیش بینی کرده ، برای جنگلات در ارتفاعات
متوسط تپاه کن و کشنده خواهد بود ، جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
ذی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگردد ، یقیناً طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
حرارت یمانور نمیتوانند مقاومت کنند .

صریخندگان دیگر !

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد ، این چه چیزی را اشکار سازد
یا توضیح میدهد ؟ جنگلات وسیع به صحرانیمه صحرای مبدل خواهد شد
الهدوی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید ،
این نشانه هنده ، امکان پیدایش یک صریخندگان دیگر است .
ملزوماً الکساندروف و ستیچکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
بعد از درگیری ذروی ، هوای گرم بر روی ساحات تبت و بعضی نقاط دیگر
موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد ، بار
دگر سبیل عظیمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
گرفت .

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع
در نیم کره شمالی رخ خواهد داد ، چون کله های هوای سرد و نیم
کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند ، انسان
میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه بایست در نیم کره جنوبی
پناه گزین شوند .

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا ثیر خواهد انگذد !

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها یخود دلیمه اند ، طبق
نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
از بین خواهد برد .

این فرضیه که هیچ منطقه ذی بر روی کره زمین از این فاجعه در
امان نخواهد ماند بصورت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است .
کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیرامون تغییرات ممکنه در اتموسفر
بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند ، آنان
توفانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
می آورند .

طبق نظر گولیتسین ، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان
تابستان بلند میشود ، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد ، سطح کره
سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض
جهان پیدا میکند ، همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
خواهد افتاد ، بر طبق تخمین های نهایت مستطانه ای که بعمل آمده
آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -
مرا تبه خواهد کاست .

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی
نخواهد بود .

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظر پال ایرلیج ، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
کالیفرنیا ، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده
باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود ، علت ساده آن اینست
که فوتوسنتز ، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن
خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین
خواهد رفت .

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد ،
در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه
خواهد شد .

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو اکادمی علوم اتحاد شوروی
بقیه در صفحه (۲۲)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بسیار بیعی می تواند آید او را شکل نمد و حتی جریان حسان جاری او را نیز تغییر دهد (۱۰)

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرحسوی
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام
بایستی که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود و بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الطاف و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود و هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و چراغها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بد نظر رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سر کون نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پندار خود آسمانی هستی
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مودت بانه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شایسته من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کوند مقرر
داشته است از روزم من درختان
تولد هر کدی که نامر میبوم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنده را در پیشانی کوند
من نباشته این برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکارا تمس
اگر اینکار را بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تزیین با عفت
شگرافی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آن به
را آرزو داشتید بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اشعار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
آشکار سازد که بر او در زنده می
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا را میبویید گریست
اما بخورد چراغ داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهورا -

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سرانگین سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است تمسب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشد اما ملکه با
شهرزاده کوبت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گزید
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهورا به یکی از جنگل نینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت بنوشتن و خواندن
و فلسفه را اموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچگاهی بیشتر از یک آهور در روز
شکار نمیکنم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون
یک آهوی شکار شده سپری نمیکنم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهور یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتواند سرنوشت خود
را تغییر دهد
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی است بسم من
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی دیگر او به عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهور را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نبال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تومید انی با وجود یک من یک
رب النوع است در نیای عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوی بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهور هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار ترا در نوار منی ساختم
تو در برابر من ظاهر نمیشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده می
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستگر شده بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجرائیه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکتیو از فلپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفه از جمله پیرامین ۱۴۰ هیأت ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در پهلوی آن حکومت مدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتو منسوخ ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی معرولاکند در بین چند تابوت چوبی مسلسل، با یک شمیر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. از آن نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از تحسار و جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما موران عالیرتبه شان برداشته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری با اسرای جنگی باغ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده برای برگزاری مراسم تدفین به سسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو ۲۲۰۰۰ بولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاشی مسوترها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن و نقش متضاد امپراتور بود؛ نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتو و نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتو قاندا داشتند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جاپان چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند. بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شمرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتو نقش بر گزار کننده رسمی مراسم را ایفا نمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف مدراعظم و دیگر ما موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیو نقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیو سرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت مدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصیص داده بود، امپراتور جدید و خاندانش از روی ساری جمهر و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نویسنده: کورون الله روحیان

کشف میکروب کامیابلو بکتیر بیل - (Compylobacter pylori)

در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز هضمی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب بیلوری را در معده شان حمل نموده و محو همین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمیم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تداوی هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلان بالایی فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب بیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میباشند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مراتبه امانه تراز مرخصان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به سبب بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوبی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معضات تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب بیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانده که یکانه میکروبی است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر بیلو از با کار بزیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بزیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges

بقیه در صفحه (۹۰)

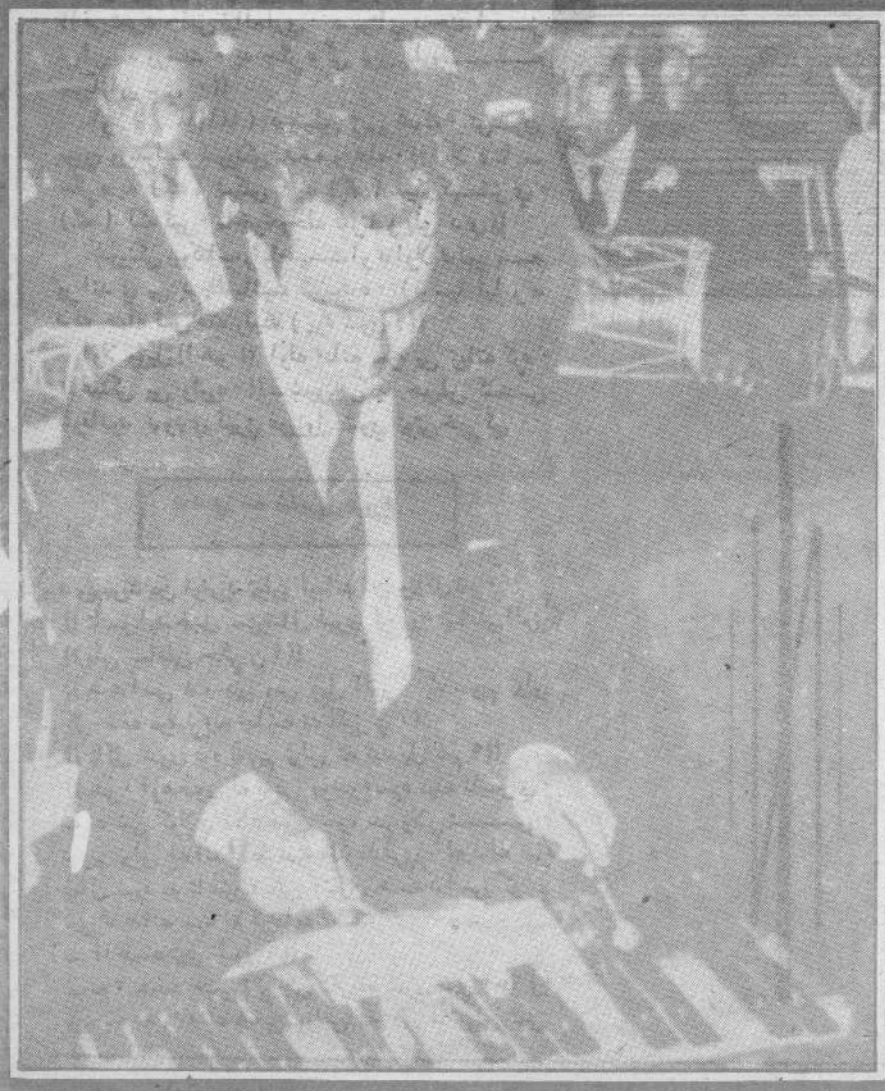


صدای

جاودانه سده ها



ترجمه: علی اثیر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر کموسیقی ((وسانت دیسای)) باورهای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازیگر شدن به‌عنوان خوانی این نیز تا "تیر منق" بحا گذشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنگ ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بمان آورد. تهدیدش کردم که در جلو آرکستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر می‌خیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش و راج-س برودند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایه‌های آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هریش رهوانشی)) که به‌عنده گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه فیل - تسخیر شده. هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتنی گیر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدا پیش بطور لایه‌ای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن ششم آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي .

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود .
- الرزکونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي . هسه سربازان ښه روزلي دي او سورشال موهم لیري کړي (پوه شوي ؟)
- هو ، ښاغلی جگړن .
- او بیا کوي چی سربازان د سگرت څکولوبه وخت کی احتیاط وکړي . کله چی غشی ویشتونکی دغه د شپې خلیلد ونکی چینجی وینی چی له یوې خوا نه بلې خوا ته یې گوتی یې خاریت کوي .
په تیره اونۍ کی پناه کسه سربازان په سروندو باندې په گولی ولگیدل ، ښه پاملرنه وکړي !
پوه شوي ؟
- هو ، ښاغلی جگړن .
دوم برید من الرزکله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی : ولکانگ پورشرت
ژباړونکی : ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه ،
یو کال پنځوس سه شنبی ،
او جگړه ، د یوې سه شنبی لري .

د دې سه شنبی په ورځ

په ښوونځی کی بی القاد لویو تورو مشق کاوه .
د ښوونکي په سترگو ، د بلې ښښې لرونکي عینکي وي . عینکوي جوگا په نه درلود اولنژونه یې هغو -
مړه د بل ووچی سترگی یې په سختی لیدل کیدی .
د وه خلویست دجونۍ د توري تختی ، وړاندې ناستی وي اونه غټو تورو لیکل :
(فریتس د خلیب بیاله لري ، د برتای د خندا غمز تیارسه ورسید ، په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي .)
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکه ، ترسزي پوري ورسوله . ښوونکی هغه ووهله . (اولا (تا - جگړه په (گ) لیکلی ، په (گ) لیکل کیسزي . (گ) لکه گور ، ماخوچوله درته وپلې دي)
ښوونکي یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په وړاندې یې د چلیبانته کیښوده . (د سبا لیا ر ه دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي ؟)
اولا وویل (هو) اوله ځانه سره یې زیاته کړه : (عینکي یې وگوره) . د ښوونځی په حویلی کی کارخانود د وږي لیري غونډول شوي ټوټی خورلی .

د دې سه شنبی په ورځ

دوم برید من اولرز د ټولې قوماندان وټاکل شو .
(تا سبا یاید خپل سورشال لیري کړي . ښاغلی الرزک)
(بلې ښاغلی جگړن ؟)
(هدا س د ه چی ویس ویل الرزک ! په دوم ټولې کی دغه موضوع په چاښه نه لگزی .)
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم)
(هو ، او هغوي له دغی موضوع سره ښه نلسري .
ته نه شی کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی .
دوم ټولې له انضباط سره عادت کړي . له دغه سره مثال سره په تاسووته منی . تونن هسه داسی کوم شی له ځانه سره نه گرځاوه .
(هسه یې شوي ؟)
- نه ، هغه خبر راکړ چی ناروغه شوي دي ، حال یې ښه نه ، له هغی ورځی نه چی د تونن رښی

بیغلی سورین وویل : (هو ، هغه کولای شی) .

د دې سه شنبی په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کی له حشراتو سره د مجادلی کوټی ته وپوړی . د ننوتو د روزي پر سر په یوه تابلو داسی لیکل شوي و : (که جنرال یسی که سربازین ، دلته باید خپل وښته وخری)
د هسه وښته یې وخرییل . د نرس اوز د یو وړي گوتی د غنی لاسواښوته ورته وي .
د بند وپوشاوغوا یې لږ سره ښکاریدله .
هسه ته یې په کم شی باندې چی د درملتون پوي یې درلود مالش ورکړ . ترس په خپل غنی د وله لاسواښو د هسه ښوونپوه او وروسته یې په یوې د بلې کتابچی کی داسی ولیکل : (تودوخه ارا) ، ښی

د دې سه شنبی په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شی کیدای)
خو کله چی اسپستان ورتز دی شو ، له خایه پورته شوه . اسپستان لکه چی د نرې د یوې وچې نیمه برخه یې پرشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه ملاتیر شو .
الیزابت له هغه پوښتنه وکړه : (هغه ته باید کم شی ورکړم)
دواکتر حوای ورکړ (نه) دغه کلمه یې هومره ورو وویل چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیزي . او وروسته یې تونن هسه د باندې ولید داوه ، د پا - ندې زیات غالمغال اویدل کیده ، چا وویل : ولسی مری په ارامی سره پر ځمکه نه زدی . هر محل هغوي له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یزي .)
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره شپه .
اوب دې ورځی اود شپې په اوب د وکی ، لکه د هغه چا غوندي چی د روند باری بر اوږ ووي ، کس و پ د سالون له منعه تیرید .
د باندې ، دوه کسه چی تشه تسکړه یې وړ لسه سره خپې را ولویدل . یوه یې وویل : (خلکورم نمبر ریش کړی) .

د دې سه شنبی په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنیکه وواژه . کله چی د روازه خلاصه شوه ، هسه لیک یې چی په لاسکی و ونسواوه . میرمن یې تونن شوي و .
په هغه بجای کی د سر ودرجه صفر لاندې خلو - پښت وه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و .
د پاکت بروم لیکل شوي و : (میرمن تونن هسه ته د ی ورځی)
میرمن هسه لیک جگړ نیولی و ، خو گاوندې یې هغه نه لیده .

خلویستو د رچی ساره ، او تر شونډ ولاندې یې زمزمه کړه : (بیچاره سربازان) .

د دې سه شنبی په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د ساری روغتون رئیس د روغتون له سرطیبب څخه پوښتنه وکړه .
(هره ورځ خوکه .)
(پناهغه شپز کسه .)
اوربیس وویل : (نفرت پارونکی ده) .
سرطیبب یې په خواب کی وویل : (هو ، نفرت پارونکی ده) .
او هڅ یوه د بل سترگوتنه ونه کتل .

د دې سه شنبی په ورځ

د (جاد ویر فلوت) قطعه یې غزلسه ، میرمن هسه خپلی شونډې سري کړي وي .

د دې سه شنبی په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شی کیدای)
خو کله چی اسپستان ورتز دی شو ، له خایه پورته شوه . اسپستان لکه چی د نرې د یوې وچې نیمه برخه یې پرشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه ملاتیر شو .
الیزابت له هغه پوښتنه وکړه : (هغه ته باید کم شی ورکړم)
دواکتر حوای ورکړ (نه) دغه کلمه یې هومره ورو وویل چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیزي . او وروسته یې تونن هسه د باندې ولید داوه ، د پا - ندې زیات غالمغال اویدل کیده ، چا وویل : ولسی مری په ارامی سره پر ځمکه نه زدی . هر محل هغوي له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یزي .)
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره شپه .
اوب دې ورځی اود شپې په اوب د وکی ، لکه د هغه چا غوندي چی د روند باری بر اوږ ووي ، کس و پ د سالون له منعه تیرید .
د باندې ، دوه کسه چی تشه تسکړه یې وړ لسه سره خپې را ولویدل . یوه یې وویل : (خلکورم نمبر ریش کړی) .

د دې سه شنبی په ورځ

د شپې ، اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو - داسی لیکل :
(په جگړه کی پلرونه سربازان دي .
په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي) .
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله . او جگړه یې په (گ) لکه گور .

صاحبا ز پوپل

لیلا، لیلا نو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در را در یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی را در یوتلوزین که زنده باشند در روز های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انرا در طلوع سوزنیک ثبت میکنم بعد از از زبانی اگر خدا بخوهد که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما بوس گله و شکر به خورد من داد پس بد یعنی چه. بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغاز کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت بد پند برنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگرم شب را سرگرم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت راز من برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— ایاد راول هاهم از طرف راد پور مشکلات داشتید؟

— بلی. اولین اهنگ راد راد پور با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

بقیه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد موجود است.

از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگرم شب را سرگرم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده ام در یکی از عروسی

پس از آنکه کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در آنجا با گوشتوش خواننده و پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشق قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از آنجای فرانسه رفت و فعلاً در کالیفرنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در آنجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام (گروه کامیون) پلیمشود که در راه بین

وقتی میخواند آدم احساس می کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقتی او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقتی میخواند تو میگفتی گلهامی کشد و شاخه های خشک درختان شگفته میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقتی متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
 د خیل احساس سره سم پرمخ
 یی د خیل مراد د لاسسته
 راور لود باره توله مخکه رانسکر
 زوی د مار به کال زیزید لسی
 هلك قهار شهوت پرست او
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی
 بنایسته وی به عابانیا نوکی
 د بنایسته ستاین د باره مار
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی
 به کال زیزید لوسره واده وکړي
 خود بیژود کال سره به طالعمنند
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ
 د کلو سره به بد مرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه
 موجود به توگه گیل کیزی د مار
 رانو پاچا (موجالیندا) بوداد
 سیل به وخت کی وژغوري مار
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل
 کیدی ترخود فیلسوف نگار جون
 د نظر له مخی انسانان د مار
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .
 همدارنگه به بوداییم کی مار
 تهر چرگ د شهوت او خوگ د
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په
 دی عقیده دی چی د مار به
 کال زیزید لی نارینه که د سړی
 اومیزی به کال زیزید لی نجلسی
 سره واده وکړي د هغه
 اولاد ونه به نامتوانان د اره خلک
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی
 که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی
 هلك سره واده وکړي دوی به
 نجونی زیزوی .

د منگولیا او منچوریا خلک عقیده
 لری : (د مار به کال زیزید لسی
 یو معتدل اوزره سواند مانسان
 دی همدارنگه دی به منطقی
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
 وی خو عیب به یی دشرویاتو
 خنبل وی د زره مغلواو نوری
 اوز دی ناروی به ولری د د
 د باره لازم نه دی چی د خیل
 رییس (وظیفوی) سره جنجال
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ
 یو سی اووروسته به له منحنه
 ولاړ شی .)

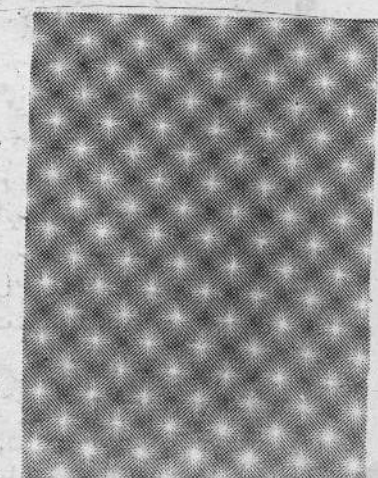
د مار به کال زیزید لی انسان
 به تریوا ویا کلو پوری ژوند وکړي که
 د پاک خدی د کراوتشا وایسی
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو
 شی د مار د نورو نظریوا و فیصلو
 وی .

د تبت د شپيته کلسی کلیزی
 بیل د جینی کلیزی له بیل سره
 سمون نه لری به تبتکی دا
 دوره د سوی د کال خخه بیل
 کیزی به پداسی حال کی چی به
 جین کی د موزک د کال خخه
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ تو پیر
 به د روگلوکی دی به دی خاطر
 اوسنی شپيته کلسه دوره به جین
 کی به ۱۹۸۴ کال او په تبت کی به
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .
 د ۱۹۸۹ کال د فبروری د
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال
 یعنی د زره مار کال بیل شو .
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
 عنا صرو د دی رنگ سره
 مخکه سمون لری کال مونث
 (نرم) بیل کیزی د خختیو
 خلکو په روایت به دی کال کی
 زوری او بد مرضی بیسی سختی
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
 شته جابانیا ن عقیده لری :
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی
 خاوند دی خورا طالع مند دی
 هر خه ته بخان رسولی شی مار
 متکبر او مغروردی خوشتر یافغو
 سته شوی دی مار خورا خسود
 خواه او موزی دی خود علاقسی
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی
 کله هم داسی ساتته کوی چی به
 مشکله خوگ خان حنی خلاصولو
 شی د مار د نورو نظریوا و فیصلو
 وی .

د هر عنصر د باره یوزرگی یعنی
 سورد اور ژر د مخکی سپین د
 اوسینی تور د اوبواوشین د در
 ختی د باره مشخص شوی دی
 کلونه به مذکر (کلک) او مونث
 (نرم) ۲۰۷۰ ل هم ویش شوی دی
 د موزک پراگ نهنگه آس
 بیژواو سی کلونه مذکر (کلک)
 اورد گامینی سوی مار میزی
 چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)
 بیل شوی دی .
 لویه یا شپيته کلسه دوره به
 خختیوه او منحنی آسیا کی لخورا
 پخواخه د تاریخ په مختلف زمانو
 کی منل شوی ده . د انگیزه به
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی
 به خلورمه پیزی به مغولستان کی
 د میلاد په خوارلمه پیزی ۱۰ و
 په تبت کی به ۲۷۰۰ م کال کی منل
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور
 یی او ساعتونه هم د خوارو یوه
 نامه یاد یولی لکه د (صفر متر
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه
 (۲-۴ بجو) د گامینی
 (۴-۶ بجو) د پراگ له
 (۶-۸ بجو) د سوی او هندا
 راز تراخه پوری یاد یولی
 لویه کلیزه :
 پنخه کوچنی د وولس کلنی
 د وری یوه لویه شپيته کلسه دوره
 جوړ وی به دی دوره کی یو
 خاوری پنخه واره به تکرار یاد
 یزی خوه هر وار کی یوزرگی د
 هر خاوری د باره مشخص شوی
 دی د ارنگره د پنخه طبیعی
 عنصر یعنی درخته اور مخکسه
 اوسپنه او اوبوخه اخیسته
 شوی دی د اوشیه لاند نیس
 جدول کی به واضح ۲۰۷۰ م کال کی منل
 گند یزی :

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کوه سینا	بنیخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنیخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگ	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنیخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آهن	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
میر	بنیخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لیزو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنیخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنیخه	۱۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور



نامه یاد یزی به دی ۲۰۷۰ :
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا-
 نگ ۴- سوی ۵- نهنگ ۶- مار
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
 ۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگه
 نوي کال به د جنوری د د یار
 لسی خخه د فبروری ترخلو رو
 پشتمی پوری (د جدید رویشتم
 خخه د حوت ترخلورمی پوری)
 بیل کیدی تل د سپوزم به
 لومړی وړخ نامانعل کیدی .
 منگولیا یی ژری ویونکی خلک نوي
 کال (سگان سر) یعنی سپینه
 میاشت بولی نوي کال به نیمه
 شپيه نه نامانعی بلکه د نوي کال
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی
 نامانعی اوبه دی سهار دی یوی
 سیس خلک د یویل کورته میس
 نوي کال مبارکی وایی اوسفاتو
 ویش د اعدات تراوسه پوری
 به منحنی آسیا کی پاته دی به
 به میلمستیایکی د فونواوشید و
 خخه نیار سوي خوار به دستر
 خوان اینول کیزی سپین
 خوار به سپینه میاشت لور
 حکمت د رلود او خلک په دی
 ارمان وه چی د خوار به
 نوي کال د رمو به زیانید وکی
 اغیزه لری او د پوی خور لسو
 به وخت کی یویل ته د خاوریو د
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس
 خرگند ولی اونه مغولستان
 کی اوس هم د نوي کال لومړی
 وړخ د خاوریو دورمی به نامه
 یاد ییزی .

نه نگاری د دی پرخای چی
 د اقمری شمسی ویولو به به
 وی چی قمری شمسی
 مشتري زحل کلیزه یی ویولو
 بکه د انگیزه د لمر سپوزمی
 مشتري زحل او مخکی د حرکتو
 خخه ترتیب شوی ده د اذکبه
 هم د وولس کلسه بلل شوی چی
 د لمر به تاوخوا یان دی د مخکی
 د حرکت خخه تصحیح شوی او
 توگه ۱۱۶۸۶ کلسه دوره بولی
 د اوزره د لمر به تاوخوا یان دی
 مشتري حرکت دی .
 تراوسه پوری د دی کلیزی د
 پیدا کید و پخای چاته بحرگند نه
 دی البته به آسیا کی دی خو
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د
 خرگند نه ده د پوی خوانجو
 می شمیزه د منحنی آسیا د کوچی
 کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی
 احتمال د جین د خوزون نجوسی
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی
 د بلی خواد کلیزی تول خاوری به
 لڑ استتا (بیژواوچرگه) به
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
 خوه مرعای کی ژوند کولای شی
 بکه نوحل به سل کی دیوه روایت
 تا بید گران گاردی خو بیاه به
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلیزی
 جوړونکی مخرایی کوچیان دی چی
 د مترکوجی مد نیت خاوندان
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی
 کلیزی دی کوچنی کلیزه د وولس
 کاله ده هر کال د یو خاوری به

د هر نوي کال به راتلو سره
 تول خلک د نو یویدیدو البته
 نیکمرغه یویدیدو به تمه وی
 او هر یو د خیل قیاس سره سم
 راتلونکی اکلونه وړاندی کوی
 د ایخوانی آسیا یی عادت به
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز
 گر خید لی دی خو پوهیزی
 چی راتلونکی کال د کوم خاوری به
 نامه یاد یزی اوهغه ۲۰۷۰ کالی
 اوما سکونه و فوندي اورد کال
 به لومړی وړخ یا شپيه یو بنایسته
 نوبت بنکاره کوی به عانگری
 توگه پنخه د دی پویشتی سره
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر
 زره غواری چی د نوي کال نم
 د هغه خصوصیات او تقریبی
 ایتکل شوی راتلونکی خان تصعلیم
 کسری
 د کلونود اوشی یوه خختیوه
 عنعنه ده چی د پخواخه د
 کلیزی به ۲۰۷۰ کال د عدد سر
 خنکه د خاوری نم هم لیکل کیدی
 د اوشی دوی دوری لری لومړی
 یی د وولس کلسه اود وده یی
 شپيته کلسه دوره ده کله یی
 پوهان د کوچینی اولوی دوری به
 نامه هم بولی د وولس کلسه کلیز
 د نورولس هاو کلیزه برتلسه
 د ویره معموله کلیزه نه ده به
 یقینی ۲۰۷۰ د انگیزه د ویر
 حقیقی نه ده لکه یوه نجوس
 او کلتوری کلیزه چی ده به
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری
 کلیزه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و فرهاد محلی خخه
 د شیر شاه رشاد ژماره



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (موسفیر) جزمین در ارتفاع ۲۰-۳۰ کیلومتر سطح زمین منتشر است، هرگاه آن از دیگر ترکیبات اتموسفیر جدا ساخته شود قشری با ضخامت تقریباً ۳ ملی متر را تشکیل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به تقریباً ۸ کیلومتر میرسد، آزون را دیواکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به یونیتی بالایی سطح زمین و مانع تغییرات حرارت در اتموسفیر میگردند.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشید کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمین بر اقلیم اثر افکند، درجه حرارت آنرا کمتری میکند. از جمله دشمنان عمده آزون قوی ریزش باران و مه و برف است. کاربن دی اکسید و فلوئور و کلور هیدریدها که در میخانها و کولرها پخش میشوند مانع از استفاده قرار میگیرد. این ماده زهر آلوده نبوده، توده فواران کم میباشد، در ارتفاعیکه انتقال میکند کاربن را آزاد نمیکند، یک اتم آزون را تخریب کند.

برعکس قوی ریزش باران میخان، کساید آزون و دیگر موادیکه تعداد آنها به تقریباً ۳۰۰ میرسد، قشر آزون را تخریب میخوانند.

برای از دیداد معلومات خوانندگان محترم نقل گفتگوی خبری -

نقد و نظر: در ارتفاع ۲۰-۳۰ کیلومتر سطح زمین منتشر است، هرگاه آن از دیگر ترکیبات اتموسفیر جدا ساخته شود قشری با ضخامت تقریباً ۳ ملی متر را تشکیل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به تقریباً ۸ کیلومتر میرسد، آزون را دیواکتیف ماورای بنفش خورشید را جذب نموده، مانع ضرر به یونیتی بالایی سطح زمین و مانع تغییرات حرارت در اتموسفیر میگردند.

آیاتصادم زمین با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنیای آهنگهای اطراف ما، که بانجم و کواکب مریخ گردیده، نمایشگاهی را مانند دران هزاران هزار کواکب سیاره پرتوانشایی میکنند. زمین که مراتب این اجسام جویانگرمات در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات دیگر که در مدار خود و اطراف آنها دور میمانند، نجات یافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اگر یکی از ستاره های جدار زمین تصادم نماید، علمای اظهار میدارند این کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا بر این در نزد و خلقت این امکان به میسر میسازد.



علمای نجوم اشاره میکنند اگر ستاره «میرمز» با زمین تصادم کرد درین صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ میگردد مواد منفجره بوجود می آید، سیاره عالم که ما آنرا می شناسیم تغییر مییافت. موجی زمین با بحرانات شدید از زمین، امواج غبار و بخار آب، مواجه میگردد. این گونه تصادم ولو اگر در آب یا خشکی به وقوع می پیوست تا اثیرات آن سالها سال در هوا باقی میماند. طبیعت زمین را تغییر میدهد که منجر به و فیات موجودات و رخسار کاینات میشود. کواکب چگونه فعالیت می نمایند.

تحقیقات علمی در قرون وسطی این را پیشکش میکنند که آیا امکان دارد تصادم سیاره با سیاره دیگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰۰ علی الرغم اینکه نظریه «بالا تکمیل» جوانب وسیع موضوع در میان علمای قرون وسطی نمود ولی عده «نقاد» علمای آن صریحاً آنهم ضمنی تسمیر این احتمال میکنند. چهل و شش میلیون سال قبل کواکب شکلی از دوام گازها را در اختیار داشت که توسط آنتاب احاطه شده بود، که جذب یک جزآن توسط جز دیگر سبب تشکیل آنان گردید و در آخر در نظام شمسی همای شان - متناوب گشت. علمای امروزی نجوم به نظریه فوچ الذکر با آنکه از جمله روایات و خیال علمی شمرده میشود، باور دارند هرآن آغازه میکنند: حدود شصت و پنج بلون سال قبل کواکب ضخیم دارای قطرش الی ده میل در اطراف زمین توسط قوه هولناک بقیه در صفحه (۷۴)

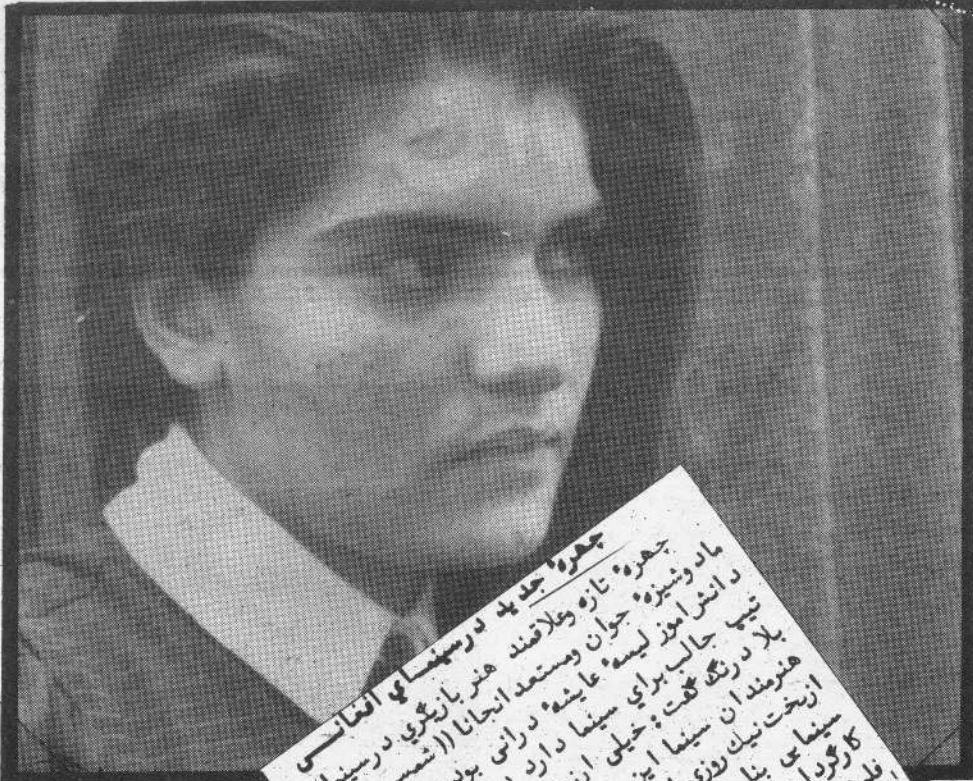
در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

طبایط سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایط خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقیر از نگاه کاهش مبارک ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایط باید در کنار طبایط عمومی مورد بهره گیری قرار گیرد، برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد.

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش را اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز، سر درد میکند، خواب ندادن، اشتها ندادن، یابسی از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه های و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار میشوم. قهوه میبینم تا خود را تسکین دهم، از دواهای مسکن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و... در بیمارستان را بالا نهانگاه

با وجود اطمینان به رحمت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگردید که بازنگری سازش نمی تواند. داکتر هرگز میدانده که امروز تقریباً همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایف - فغیت دارد، تدابیر میگیرم. داکتر بابت بیچکاری ظرفیت در ارای سوزن موماندنی به ناف مریخ نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریباً همه از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حائیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی میشود، استفراغ سوزن را بالا نهانگاه

در طب سنتی، بجای سوزن زدن سوختاندن و مساز دادن نقاط فعال بیولوژیکی بدن در آن - نقاط عصاره برته های بیسی را بیچکاری میکند. با سایر تیوری های طب سوزن، هرگاه عمل سوزن زنی در نقطه معده دیده بدن، که در روی جلد نقطه فعال بیولوژیکی دارد، صورت گیرد می تواند آن صدها مرتبه بالا می رود. این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعظمی منجر می گردد. به عقیده داکتر هونگ پیروا - مون موسی بیوشدن تیورهای و نظریات زیاد و گوناگون و همچنین بنام چیانگ سو ۲۳۰ (در زبان بقیه در صفحه (۷۵))



چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای افغانستان

مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) - د انتر اموز لیسسه عایشه درانی بوده است او که تنها طالب برای سینما دارد در برابر پرستی بلا درنگ گفتم: خیلی ارزوداشتم تا زوزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و جالب قرار بدهم ازینخت نیک زوزی اطلاع یافته که کار تهیه فیلم برای بنام (سفر) در دست تهیه است و فلسفیبه انتخاب نمود. همانا بنابر علاقتند ی که برای کارگردان فلم در جستجوی کاکتوهای بوده است و صمیمانه توضیحات در جواب فلم مورد نظر انداخته در سلسله جویند من منجبت فلم مورد نظر انداخته (افزیه) که یک کاکتو ثابت و در مرحله محبور اجرا کردیم و بعد از آن سید انگری و دیگر اعضای تخنیکي بنام خانزاد و ما مجله زیبای در فونر رومان که در مرحله تخنیکي فلم ساخته های موسی راد منظر نیز منجبت هنرمندان افغانسی با هم گیری و اجرای نقش عادی قانسه را دیگر دست اند کاران و سینماگران کامهای منزری در اینده برداشته باشیم.

لیزا بیوی پاره

دوشیزه ایده آرمسن شش سالگی با مادرش که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر تشویق پدرش راهی هنر تمثیل شد و گام بگام صحنه این راه، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.

لیزا در برابر پرستی افزود: اولین مرتبه ای که در برابر کمره فلمبرداری قرار گرفتم، دلم ششور و هیچان خاصی داشت، خوشنود بودم که من زوزی مثل مادر من (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از ساخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی (گام های استوار) به کارگردانی توریالی شفق (ار) به کارگردانی توریالی شفق (ار) به فلم سینمایی قرار - بقیعد صفحه (۲۱)



تصویر بردار

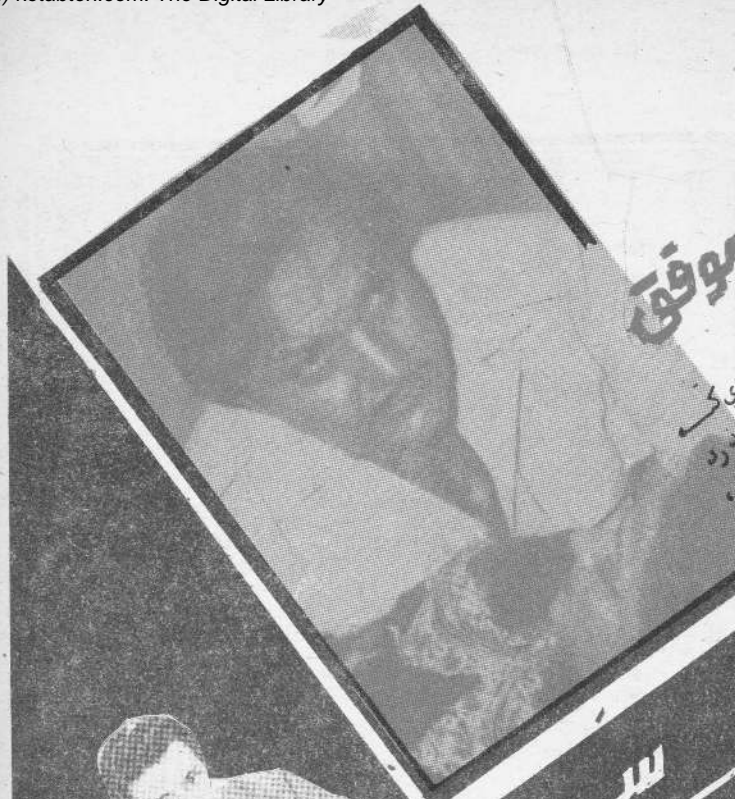
این جوان مهم ویر تلاش زمزی (سخی) یکتا از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه‌ای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کند نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در دهنم تصویر می کردم. بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم همانا در سال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلویزیون رو آوردم که در مجله پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه، جوانان، اطفال و پیشه زنان را ثبت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۱۱)



پیرین چوپیره جیره موفق

یکی از غریبانه گان بر فدرت سینمایی عند که نه تنها با آفرینش نقشهای درخشان در فیلم ها کار بوس ترس و دهشت را در ذهن تماشاگر زنده میسازد، بلکه از درنگ من غریبانه و (مردانگی) بیرونی می یابد، بریم جو پرواست. از جمله دست اندرکاران سه دهه صنعت فلمسازی کشور عند است. با وجودیکه به بیرو میگرداید در جهان برون و سرون روایت های غریبانه بیرونی میگرداید در جهان برون و سرون. هنرمتم توانسته نیروی برتران شمار بود.



سردید خاموش شد

وچنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و آفرینشگری جاودانه دست از قلمزنی برگیرد. آن که میخواست از سناریو های نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیز راه یابد و جلو آئین کرد. ولی دریح که دست بمسرد مرگ آرزو هایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم ها آموزش دید و به امورتیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تویل)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم های ارزان قیمت وسترن (کاوبای) نقش های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوبای بنام ستیکه کوچ (وضع گادی چهار اسب) می باشد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوبای در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش ها برای - سالیان متعادی در زمره ستاره های ممتاز سینمای امریکا، او را از دیگر هنر بیشه گان متمایز می گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام - شاگردان سینما را بخود منحصر - ساخت. پس از آنکه جلو تر شد به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیر بوجود نیارود. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شد و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه وانسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای امریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسیون کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) امریکا متولد شد، می باشد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین - به استدیوی نوکس در شهر لانس - انجلس مراجعه کرده و در آن جا

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



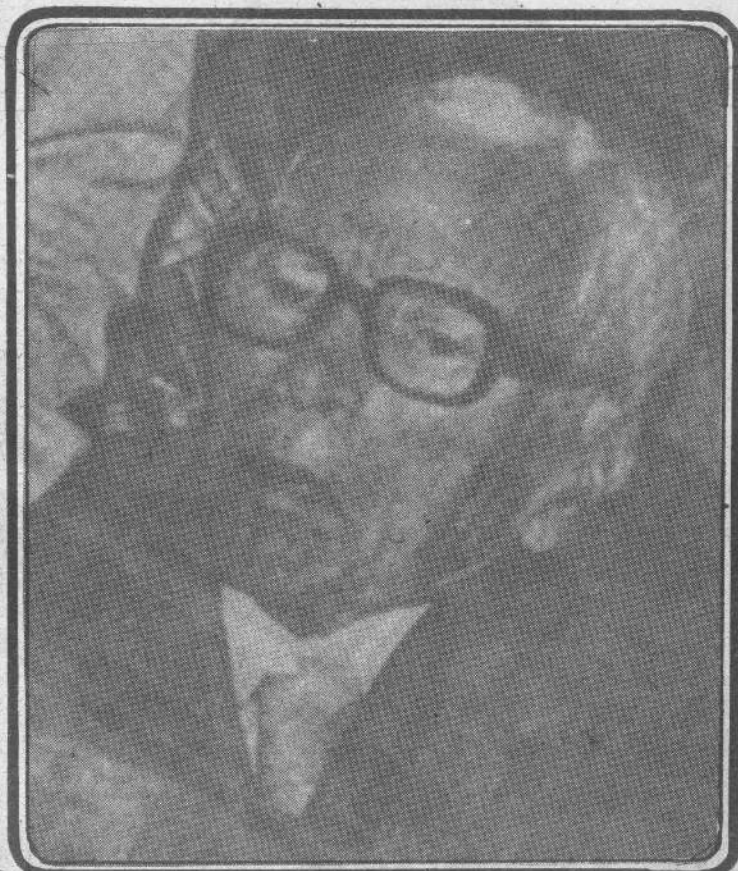
نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می باشد. بقیه در صفحه ۹۳

آره ها



تفصیلات

قافیه و قیافه کوچک درسیمای یک مرد بزرگ.



چهارلی در صد سالگی

استعداد و شهرت افسانوی
چهارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شمارانند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
شواری محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از ناض آگاه بودند -
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، ناض
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادان بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پاک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ابانه ورزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستیم
 که همه چیز با هم در تضاد باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نسا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 هان نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد. عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشت. بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارته نوسراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیهم گلوله های که از دهانه تفنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید و اجازة ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الهه نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و خیفه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم.

بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۱ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود. وقتی شوهرم داخله کرد، نعمت الله بالایی شوهرم تفنگچه کشید مرمی که از تفنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزة ۸ امنیتی هم از

موسم آگاهی دارند، در آنروز هم بدختم گفت: ((چله مرا پس بده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگیم. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد.

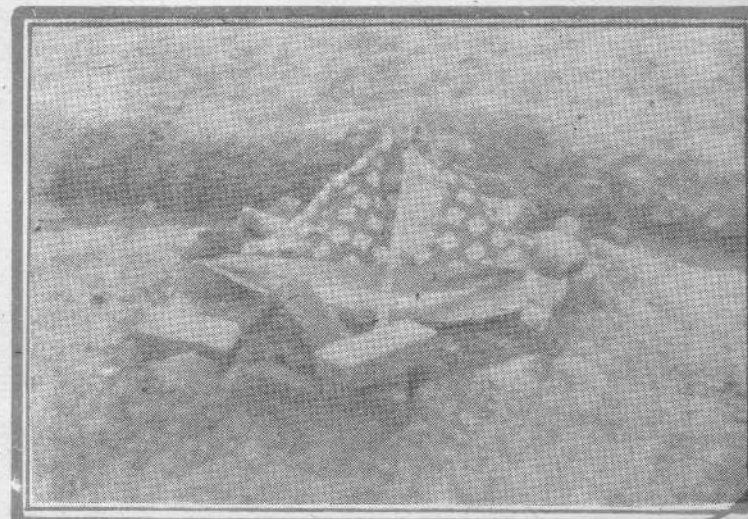
با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۵ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد.

- آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟ - نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

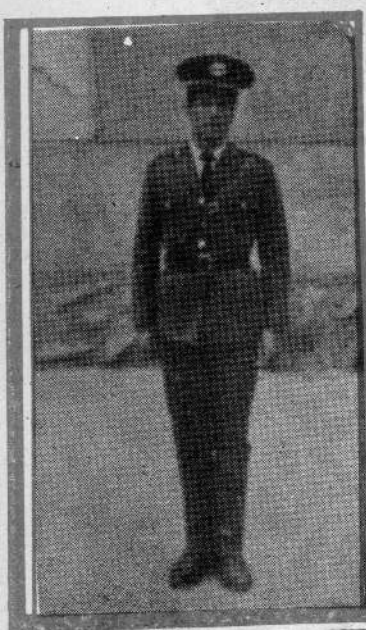
دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی فامیلش رعایت نداشتند. وقتی باد ختر من نامزد شده دختر همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما او از همان نخستین روزهای نامزدی باد ختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

بقیه در صفحه (۸۷)

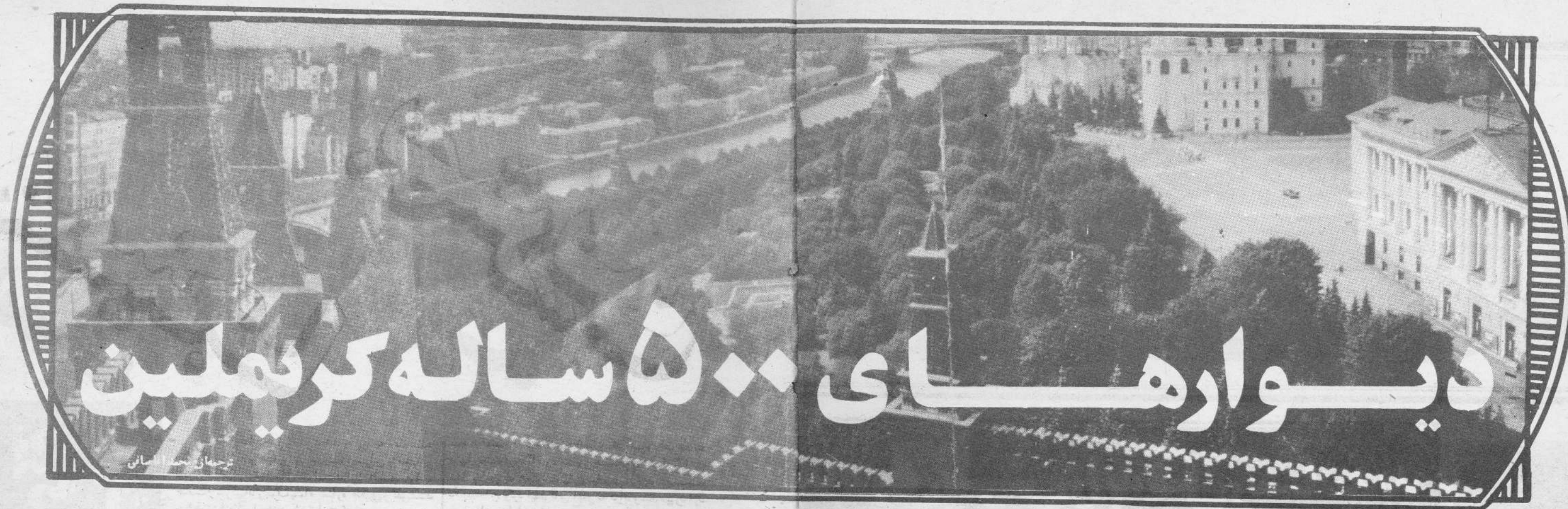
مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخمی می بود



دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

کاخ کرملین ، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تانخی بشمار میرود و وجهیات شکفتی تماشاگران را فراهم می آرد ، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپراتور روسیه ، ایوان سوم ، بدست معماران روس و بدستیاران استادان سنگ کار روس اعمار گردید . به این کاخ عظیم بنظر اربابیمان به نظر معمول عظمت و نفوسندی دولت روس نگاه میکردند .

انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپراتور روسی دولگه رومی ، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه می بود که بجهت همه شهر مسکو بناگذاری شد . از آن زمان به بعد شاهان روس ، یکی پس دیگری ، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان ، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند .

کاخ کرملین مشتمل از برجها ، دیوارها و کلیسا های است که در دوره های شاهان مختلف ، مخصوصاً دوره ایوان سوم ، ساخته شده است . در گام نخست بدور قلعه ابتدایی ، مخصوصاً در قسمت های غیر مسقف ، به اعمار برجها توجه مبذول گردید ، این برجها ، که تعدادشان به بیست رسید ، هر کدام سیمای مهندسی و نام مخفی بخود دارد ، نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود ، این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از زمین طریقی اکیال شود ، خروج گردید . به همین سبب به ماینسنگ به معنی بعد ها ، در اوایل سده شانزدهم ، در فاصله های بین برجها ، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

بناهای تاریخی کرملین
ایوان سوم
دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

اعمار گردید ، این دیوارهای دو کیلومتری ، با در نظر داشت شکل اراضی منطقه ، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند .

دیوارهای اولی کرملین ، بصورت کل ، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت ، در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن ، بدور دیوارهای اولی یا مثلث اولی ، که میدان سنخ را احتوا نمود ، ساخته شد ، قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید ، در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سهزمتوشده در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان ، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود .

کلیسای ترویتسکی نه رود ، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است ، در میدان سنخ جلب توجه میکند .

بدین ترتیب ، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکیال رسید .

برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سنخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد ، معموره چلیپا مانند از بیگ و آهن ساخته شده که عملاً دیوارها را محفوظ نگه داشته است .

اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها ، نبرهای تپ ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنابراین نمانهای بزرگی ندیده است . در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است .

دیوارهای کرملین ، در واقعیت امر ، به یک مخزنه مسولیک گنجهت معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است ، از همین نگاه است که سالانه منسومان رشته های گوناگون هنر ، شعرا و مساحان پیشعاری پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند .

دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ ساله دارد

دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ ساله سردارده معمول دولت روسیه گردیده است ، در فصل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل تپه پرویتسکی از آنجا گرفته شده است ، در سال (۱۱۴۷ م) امپراتور روسیه (دولگه رومی) در این تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت ، اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت ، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو محفوظ گردیده است ، نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود ، طبق معلومات در اشر حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپراتور روسیه (ایوان کالیست) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند ، اما معرانهام بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید ، در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دونسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید .

در قرن XV یا نوزدهم تحت رهبری شخص امپراتور بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین ، مارکو روجو ، پیوتره انتونیوسولاری ، الیگز فنانین ، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

جهان را آغاز نمودند . اعمار بزرگ کارها ، اعمار برج های اساسی ، دیوارها و کلیسا های کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت ، حتی امروز موجب شکفتی جهانیمان میباشد ، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست ، در نظر اروپاییان کرملین مسول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد .

اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت ، در محلات نام محفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعداً دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند . اولتر از همه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید ، تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند ، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین از راه آب اکیال کرد ، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید .

در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند ، در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالوی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید ، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید .

در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسبز عوض کرد) ، اعمار گردید ، این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان ، دیوارهای یازدهم و کیلو متری چوبی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید .

دیوارهای جدید یکجا یا قلعه در قرن یازدهم تا سیمای واحدی را تشکیل داد ، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساساً - دیوارهای -

کرملین اهمیت و نفوس این کار در چیست ؟

دیگی از انسانه های باستانی در باره آغاز مسکو که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپراتوریه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد ، یک قلعه مثلثی اعمار خواهد شد (سلطنت سه بعدی) .

و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند ، واقعاً دیوارهای کرملین عیناً به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است .

الساو خط دومی استحکامات کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سنخ - میباشد . کلیسای ترویتسکی نه رود ، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و معمول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سنخ گردید ، (که امروزه نام کلیسای یگورسکی ها کلیسای واسیلیا بلاتنوه معروف است) که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کوزنوه - بنخاطسرتز - تجلیل از پیروزی - برخانی قزاق ها ساخته شد .

قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت سه سبب استحکامات سرحدات دولت جوان مسکو ، روابط وسیع تجارتی پیروان آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد .

در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی پس دیگری مانند قلعه نیوگورد - ایوان - گورد ، کولونو و غیره احداث گردید .

در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با انهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند .

بقیه در صفحه (۸۶)

فروشنده‌های سبزه‌ها را می‌بینید در این فروشگاه

فروشگاه آثار هنرهای زیاده‌دلانه
بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتمنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها و نادر به هر گوشه و کجای دنیا سفر میکنند * با
علاقه‌مندان و گردانندگان آثار به داد و ستد می‌پردازند
و در حراج‌ها اشتراک می‌وزند *

انتونی سبزه ۴۹ ساله * امریکایی است
نقاشی * همین تماشای سالون فروشات اکسفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا * که
به صورت رنگه آبی کار شده است * برخورد به آن -
چنان علاقه‌مند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید * این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبزه تعلق
گرفت * چه سبزه حد سر زده بود که این اثر از -
نایفه رویایی قرن نوزدهم سامویل بالمر است * بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید *

انتونی گاردنر * مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا * ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترمیم نمود *

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری * یکی از مر -
یدان بود * از موزیم میانماتی بنگله دیش آمد *
است * او میگوید * (احتمالا این برونز رزمیان
حک هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد * ما
کاملا آماده ایم آنرا با جرد انیم مشروط بر اینکه مقدمات
بنگله دیش تعهد بمانند که انفراد موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند ((

با امانه * مجدد برونز * سبزه مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشته است که
گاردنر آنرا چنین توضیح می‌دهد * ((آنچه را که ما
انجام می‌دهیم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است))

در حمله آثار افغانی مجسمه‌هایی از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود *
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر
بشمار می‌رود * نیز در این فروشگاه وجود دارد *
گاردنر می‌گوید که تا این اواخر آثار هنری و مناظر

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبزه و سران واقع در
لندن * که (۳۰۰) سال قدمت دارد * استمداد
جست * شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلوند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت *

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه * شعزاده فلیپ و شعزاده ویلز
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است *

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند ستاره داد و ستد
دارد * هرگاه بهترین را می‌خواهید * همینجا است
گزانبهاترین آثار را در همینجا است *

تلفورد شوت * امرا در این فروشگاه اظهار
داشت * (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است *))

نمایشگاه‌های سه منزله و گالری‌های آن از -
مجسمه‌های شرقی * منسوجات * نقره * باب نقاشی -
ها * جنی باب * مسکوکات * کتب * مدال و تعداد
زیادی از ایشیا * و احوالی برانگیزند و جالب آنگند *
است * جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش‌های شرقی منبع
ثروت درآمد شرکت را می‌سازد * اجناس ترتیبی
از قبیل عاج * برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت خود در خاناد و انتقال
دهد *

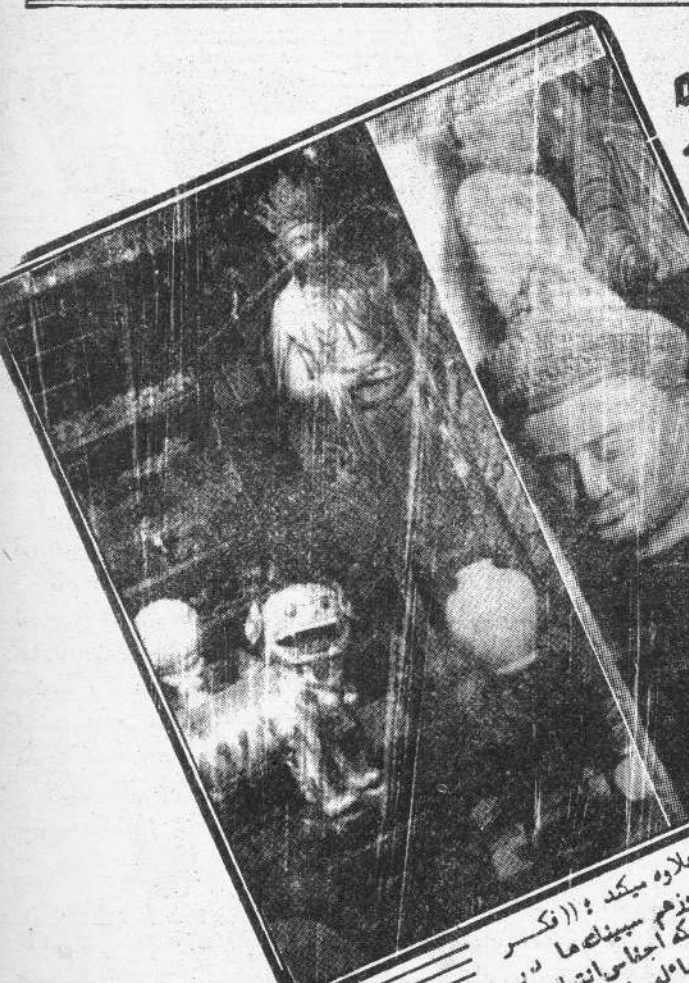
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره‌ای که منقوش با جهره ملکه
سکات می‌باشد * در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آمد *

داشتن همجو اجناس در اکثر توجه علاقه‌مندان
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است * یک امریکایی
سخت علاقه‌مند است تا در برابر دست‌آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند *
مشتریان خصوصی و موزیم‌ها به فروشگاه سبزه

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فنان تحصیل کردید از طرف صوفا پیش در امرتجا



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوزم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوزم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

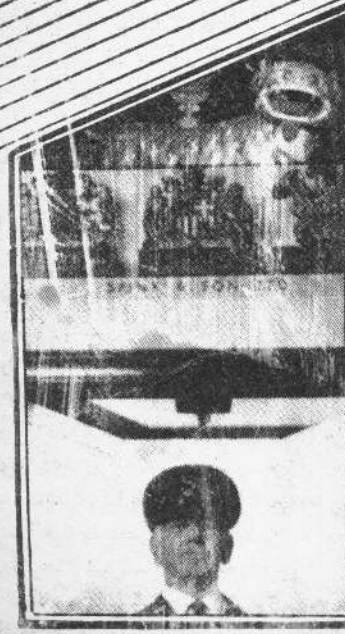
دیپارتمنت نقره ای، کاد موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برایم نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیزم دم یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ اطرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته شده، میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تانوی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایم کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و وانزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میبایم . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شبیهان از گفته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشوم که قصه اش را از خود نریشتم ، میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفانم و فغانم که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکم و او بازسان خود قصه میکنه و من با زبان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمده بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گذاشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشوم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان نگاههای گوشه رانواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که نکته های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامییم - آنشب نامزد جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری رانمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود رانانتهوان و ذبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگیرم بیرونی با مهربانی دست به سرم کشید و چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل ناراحتی ام را برسد تنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیومراره خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بیبیکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود زیاد ، از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روز کند ؟ و من بدون هیچ پرسشی بدیرفته در حالیکه دست بیروزن رادربین موهسای چرک لمر میگردم و لطف غرض آلودی را احساس میگردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بیروزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به بدی برایم وهم آگوشی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسوم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهومی نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرید در یوریکه در انتقال مال تا جران از یک شهر به شهر دیگر کار میکرد ، مراد ریدل پول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازم - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میگردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) . من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غنچه به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میگردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما - در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید بدی برایم میگردم -

باعین این آدم نماها خود را برایشان سرویس کنم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچکم را برایشان تعارف نمایم صبح عا از کسالت شیهله .

بخواب

سر گذشت یک زنده گی پر باد رفته

ازهرتسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

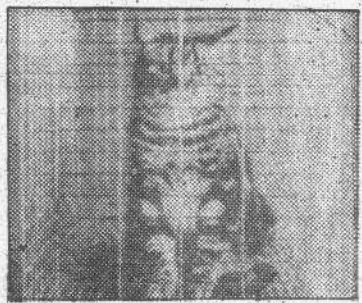
وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک های معسره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آنها رسیدگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلادلفیا در ایالت پنسوانیا برده شد.

دکتر اول، دسترمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند و زنده ایمن عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر دسترمان یک و پد دست قارن را نیز باورید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالات متحده فرستاده شدند و با این احساس معجزه سیامگدان از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشته اند.



ازهرده پیشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است

دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پیشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پیشک با معمولاً این مرض را از جمله می کشد مگر میگردند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پیشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها به یک با چنین پیشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در مساحت عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلیمین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادر دیده بگیرند، و اگر چه چنین شخصی بدست پولیس یافتند از ۲۰۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، جزا خواهد شد دید. طبق این مقررات هیچ شخصی اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیر بود مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای دیمزلسی میخی پس را ممنوع میگردند که ستونهای از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را بازمی آورد.

لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلک ننگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت که هنرمند تلویزیون است، هفتده پسرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت طاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید و آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را کشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند.

مسول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر خطرتنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد.

قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.



عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بدنیآورد.

یکسک ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بدنیآورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیامیباشد که بحالست

خانه جی هـ ۱۲

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشته و ۲۵ نفر را زخمی ساخت.

آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان، هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد، علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت

حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. همکوران گفتند که خطری جدی زنده می آورا تعدید نمیکند.

قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان، پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر کجا

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



اکیهیتو، امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرومیتو بدست می آورد.

انژون بران، ۲۵ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

سه حیوانات از خود حقوق دارند

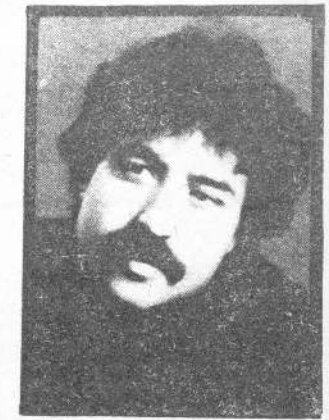
اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سهامی افراد و اشخاص اصلاً دهن زمینیه چیزی نهادند.

تعداد نهادی به این عهد اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجایا سنجی های علمی بنیضور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع

شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجار و روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات بنهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپسند است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگانهان باشیم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر در و ساره در مصاحبه خود با دانش جوانان گفت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو براینکه اگر در مسابقه بره از من نبود بنجهد هم ارادتانی می خواهم، اگر با حق می بردن، کسرت مسابقه حاضرند مسرت را بید یون.

شخصی حاضر شد و گفت منتظر معشر و احسان مسابقه ندهند من با برنده مسابقه، دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدیم، حالا سخن از چه فرار است؟ گفت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از روی آبه و من ندانستم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره بخبر من کیست که به گپ خوب مردم ما قاپو داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستاره علامه دارم یک مسابقه جالب دیدنی راتناشا خواهیم کرد.

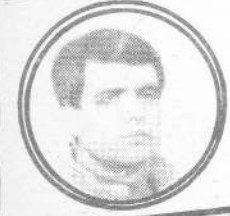
صد قسم برای یک بوجی آرد

در سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیروسی در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس میخورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگفت از برای خدا چرا ناس نس میخورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت بیس، زیرا موتریکه بوجی

هارا آورد همینجانبی خلاص نمون، منتظرین، موتریکه بوجی قسم اما آن شخص نس و توان میخورد که (بالا سره کت) این بوجی از خودم است و توچار بوجی را به بخلوبین بایین کردی، خلاصه به میانجیگی یک حاج موسفید به آن شخص گفتند تو حاج موسفید دست را بالایی بران مجید بگا ریب و نس بخوری که این بوجی از دست! گفت بلی من حاضرم و چنین کرد. آن مرد بیچاره از بوجی آرد را در موتریک

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیمه محسن بوهنخی و تزئینی بوهنخون کابل:

شاد به کارمند محمی یکی از شماخانه ها: س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟ ج: ساریان به گفته شما کارمندان حی، شریان مغزی کفانده و با تا س از سرف راست بدن فلج بوده در ایار شانس در ستر مریضی فرزند دارند محمد سرف از لیلان چغان نود فامیلی خیرخانه مینه: س: چرا بعضی از معترمنندان عتنگا بسنگ در تلویزیون مسی لرزند؟ ج: آنان نمی لرزند، حتما سرف خود را نبینند.

شیشه تلویزیون شمالی است یا چشمانتان نقص پیدا کرده حتما به داکتر دندان مراجعه کنید. گلانی محسن روزنالمین: س: برنامه عسارویک گپ تلویزیون که متواتر هر شب سسر میشد چه شد که یکی و یکبار نشراتش دسغ شد؟ ج: این خود یک گپ از هزار گپ است! سیمین از مکروریان س: س: خبر شدیم که سیمیا ترانه پنج انگشتش سوخته چرا؟ ج: کسی گفته بود، سیمیا

جان ترانه علاوه از اینکه هنرمند خوب آواز است پنج انگشتش شش چراغ است، علت سوختن درین است. فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان: س: خبر شدیم که حاجی کامران بازم صاحب فرزند شد مبارک است، میخوایم بد انیم چند بچه و چند دختر دارند و چند ساه هستند آیا بازم می خواهد فرزند داشته باشد؟ ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

اسد بدیع از طبابت دست می کشد



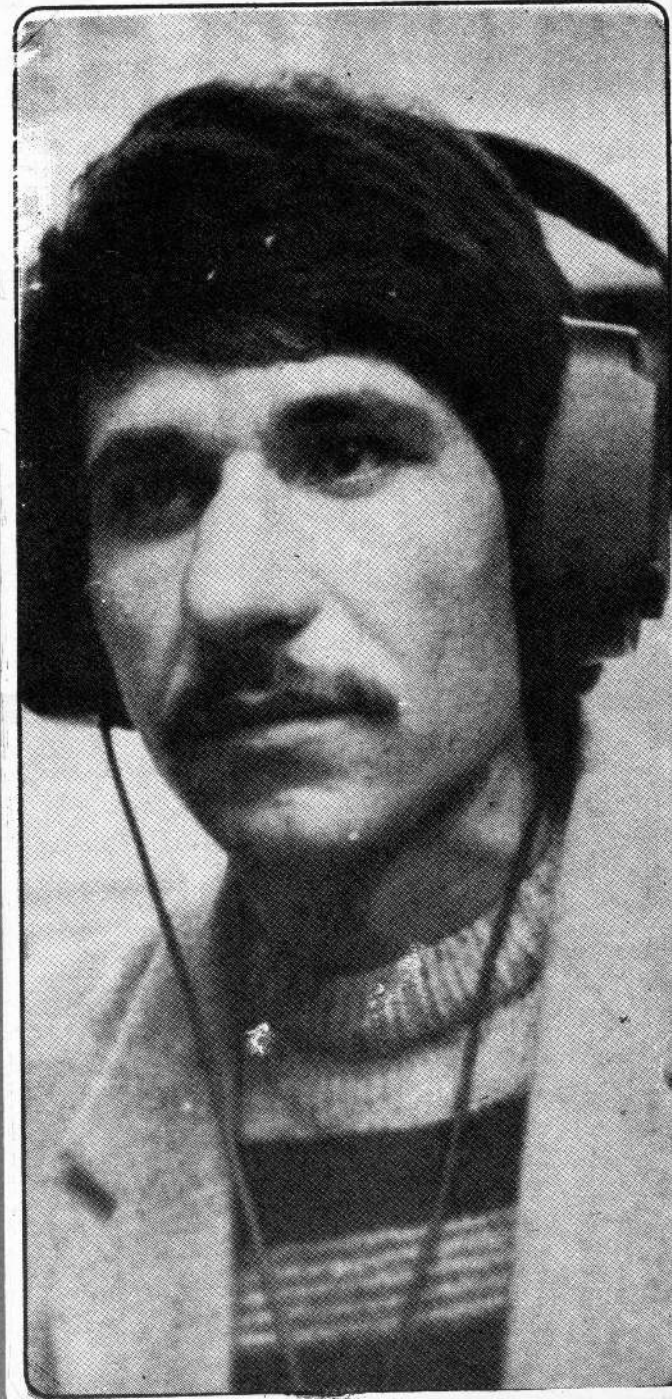
نور اسد از لیب و بابت کساره گیر کند. وقتی این شایعه را جاییو شنیدیم، گفتم بی اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار بگیریم نمانده که سرفاس برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تدا مرکز ترانسپورتی شهری رایا استرات چندین تن از تجار ملی - ایر نمایند و با باید عم مواد اولیه سرف برود معترمنندان را تعبیه نماید. باران تران نس روز هنر برساند و با م کدام کسار نیاید بگیر را دنبال نماید. از تعداد چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمسه موسعات شایعاتی راه در مسورد او شنیده بود، برایش فعه کرد که بعد از شنیدن وقین بسیار آرام و شمرده گفت: زلی جان همیشه این حرفها درع است تو باور نکن گفتم من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خندید و گفت دست اختیار - اری و من برایش فعه ای کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گفتم است، اورا دست تد اوی به اساینگاه می بردند و گفتور

ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورمو شرف اورا سزد خود خواست و گفت: بران رتواگر نامه گفتم نیستی، تویت سرف دستی یک مرد کاملاً عسار بی وضحتند از نناه لیاپت، تو میتوانی عروس کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خوبی باشی و همه مردم خدمت نمایی. بازیس جمله حرفها مرید یاد رفت خاسر سخندان نه کتور اسندید در اخیر به وی گفت: تشکر دارم صاحب من هم قبوس می کنم که من دیگر نامه گفتم نیست اما خدا کند که موفنا نبر کند.

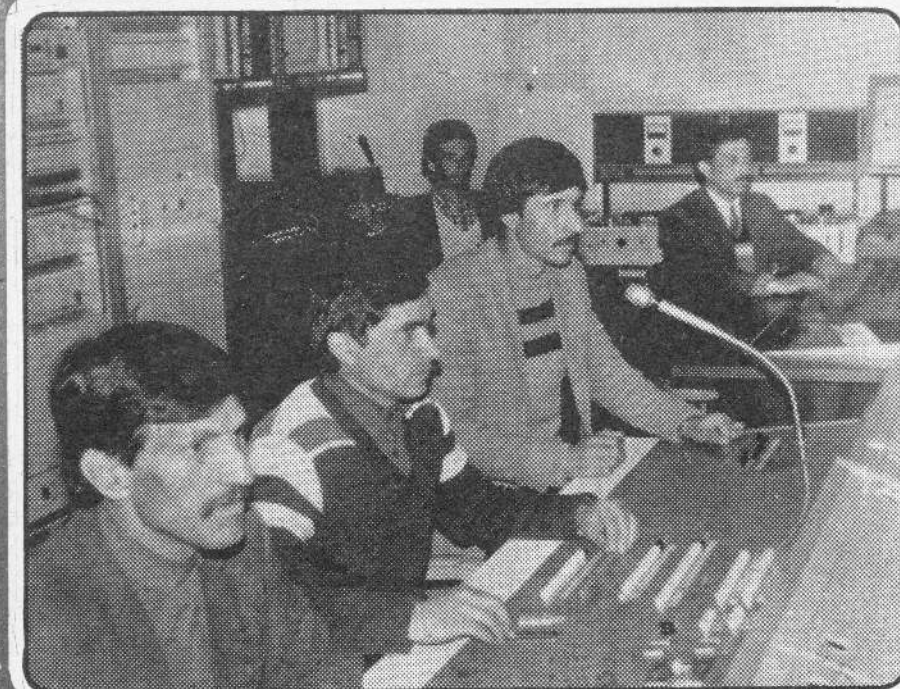
مجله ناولوژی

مصاحبه از اسد بدیع



سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



که راه بروم مستعد در دین برنتو شده * کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد * از اصطلاحات هژ * این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لایه های فنی کار، کلا خلاصه -

شود به چند تکلیف اصطلاحی (شاید درست شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگزاران - غیر مسلکی، تدبیر شده است * اما، کارمن و حتی کارگروه کمی از دایرکتوران تلونین، مبتنی است بر تجاری که حین کار و عمل بدست می آورند، اینجا اصول میزان -

مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه * اساس کارگردانی برنامه های تلونین است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که پارادیو تلونین همکاری دارید، کدام برنامه ها راتمه کرده اید (البته جدا از مجله * تلونین) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من تراکیری رتبه ژورنالیست رادر سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که راتمه، نوشته و دایرکت برنامه * مجله تلونین پارادیو تلونین همکاری دارم کارمن در - تلونین، اساساً در دو جمعیت هژ، شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و تهیه کننده کسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلونین، برنامه * کتاب ران برنامه ((برگها)) اساس نهادم که تهیه کننده کی و کارگردانی اثرات تهیه مده داشته * جدا از آن، دهها برنامه * فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلونین راتمه و - دایرکت نموده ام * البته در حاشیه، از نوشته * ستاره های فم داستانی ((سهند)) تئاتر تلونین ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلونین انفاقی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتمه برنامه * مجله تلونین شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه * مجله تلونین همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، بایست مشکل مهود * آنک یونیت وسیع مشخص در مهم بخشهای فن و

هنری اما با در نظر داشت محدودیتهای فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه * پرو دیوس، صرفاً * مستر حکم فرموده ما من همکاری همراه است که لازم مدهای از سمت مدیر و تکمیل ما دقتاتش بسیار گزاف کم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه * کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درونی، بنابر مدهم موجودیت نهی شده * پشتو در اداره * ما نوشتن بخشهای پشتو و برنامه رانیز به شکل ناگهانی انجام مدهم.

در گذشته تهیه کننده گان - دیگری چون شهره داء، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکاری بودند که اکنون صرف مستر سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می تهیه.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به نوشته های بخصوصی به یک هژ تشراتی خود، تشراتی میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشراتی رهسپار است؟

ج - بنده * تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بپندید * مجله

تان باشید، کدام بخشها را - بیشتر می پندید؟

ج - برنامه * مجله تلونین یکی از برنامه های اختصاصی تلونین است که در سطح بلند هنری ادبی انتشار می یابد * طبیعتاً این برنامه بنابه ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان جنبه های فرهنگ کشورهای مختلف پر دازد، مطالب مجله * تلونین انکسوسه معرفی و تشریحی هنری و همگی و هم آن به مثابه یک نیاز حتی عاطفی و روانی انسان -

اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تامل آن، دست می یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارنشدنی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از مده تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع - ((پرویش هنری)) است آنگاه یک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آنگاه ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شمر

بایک تالوی نقاشی از تیشه های طبیعتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحی از بینندگان تلونین هست، چون مجله تلونین در جایگاه یک برنامه * اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا * بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده گوار صرف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه - آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداخته های برنامه، موا شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی و برای تلونین پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم دارم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام در جهان بگذارم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحرست ، گزهر بیحساب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبری گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرمن تنها زمان مادر است
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمیاز دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 در من هر اس نیست ز سردی و تیوه گی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی غبار دارد
 پژمان شده اسپر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی
 دمانام له تیکی تیخ دهلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتی
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیگی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو
 که به سرو وینو خر وی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کشید و چمن جامه نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند و خمیاز چکار
 فغان و ناله مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپر و سفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حز تو یاری هست . نیست
 یاغم را غیر مهتر نمکساری هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد دنیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاری هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیرد پر خه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان نیگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

زیاد مینی نیگلی نیگلی پسانسی
 چی د سپرلی نیگلایری بیه نیگاریده
 به مومر نیولپو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپشتی عظمت نینه بی
 برته خته کی وه
 دغه غرور بی د بپری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانیبرگی مینی
 د جاخماري نازینیی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جاناز کوینبوتسه
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پر زید
 بر روی من بر پر زید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوی تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ رهر ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری !
 شاید که زنده کسی
 یک انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می براكند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محبتی "سوزن"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د ن هدا وریکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

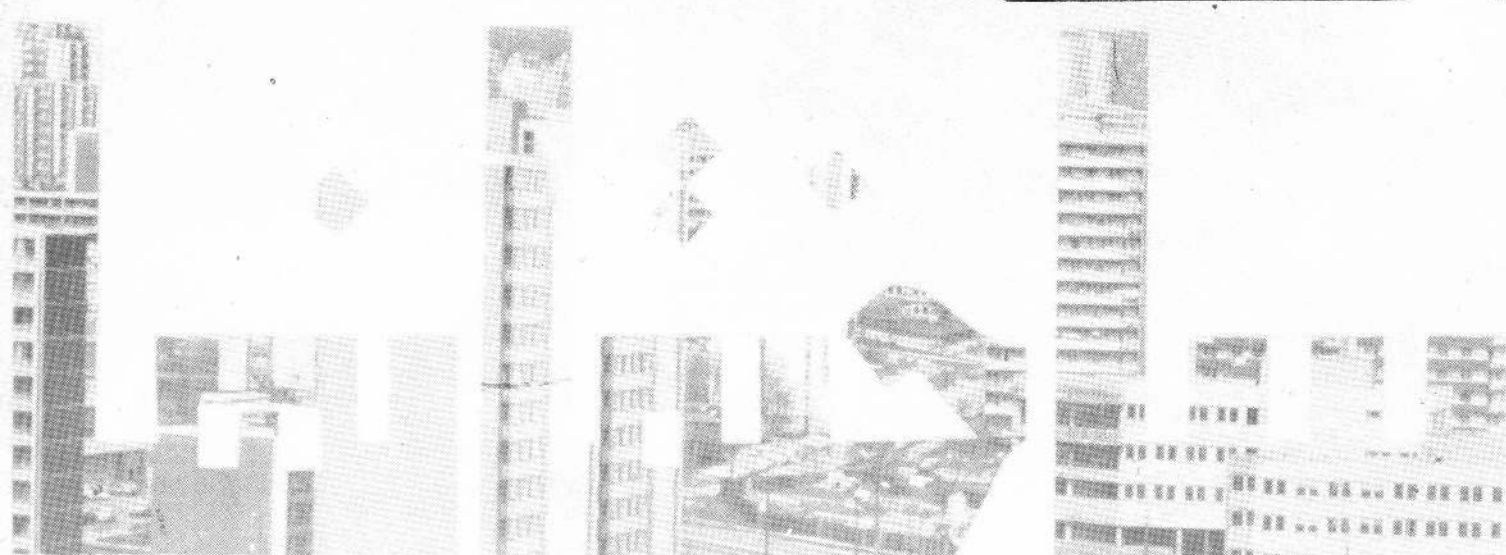
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضح باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آبی به سوری من
 به دیت ابروی صفا
 و یاد ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میگرد
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستاهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگرد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و یار

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه یار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانکه بجام چشم اوستای من بنبار
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سه سه
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خراش از-
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتی
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختک
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آغاز چنین مزارع یک چیز
کاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، نبود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مسکن
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
اعمار چنین مزارع سه فلك كشيده
میشود •

تا امروز با برج ایفل ایستاده است نحسی
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتهك در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •

بها دگاره های تاریخی همگون در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پی هم ، ولی بمان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
صوری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •

اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

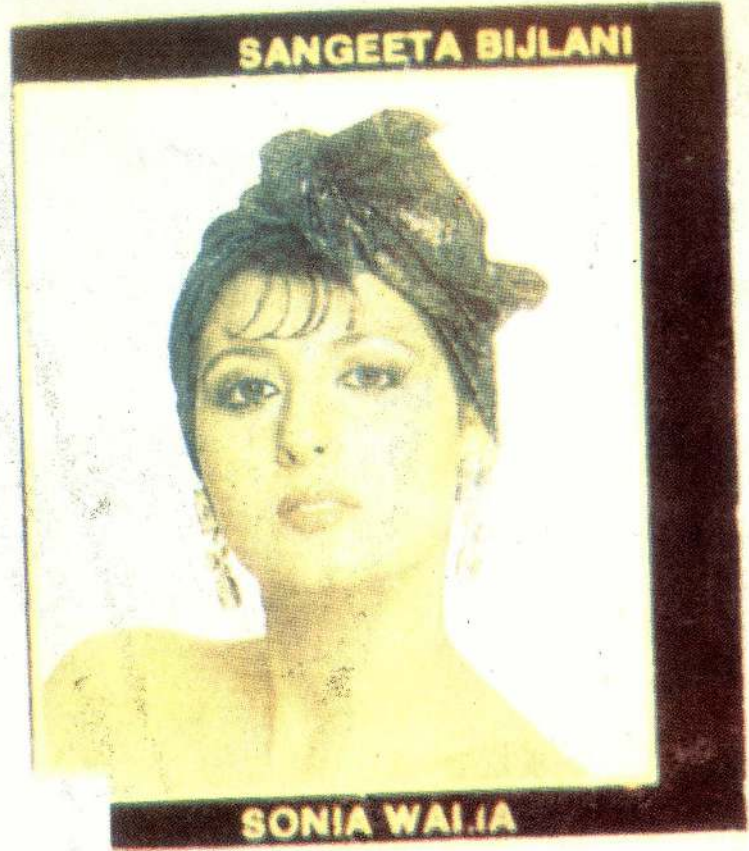
نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجلی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوستاف ایفل منفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •

بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کوسلر بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹییت بلدیگ

(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گونتی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیر می گذرد که -
ارتفاع فوق راسختمان دویچ مرکز
جهانی تجارتی (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تهن ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •

در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع ریکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس * برای آتھہ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازکار خود نگرفته بود *

وقتی اورادرد ((پانسوتی)) که زنده گی میکنسد

ملاقات کردم در برابر پریشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) *

ایمعدانھک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ * حرف هایش

افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ہا این زمینہ سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نھاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند برایم تھریک نگیسد *

عدہ بی راعتھدہ براین است کہ ((راکش روشن)) کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ * نا - جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های

((سکسی)) مرابہ انظارجلوہ دادہ استولی اقتصاد من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ

تن داشته ام کہ به مقتضای * حنہ * فلم است این چه گناہ کپیوہ است کہ ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا تھنیک بہتندہ این است کہ درکارحوض شناہ دخترئ با لباس سوراپا مستور جا - رشود ؟ ایادرمحل -

شناہ پوشیدن لباس شناہ امرکاملآ طبیعی نھست ؟ اگر کارگردان مراد درکارحوض شناہ با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل میشد.

درنلم ((آگوشن)) نقش نیک هنرمند بہ نام رسیدہ بی رامتھدہ بودم * نقش نہایت پرازنوامش وایدامات بود ولی کارگردان ، مرایشوہ * کاررا آموخت وورا خوب یاری رسانید *

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ * یک فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم بہ نمایش گذاشتہ شد *

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاھر میشود * درنلم های ((جین داتا))

و ((مھاسنگرام)) یا ((ادیتہ پنجولی)) ودرنلم

((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم

((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) همبازی مھاشد *

مناف بھریں ، یک عدہ ازفلسازان جنسوب ہندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های

جنوب حاصل کردہ اندکہ وی صممانہ ومعدہ * همکاری بہ آنها دادہ است *

دراین بارہ اوصوف های دارد بہ این تحصیل :

((من عجلہ بی ندارم کہ درہل آن بہ اوج شھرہ برسیم ، برای تسخیر وتعاھجہ این مقام تامل وشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم های ہم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ همبازی من

کہست ، بسیار نمی اندیشم *

برایم بسیار بی تفاوت است کہ درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکہ قہلاہ گتم درنلم ((تیرئ شھر -

مین)) در برابر ((مارک نیئر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل

((اکھرخان)) ودرنلم ((مھادیو)) با ((ونودکنندہ))

ساشر بہ بازی شدم *

من بہ دراست وجرا ت این موضوع را تھیبند

میکم کہ بہ هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ

نمی نمایم *

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ * کاروبار مود را -

بستہ ودرنمایش لباس های * نمیکورد ، خودش می

نھد :

((موقعیت کتونی حکم میکند کہ بعدازین ، سینما

وہنرنامی مرکز تمام توجھاتم باشدہ نہرا نقش راکہ درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ بودم رھصعروف تہ قناعت

بخش نبود وچا کہ فلسازان معروف بہ من چشم

امید دوختہ اند لایم است من ہم تھن های فراوانی

ازخود نشان دھم)) *

درخجس دنیای مود ونھشن ((سونوالیا)) عکس -

العمل خودداینگونه تھازم مھدہد :

((اگر پھشنمادی درمورد نمایش لباس برایم برسد

ردنی کم مشرولہ بھراینکہ طبع ونحوہ نمایش قابسل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک ولو که از احساس بولی قابل توجه می باشد.

«سونووالیا» آثاری که در عین اوج آوازهای
نایس می آیند، در یوگون داشته میگردند.
(نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرین من
اعتزاز میبایند، تردید ندارم که در لسان انگلیسی
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهند هم بهره و نیز گاهی دارم، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -
ندارند، اردو را به شیوه آمیخته با انگلیسی اداسی
کم یادگیرین بنامد آهنگ دارم.

اعتزاز میکنم که جشن از جهان مود به دنبال
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میگویند مود را لباس هاتراندند و هنر
ندارند.

(سونووالیا) که از کار روزنامه نگاری حاصل
مقام (دختره نند) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میگردد: (والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنرینمایی، تا آنکه
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم.)

برای اینکه، درین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم، آرزو ندارم در محدودده، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هامرسید، در حالیکه از این
رزمه ها کاسته شده است و او به راحتی نفس تازه
میگردد، در این باره تصریحی ندارم این شرح
(من با ((وتودجی)) در ظلم (معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشته ام، اینه خا... اینکه با دیگر تازه گزار
بودم، به حاشیای هنرمند تجربه کار و مسوولیت،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میخواستند
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند.

این رهداد در حالیکه روی احساس ما، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم.
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
شکستهای خازر الماده می خواهد.))

سونو والیا میگوید: (من به خود باور دارم که در سال
های آینده، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشد تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد
بخوانم.

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند بول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند. از اینروست که با هر
نوع نقش دلچسپی ندارم و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم.)

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)



سه بانوی بریا: اکنون سخن میگویند فصله های

سریال مجب حافظه اول تربیتی بی مورد

نویسنده: سارا دید بود چراثربا با دروم تن بدر از دواج داده و زندگی او اکنون بس چه عنوان است؟

از چندی من با شاه ایران که در سال ۱۶۸۰ هجری است، هنوز مدت زیادی بچند نشسته بودم، منکه یاد دارم در شهر گلن آلمان به سر میبردیم، یکروز برای نخستین بار هم شدم بیرون بروم که نروهاختن به شهر بروم، ابتدا گفتم برای من چه چون لباس بسیار معمولی به تن داشتم، فکر کردم به هیچ وجه مورد توجه کسی قرار نمیگیرم، اما برنایف بر روی جامه ناخمان متوجه شدم، همه طایفه یکبارگی چشمش خود ادامه بهم و همه طایفه یکبارگی چشمش شده بودند و مرا ورنه از مگردند و این نگاه ها بهاتصوره خالی تمام بود، چشمان من نبود و یا هالم سالمی از را داشت، فکر من در این بود که در گذشته بجهت خدای همیشه در باره، هیچگاهی زحمت رفتن در میان جمعیت را نبود نداده بودم، و اما آنروز حتی خوردن ترین مایه سرور به نایلندی و دستچین من بی برده بود، در دربار پرتغال درم بود که در درجه جاویتی شاه بانو میگذشت، با اهد و جمال برهنه راه باز میگردند، عادت کرده بودم که در سالهای زنده کنی پاشا، برای خوردن گذرانی وضعی، اگر به سالت (نهانی) در درم یا (شاهزاده همیشه) در با این صورت اما آنجور باد برایشان، که با این راه را باز میگردند، همراهی میدم، اما در چاره و گلن، عطشان تنها بودم.

وقتی به یاد کی گذرتم رسمم، ترسیدم... چون بر من مسئول گشت، دیگر نمیدانستم چگونه سرک را بهایم و سواره به نزدیکترین موزیتم، من بیشتر به موجودی شبیه بودم که مدت درازی زندانی بوده باشد، و بعد از راهی راه کم نبود، و برخلاف تصور با تواریز گزینم در بر تو، وضمیمه نظم نشود... وقتی در تهران، عقب نرومان موزیتم نشستم، و سالت چراغ های سرخ و سبز را که وقتی نگاه میکردم، و این ترانگی بر لبم خدومی داشت، چون از این ترانگی دوری آنسانه بیست که تاکنون بر ما من زندگی تمام نمیشد، گردیده ام.

چگونه از رضا شاه جدا شدم؟

شاه بانو اسعدی یاری، بر ارسالما سکوت، خاطر ای همجان انگیز زندگی مشترک ما با شاه را فاسد ساخت، و در ضمن نکاتین خاشارت را ابراز داشت: ((حفاظت زندگی من در این خاشارت حالتی از ابراز است، اما آنسانه بیست که تاکنون بر ما من زندگی تمام نمیشد، گردیده ام.))

تحریر با بی التفاتی از ابراهیم اشارات و لایح تراشیدم... من که از روزها، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم، یک روز از این راه، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم، یک روز از این راه، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم، یک روز از این راه، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم، یک روز از این راه، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم...

تحریر با بی التفاتی از ابراهیم اشارات و لایح تراشیدم... من که از روزها، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم، یک روز از این راه، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم، یک روز از این راه، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم، یک روز از این راه، سوار ایبل کوچیک، گمشده بودم...



برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن
 بدان جرات میخواهد و ایشان
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی
 منحصر به ذکورت نیست بکون طبق
 حکم زمان ، اناث جامعه ما
 میتواند در رشد و پیشرفت این
 بدیده والا از اهمیت با ارزشی
 برخوردار باشند .
 — اگر همانند همه زنان که
 به سلام این بیکره رجوع کردند
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟
 — شما میدانید که جامعه ما یک
 جامعه عقب مانده و روزه انکشاف
 است و از جانی بدیده سینمای
 ما تا هنوز نتوانسته هویت ملی
 خود را کسب نماید و استند مدای
 که بنابر تخیلات واهی گرایانه و یا
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و
 ریاکاری خود را از عرصه فعالیت
 باز میدارند . ولی من بعد آن
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود
 و سویی سایه رفت ، سایه بیکره
 سپوش به تاریکی و لغزندگی
 می انجامد . چرا ، خردمندانه
 به سوی خورشید گام ، بگام پیش
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه
 پر فروزش همگانی است ، سود

به جست
 — خورشید جان عقیده شما در
 رابطه به داشتن یک سینمای
 خوب چیست ؟
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود
 باید برای یافتن سینمای خوب
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ
 ملیتها بود . در یک فلم نیز باید
 اندیشه بران داشت —
 محتوی از یک تفکر اصیل و فر
 هنگ جامعه گذران زندگی می
 نمایم ، ما به داشته باشد .
 — ستم شما در رهتر شدن سینمای
 افغانی از چه قرار است ؟
 — من بعنوان یک فرد درین عرصه
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم
 فقط تلاش ورزیده ام با نهاییت
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق
 خجسته و احترام متقابل ستم خود
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا
 نمایم .
 — میخواهم بدانم کارکرد هایتی
 سینمای شما از کدام فلم و
 چگونه آغاز شد ؟
 — من با پیشینه کار را دیو
 ام با علاقه مندگی که در
 بقیه در صفحه (۱۱)

خورشید



این بار در رابطه به ویژگی
 های هنر و شناخت بهتر هنر
 مندان سینمای افغانی ، با ی
 صحبت هنرمند مجرب و مستعد
 که پیشینه کارکرد هایش از امواج
 راد یو آغاز و در زمره نخستین
 اکتریس های (هنرپیشه گان) تياتر
 سینما — تلویزیون باد رخش
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یو
 تياتر ، سینمای و تلویزیونی موفق
 از آزمون بد ر آمد و تلاش بیکره
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین
 چهره های سینمای افغانی در
 سطح کشور شناخته شد .
 نشینم .
 این چهره پر درخشش محترمه
 خورشید است که دعوت ما را با
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر
 را به گفت و شنود این هنرمند
 معطوف میداریم .
 — میخواهم نخستین سوالها
 چنین طرح کنم :
 — از نظر شما موجود
 دیپلماتیک در بیکره
 سینمای نو پیا خواسته
 ما ، از چه اهمیتی
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا سه سردکننده و طراوت بخشی داشته و قهقهه ها حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ نهالیت خفید میباشد. نهالیت تمام نکبات و پشه ها را در آن موجود است. از این رو بادرنگ را نهالیت پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکویز ساتیوا می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل المیلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته میشود و از آن استفاده میکنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این صوره سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰۳) فیصد کربوهیدرات، (۰۳) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال ها و پشته های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفر (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰۲) ملی گرام فیصد، تانین (۰۲) ملی گرام فیصد میباشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلورین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵۰۹۵) فیصد متوال های اسید ساز میباشد. از اینجاستون خاصیت معالجه و درمانی این صوره رادری کرد. بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراور آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراور را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضاویت است. کمانه که به قضاویت دچار اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده سی :

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخم های معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی خفید است. در چین مواردی هر دو صفت به هم دیده اند (۴) تا (۶) اونس آن تجویز میشود از اینکه بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صا ره آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید را خفلی زود بر طرف میکند.

بیماری های رایج :

صا ره بادرنگ در معالجه هلیپر اسیدیته و زخم های معده و

هنگامیکه با شهرد لمه مخلوط شود برای شکستادن و حل ساختن سنگ در مجاری ادراور و تقویت اسید ادراور مفید است.

بیک کپس صا ره تازه بادرنگ که با آب تازه تازگیل مخلوط شده بمقدار یک یاد او ص صا ره یک ساعت بعد در لای خفلی خفلی برای رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب میگردد. این صا ره مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اکثر بیماری کولرا مشتمل گردیده، حفظ میکند.

جوش ها و دانه های روی جلد :

صا ره بادرنگ در بر طرف ساختن جوش ها و دانه های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صا ره های زودک و کاه را با صا ره صا ره بادرنگ ملاه کرد. اضافه کردن مقدار کم صا ره صا ره در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر میسازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از این ماسک باقیمت دراز نکشد. برای جلد باقیمت دراز نکشد. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری میکند. صورت را با طراوت و شفاف میسازد.

بادرنگ را میتوان با سبزیجات، حبوبات، صا ره جات و صلا در مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ بعنوان صلا در فصل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، کاه و سبزی های دیگر استفاده میکنند.

اضافه کردن شیر در له به این صلا در آبر خوردنی لذیذ و آرزوی غذای بسیار میسازد. همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین میرود.



پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲)

رسیده باشد در غیر آن شکلات نهالی مواجه خواهد کردید. به هر صفت تاردوانند مناسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. من به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند احاد گسترده تری از سکی داشته باشد.

من در فضا شغور چه می بینم مردن گیر می آید، چه؟ کرد؟ ج - واصل، دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پرت میکنم تا از آنجا فرار کنم و لو بدنام شاره زنده بلم می کند.

من شما در نگاه انسان خفلی معصوم و پاک جلوه میکنید، آیا

دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی

نوبه سی. ارد نوروز سندی و ایسی داجی :

خاوند به بیاد پسرلی کسر له وجه پاکند لونگوبو ری اینه د پسرلی به ریخو راشه چی تور تری درته کیزدی و غورومه

انسانان هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توستک را اخلی. تا کلیومیله خایونوتسه اسی. اتیونه کوی، بنی ولی او. سلانگی وهی چی دنومور ولوبو اتسل ته دکلی د سین زیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسیر کوسی

دخوان اتل) دراتگ به انتظار به تال کی کینی. د هغه دراتگ لاریخاری اوبه گزار کارخانن رنگوبی خوله بد. مرغه چی به تال کی بی خوب روی او هند اسی وید. بانی کیزی. داهم اسطوره ده چی د پسرلی طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی. دنوروز خوان راخی اوتیزیری به باغونو او راغونوکی او گلزارونو. د پسرلی د گلونو ناویغیزی ته خان رسوی. خونوروزی بی بی خوارکی چی کله سترگی برانیزی. گوری چی ددی له بی بروایی خنجه بی یارد نورومه نیز و کسی لویدلی دی. دغه حال نه نس زغملائی. د لیونوتوب خیره پری راخی او خان له تال خنجه اجوی. که چیری به اوبوکی لویدنه نوهغه کال مسوراود برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلویدنه هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال ری. د همدغی فولکلوریک کیسی برینست هیله من بوجی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسوکالی د پالی کری.

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹)

زمینه تمثیل داشتیم در سال ۳۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنایی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم توریالی شفق در فلم های جون: سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار و قول اسی، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از: فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، دلمره لور، شمع زن، دهک، من و شما، شماها و تیاتر تلویزیونی: غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم ساء، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

واقعا، فعالیت های سینما بی فرهنگ شما ارزشمند است. منی شود از افتخارات آن در ایسن باب نام ببرید؟ - همینکه کار میکنم و از خود اشرفی بجامیگذارم، برایم افتخار است ولی در این باب افتخارات از بابت اخذ مدال و جوایزی به خصوص بدست ندادم. ولی در سال ۱۳۶۶-۱۹۸۷ به مسئول سینمای منقده مسکو، شهر زیبای اتحاد شوروی در فلم سینمایی (ا برنده های مهاجر)) بلعده بی از هنرمندان شرکت جست که خاطره آن برایم فراموش ناشدنی است.

پیامتان در ارتباط فعالیت های هنری ره نمودن سینما و همچنان منحه یک هنرمند راجع به وضع شورای جامعه چیست؟ - بالیان متبسم و دانه کان آرزو

منذ افزود: - من از همقطارانم صیما متوقع میبین تا صرف نظر از بد در ایسن ها و آوند بیخه بخود داشتن ها چی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده، کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفتم (سینما) قدم نهالند. بخاطریکه میتوان به این نکته باورد اشت و هم بدان تاکید کرد، که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریاقت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقتی به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در اندک زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایسه با آثار جهانی نایل می آید. به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

از حتمی کستقبل شد بد از شما اظهار میاس. ممنون. خدا حافظ. خدا حافظ.

مرد ها را خواستند

40 مینرناهی

آیا فحاشیهای فزونی خصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه می

جهنیکولوژی خاخرشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی رابحث یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجه متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولسی کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه استروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را باخود دارد .) برای آنکه سطح استروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد . به صورت نورمال در زنان خانم

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فزنیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد . هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگی شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند . چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - نریسهای فزنیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فزنیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصیات زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

بقیه در صفحه (۷۷)

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان راه خنود مشغول ساخت و به متابعمای بدون جواب و سرگنج کند مای باقی مانده.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در کوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. باتمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیر جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اودیپ معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باوا از طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اودیپ مورد نوازش قرار میگردد و سیه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در پیدا این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سوره اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اودیپ بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از میلاد ابوالهول کار تیا، قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جا داشت زن است. با تنه از شیر، باقیانه زن و داری با

لها و ابوالهول مصری بال ندارد و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مییابد. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده بیود. در آخر قرن نوزدهم بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعدا

نه شیر در مصرفیاه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر از آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، نمبر از حکمت بد هیچی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راه روی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نمود. که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپتامیا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت دنیا قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او دیپ معمار رسید تا که در آینده خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

ملک جهانی که بزرگ می‌شود

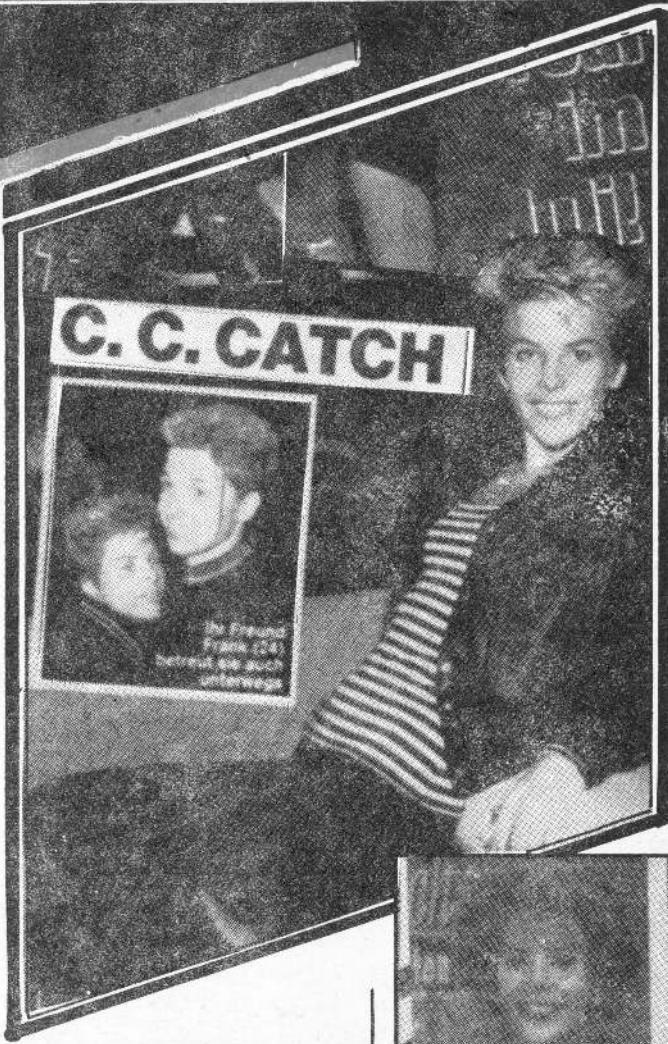
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمانیم»
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تیج

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیترو بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسر آلمان دیترو بولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسر آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر غنای آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیترو بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تمانا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری اسرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمانیم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نموده بچیت د یسکو زوگرم در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی را خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است. در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنرا ره می سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی را به نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شناسمرفسی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه

کال له سختيوسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زموږ په ميواو کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نما نخل کيزي او تراوسه لا - زموږ خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي راپه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نما نخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلی لومړي د جبه بياد سيا مندي - با برماغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خپل او پير برتم عمداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر وميلواو خو سيو سره نما نخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په کابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عمدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملکري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند - هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا اوسه ننگر هارکي د ولکي بابا ميلس د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او نکلکي کالي اتوندي تمبل وهي زيارت ياتي په (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه با جاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيد کينه لسو دود پيل کي اودايي په گوته کره جي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزده بدر)) له نيو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد اووه په ديار - لسمه ورځ جي دنوروز باي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولوياندي تياروه بخوانسې نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به يي خوښي کولي اود را توکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنیکمرغه شکم په نيټ غوټه کولي له لگيد لو او بلو خوا وروڼو څخه به يي په خاښوانو زياراد اگانو توپونه جون کله به يي جي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلي مينی او بلقي وړ عنوان په نامه اېوله د نوروز په درشل ((سيزده بدر)) کي به دي باندي باور و جي ټوک يي دغه دود نما نخل او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده اووه ټوله ميوه به لند يده اووه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندي واوښت بير سيره برهڼويه يي باکي اوسه هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزه ورځ به د بزگر ميه هم جوړ يده دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړونده بولسې .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنسې ورځ درلوده جي دروازه يي د عامواو خاص ورځ پرانيستې وه هوکي پرانستې وه ځکه جي تر شنه آسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنې صورت نيوي جي دعاسي ميلی بڼه يي نوره کر پوه د ميلی په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنسې راهيت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپل نې لاندي ونيول او د نبات دانس يي تشخيص کړي باچا حکم وکړ جي دغه دانس بايد سپين پيري او پوه بزگر په ځمکه کي وکړي د کرلونه ديارلس ورځي وروسته هلته نيالگي را توکيد لي ووي -

ترکومه خايه جي زموږ د خلکو او زموږ د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) اود هغه اړوند مراسم زموږ په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليزد ول شوي او ترموږ پوري رارسيدلي - دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسیده د کال وروستې چارښبه به يي په برتم سره نما نخله دغه چارښبه د سوريي چارښبي په نامه سره ياد يده او په هغسې کي به يي ميلی کولي ځکه جي داد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلی پيل و په دغه ورځ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي او گڼي جي پښي ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول په دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامی سره د خداي پاماني نښه وه په اسطورو کي راغلي دي جي له سوريي چارښبي څخه ديارلس ورځي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزده بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد اووه اووه دغو ورځو کي به دنوروز ميلی وي له سوريي چارښبي څخه وروسته به بيا د کال

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
 ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان
 شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند ، دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی ، بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



ای یاری وفا ، تو بوکس کو مه دفاع



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا خسار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را از دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نفاخانه انتقال داد و در نخستین روزنه تمام معاشش را که بعد از آن ماه عرق ریزی به دست آورده بود ، مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد . خبر می افزاید که برادران زرد و خورد گنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاغر ، شانرا نمیدانند .

از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون :
 بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تمبره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد .
 * * *
 جرنگ ، جرنگ ، جرنگ
 - بفرمایید ، تلویزیون است .
 - اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .
 - امر مقامات بود .
 - کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ کانل شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی را بلی را ثبت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰
 - بفرمایید ، اداره نشرات تلویزیون است .
 - نشرات تلویزیون است ؟
 - بلی ، بفرمایید .
 - بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
 - بلی درست است .
 - اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یو کست در خانه تماشا کرد ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کنم ، آن فلم هنری

(لو ستوری) را نسر کنید .
 - ببخشید ، آخران فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما نندار که آنرا نسر نکنیم .
 خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
 میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه استم ، من (. . .) استم که امرو کم .
 اوه ببخشید صاحب ، صاحب ، حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ، ببخشید ، صاحب .



تما با هنر نمیشه



از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشونت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی هماپرویز از بونهعی
ژورنالیم ویان برویز از بعه بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار. خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نرفت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارگرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زیاد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

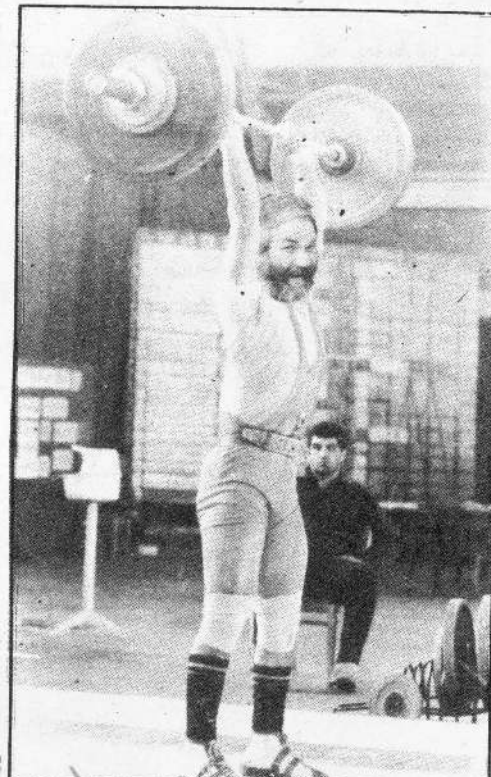
راه حل

رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عمومي بگويم که تحويلدار پنج مليون فرانك موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: همگام چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل و صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پارهائی از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

نورانی بوموقع



ملا صتم خوب است

همسایه بپ

د بیوزیک تن از دست پیل است کمترین تم به بداران که نانسند و گاند اران و یگر تا رئیسند با بی انعمسا همکاری نمایند خود را به خانه رسانده، خود پس نمود.
خبرس از یاد نه خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبرازخوس و قدر دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.

خبرنگار: میرزا شاخسار

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم دیشب تا ساعت ا شب با مشیت به دیوار اتاق میگویند! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .

بهترین منطق منصفی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته و نواریهای آینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادر کلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .

خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی .

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : (عقد) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

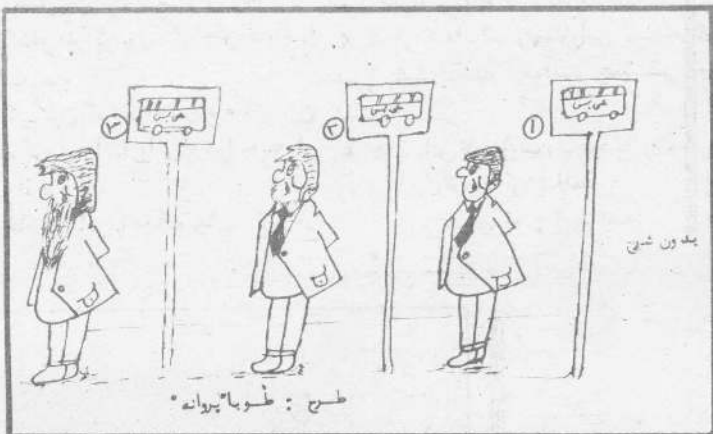
جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنها دفاع کنیم .

کارتون



طعم است



نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شو میشمرد .
یکی از دوستان روزی برای پیش گفت :
دوست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلور ، تشین و کلاد استون .
مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکنیم شخصیتها مردند اند .

امیل زولانزد ، اکثری رفت ،
داکتر پرسید : چه شکایت دارین ؟
خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .
داکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :
ای تابلیت ها برای اشتهای تان کف میکند .
امیل زولانزش را با ناراضی نشود داد و گفت :
داکتر صاحب این تابلیت ها ایراد من کف نمیتواند من اشتهایم را ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .
محمد سرور خبرنگار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آنشخر گفت :
چند روز پیش مدیر صاحب برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان تشریف ندارند ، آیا شما حاضرند کجارتی اند ؟
معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :
وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر صاحب کجارتی ، مگم دیروز در امری صحه حلیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .
محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و ترو صغ فاجیکه ساختن طلی مکتوب -
رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیرند .
روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران تشکیکی رفتی را آماده ساخته آنجا رفتند .
همون که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئیسید :
ایا پیر به شعبه خات آمد ؟
معاون جواب داد :
ایره خوب میخام که تی ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایسن .
تمام خبرنگاران و همکاران تختهکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .
در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :
اوسپه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکم که تازنده استر یادتان نره ، اوهم ای که برشان میکم که روزیگنیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخفته سیلواز خود مقابلهت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالاندن به سرسری ملی بس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواه شد .
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاطر میباید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر - گری کم از شما نیستند احساس استناد بدی تان را تقویت کنید .

متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتریلی بر موقف خوبی داشته باشید از همین رو با دید جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشوید اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزواییه به خار به دست آوردن کین لیت به سو میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمرین رسید به مشکلات زنده تی تان انامه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرقی استید بوی ونگه گیاه کارسری در شما اثری نمیکند ببول صفای را در مواقع معین میبرند از بد بجز واسطه ها واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید وارزوه و قیمت کوشت از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متاز به بر خورد صمیمانه دارید خوبست به خا ر رفتن تان وقت ترا ز خواب برخیزید تا اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

را انعام میدید مثلا شما قادر استید به اس وقت از نانوای نزدین خانه تان نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه گسی شماست .
متولدین ماه جدی :

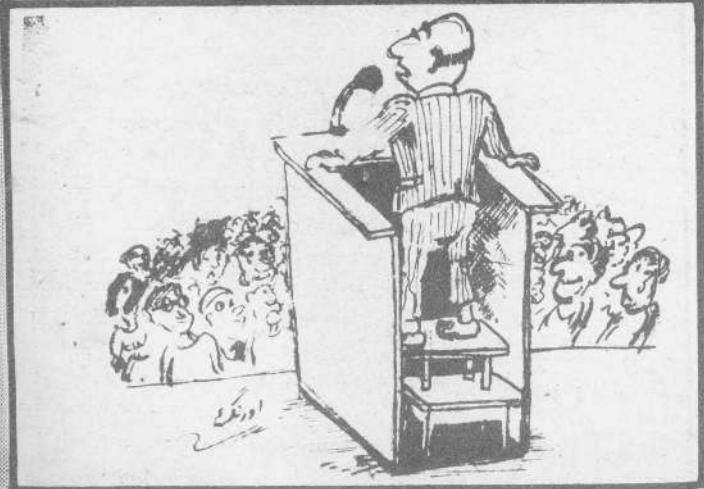
ناراحتی های که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت براد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارید .
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارا متا شر میسازد ولی باید بدانید که این موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین در زمینده معافیت حاصل نمایید .
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال تان بیدار میشود ، تاراحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند از لیل سعادت

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تان را جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمکی مسندا تهیه کنید .
برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .
معاور گفت : به چشم و حتما برشان موم .
روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیهم همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .
همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :
معاور صاحب محترم ، از کسه تمیه صاحبیهت شما با تمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بگهین (...) لبتا یاد داشت کمین که مارونیک شنبه آینده ساعت (۱۱) می آیم ، ماروه بر سرفرازخان و آمرهلیس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریفسد ، تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جائز باشد ، بخشهای مختلفه





دوهامه پيښه

د راد پو- مجلي پسر لک
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق : دراد يوچريد ي برله
پسې داستان د پروگرام اوريد-
ونکو لوستونکو سلام)
تاسې به تيره گنه کې ولو -
ستل چې د پتو توبينولو د ریا -
ست ريس د مقاماتو د لزم د پيد -
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .
بي له دې چې بل ريس وټاکل
شي او ياد رياست د کم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي . د ريل
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وکړمنځ ته راغی . په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال به چوکي
پوري نښتي و . خو کله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وځي . نو فسي
مرستيال د رياست په چوکي پښه
ياتي (١٠) مخ ته



نانوای

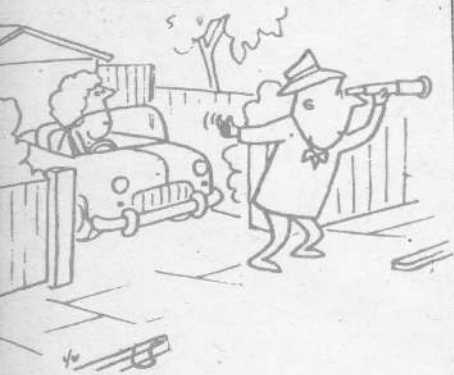
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي :
(نان) د ډوډي او -
(واي) د واخ مانا لري .
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې
(واخ) چيښي ودهي او هغه
هم په لاس ورته ورته شی .
.....
غور خوره . غوري وايه . خوبه
غور وده تير وده ا



علمي تخييلونه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نښونځي په دوران
کې د نايټروجن دوراني حالت د بيولوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي ، خود لته د نايټروجن پرمخاي د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتي مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتي
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود ښار
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .
له دې خبرې سره داخبره بي لا براتواره په ثبوت رسيدزي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليزي او خپلي
بقا ته دوام ورکوي .
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته
ورنښوئو :

نردی لیدونتی هییره او د سنخی و ریوری



دیو اگانو غوبنتلیک

د راپیو، تلویزیون، و راجیاسو،
مجلو او جرید و محترم موسولینو!
عمره و رخ وینواو اوووسی به
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیوانانوله باره خانگی خبرونی
خبریز ی اوهم به مجلوماتوکسی
دغه ډول کلیسی ترسترگوکیز ی
خود بو اگانو خبرونه تراوسه نه
چالیدلی، نه یی اوریدلی اونه
بی هم لوستلی ده. ایا بو اگان
غوزونه نه لری، زه ونه نه لری،
اوستری نه لری بی خوب یس
د دی ډول خبرونوم نه خوری،
د ایه موسور اریدلی وی چی:
زاره به خواړه، مرگه یی دی،
سار، خواړه د امانانه لری چی
سری به مرگه گیده لیتی یا اوکوره
و خوری، بلکی روحی خور و ته چی
د خولی به خای د سترگو او غوزونو
له لاری کولموته ننوسی هم اری تیا
ده. عیبه کیزی چی د دنیسی
اړ تیا به یام کی نیولوسوه (د بو-
ډاگانو لری) ایه نوم خبرونه به
خپلو خبرونوکی وزیاته کړی.
ستاس اجزا توت غوز اوستری
به لاریو.

بریالی اوسی

کاکا سفندرد بو اگانو د تولسی
سرپرست

وکل شو!

د بو اگانو دغه غوښتنه به خای
ده اوله عمدی نیسی وروسته به
د بدجاره هتی هنیوال د بو اگانو
د نری به نیم یوه توکری به هتی
کی وزیاته کړی.

گندنه

زه مجنون د گدنی م، گدنه زما لیلاد ه
به لاسونه راغی ملگرو، کبرجنه بی وفاد ه
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د گان ته
به مفلس مین شرمیز ی، بکه ماغنی اجداده
د مهران مودی اوز دی شوی، د وصال به طمعه طمعه
زه د یواشتک به هیله، تیرم میاشتی گدنه
داله جحکی نه عوانه، پورته شوی به هوا ده
لاهم وړخ به وړخ جکیزی، یو غیران رانیتنه شوه
د نرخونوبه سیالی کی، کله که له (بامپا) ده
به مرگه کیده، عیبتکه، ماونه خور، به مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ماورکه د تیا ده
که یی نرخ راکښته نه شی، د خوراک عیله بی مکه
ای مفلسه حیبت ته کوره، که خوراک کی اشتهیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د دی عیله یاری کړه
اول نرخ کوره بازاری، گدنی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، به کونوبه بازارونو
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تماشاد ه
نورته افریاد ونه کړی، زه که صبر گدنی نه
ای مفلس گدنه خوره، د ازما درته وینا ده



میژا له میژیره خه خپلوی لری؟

میژخوتول بیژنی چی د دفتر
به کوچ کی به خلورینو ارام
ولار وی اونه رمی وخت کسی
میژایان ورباندی خپل سرز دی
اویده کیزی.
راغی وگورچی میژاخه ته
واپی: میژاله دوه برخو
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه پنی،
دوه سترگی اودوه غوزونه لری.
اوس که (میز)، (میر) او
(زا) د وار ه سره یوځای کړو
نوبه بتو سترگو ویلاي شوچی:
میژاهغه (میر) دی چی له
(میز) خخه زیږیدلی دی.
(خبرکی)



دیو اگانو لری

یوه اوانو پخوان به گوره،
د پوډی گاسی ته باغمت وړ او،
پوډی بی خور له
دوی د وار وید خوله شخوند
راهه اوس سترگو اوسکی توپلی
یوس چی ددی عیسی بیسی ته
هت بی پاتی وکله بو ااخده و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- بچی بوښته نه گوه... نه پامه
خوله کی غاښونه نه شته اوسه
د پوډی شخوندنه شم وهلاي.
خودغه پخوان چی غاښونه لری
توله پوډی بی راغی رخصر ه
پخوان چی خوله بی له پوډی
پکه وه، به پک ستونی پسر ی
اوانگل:

د روغ وای وروزه! زه چی غا-
ښونه لرم، نوبه د پوډی شخوند
وهم لیزوم بی، خودغه بو ااخ-
ښونه نه لری او پوډی ژوند ی
ژوند ی تیروی.

یوشن میژا ته لار خو خپل بو ا
بلا رته لیک ورباندی ولیکی، میژا
دنه وویل:
میژا- ښه وروزه! بلارته دی به
لیک کی خه ولیکم.
سری- سلام... گرانه بلاره...
میژا- ولی چیغی وهی؟
سری- ددی لباره چی بو ا-
پلارم به غوز ونوکوډی او
وروخبره نه اوری.



علی مشتری سفر پر ماجرای رابه دنبال عشق خود از سرگذشتانند

مجموعه شعرهای علی مشتری

خواننده گان عزیزان در شماره های قبلی مجله باغ رشک با سفر علی مشتری را دنبال می نمودیم. در این شماره به غنای خواننده اینک بخش دیگری از آن را می خوانید.

تاریخ نگذشته، اکثر آنها فراموش گردیده اند. همچنین مجله ننداره که یک مجله هنری فلسفی و ادبی بود، در وقت و زمان خود شهرت خوبی داشته، مباحثه و راپور تازی مفصل و نظریات خویش را بدست نشر سپرده و عکس هائیکه مد هیوالا در آن امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسودم و هم چنین عکس هایی از من در مجله ننداره به چاپ رسیده.

و این است راپور تازه که در شماره دوم سال دوم مجله ننداره که مد برمسوول آن محترم شفیق رهگذر بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور خواننده گان گرامی سپارم، بدیلا، تقدیم میشود.

(یک راپور تازه دلچسپ خواندنی گفتگوی با علی مشتری)

(عشق)، امید (و آرزو)، سه کله خوش آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهانه و بالاخره سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست زندگی بهتر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

شب فصل بهار و ماهتاب است
نغم باغ رشک مشک تاب است
شگوفه دامن افشاده به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه در بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نغم آهسته تبرنگ رزگوش
که ((منازجهان)) من بخواب است
درین فصل بهار ای گلشن نساز
زه جرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مد هیوالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی
مشتری و مد هیوالا بدست نشر سپرده که چند
صفحه از آن مجله بصرف و وزیر را گرفته است.
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری را بشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصری قرن بیست و موضوع مد هیوالا تشریح
یحات مفصل داده و هم چنین موضوع روز را اطلا
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاری بدست نشر
سی سپردند که چون مدت و زمان زیادی از آن

بسیار خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نغم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است گاهی در
صحاری خشک و ریگ بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتایی باین ندارد که کف پای آدمی را دردی
وشت پای او را گردی نصیب نموده است.
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست عجب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای او سر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بهوش نقرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبنده میدانند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتری را دو سال تمام از یاد دور داری و در جایی او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالصی ماند، داستان اینکه روی دره یار غربت چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتری، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتری هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بپسند جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ما جرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند. دارویی بنیابی یعقوب را یوسف کشد. س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی سئو بهال شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مفضل و هوش رنده بدیده بازماندی یک انسا یکلوبیدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سمانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهوالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم. س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهوالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهوالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هاییکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهوالا و اهل خان بد را و بچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهوالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انوا هائی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهوالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهلوالله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندان میتوانند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیریم.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگویم نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهوالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هائیکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیاد بی اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،
 خیالی دیدیم که چلو قد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدم
 سرفرازان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گت :
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازان که همان روز در شب
 بود تلخهون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های توانموتی باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قیود داشته باشم
 نه معالجه . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل بسترس شوند
 اغلباً دیده شده که آنها از
 طریق همیره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 و معلوم کردن معتادین هم چندان

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)

نمایشنامه ((ایدم نیست))
 بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشعهای داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آرزوی تان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من



- یاد رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده گی کردن
 را موختم ، نه تنها به درسهایم
 میروم بلکه در منزل با مساد
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تحمیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما بشما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

آنرا اجرا میکریم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ما سپ شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه مگی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تحمیلات همه جانبه داشته
 باشید میشود از تحمیلات تان بیروم ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحمیل کنم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ، ماهه را تمقیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت بزین پیامرد کدام یک مؤفق تراست ؟
 - سه نفر من مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که بزین میتوانم بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیور
 وسیمه ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظای مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعرا خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بل در فنشوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیاتصادم زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر و نشان این
 حادثه تیل از وقوع نبشند اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورت تیکه -
 هشت ماه به تاین وقوع این
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خاطر تغییر
 مجرای سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافت ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در که های بزرگ و تواننا به وقوع
 پیوست ، طبقات غبار سنگ های -
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و -
 حبابی در برابر اشعه آنتاب -
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار
 می آید . ۱۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکر) ستاره ای که قوت -
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک میگان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سالیها جسم طمعی با
 طاقت انفجار هایدروجی دوایزه
 میگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غبار و تند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طلا در ساره
 سبب این انفجار و شش تا سانه
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده ، مذنب
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سیخره
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند ایاد ضرورت

انتظار هرود اروپاییان سفینه
 ای راه ستاره (هستنا) که حوالی
 صدمیلیون میل از فاصله دارد -
 ارسال نماید . اینگونه ستاره ها
 به جای بدل خواهد شد که
 انسانها بتوانند در آن باشاجت
 قدم گذارند و ما شاهد به سوزنی
 انسان در زمته ، نسوم خواهیم
 بود .

ساختمان ها سریر آسمان

بقیه از صفحه (۵۱)

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشاد . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این
 یکبار به سکونتال یافت . دهن
 شهر اتن تلخهون ایستانکون -
 بالارحاع ۵۴۰۷
 متر امارشاد . این اتن تلخهون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -

گفته شد کاری ساده نیست
اداره ماصرف درحالاتی میتوانند
آنان راحت تدای بگیرد که
از جانب خانواده های شان
یا بطور داوطلبانه از جانب خود
شان مراجعه صورت گیرد .
س: آنانیکه بعد از تدای
معنادمی شوند آیا بازهم چانس
صحت یابی رادارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد
از تدای به مواد مخدره روسی
آوردن کسانی اند که باز نخست
به زور تحت تدای قرار گرفته اند .

وطبعاً مصاب شدن شان بسیار
دیگر خطرناکتر است زیرا برای
ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی
و علاقمندی شخصی باید وجود
داشته باشد .
س: معنادین چی نوع برابلم
هاراد مراجعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشسی از
معنادین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی
بیماری های کشنده را بوجود می
آورد مثلاً بیماری های ریویم
و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .
خطر سرطان نزدیکانیکه عادت
به دود کردن دارند . بوی دهن
چنین افراد سبب از پتدیگران
می شود . زرق داخل رورسیدی
مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال
مرض خطرناک اید سر برابلم
می آورد . حادثات ترافیکی ناشسی
از همین موارد می باشد . از نظر
روانی نیز مشکلات بوجود می آورد
از نظر اقتصادی چنین انحصار
کاری کمتر داشته و باید شانرا
را صرف مواد مخدره می نمایند

طبعاً خانواده ایشان دچار
تنگدستی می گردد آنها بیشتر
اوقات غمخوار با دوستان همردیف
خود گذراننده اطفال شان از مهر
محبت شان محروم می گردد
گاهی اطفال شان نیز مصاب
به این موادمی گردد . تناسبات
خانواده گی آنها نامطلوب
گردیده سبب ایجاد جنگل و جنجال
ها بالاخره به طلاق و جدایی
منجر می گردد . انسانها ثروت
جامعه اند طبعاً انسانها معناد
ازین ثروت کاسته می شود . رجایی

زنده گی برای آنها محدود میگردد
بعضاً بخاطر بدهی است کورده ن
پول غرض خریداری مواد مخدره
آنها مرگب جرم و جنایات
مختلف می شوند . حتی تا سرحد
قتل و زدنی های بزرگ بعضی
اینکه برابلم ناشسی از اعتیاد طیف
وسیع دارد که برای درمان آن
جهاززه بزرگ بکاراست چی ضم
مداران و اطفال مسووم
جوانان و سرانجام مصیبت یک
جامعه ناشسی از اعتیاد به
مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه از صفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر
را کوبند یاد میشود و شامل
۱۲ نهی است که از نباتات
و حیوانات بدست آمده و هیچ
عنصر منحصوی کیمیاوی در آن وجود
ندارد . عبارتند از : عصاره
جمله سنگ پشت خاور دور ،
عصاره شاع کرگدن ، خسته
های نباتات *Armenacae*
Juulperus-Rioids
لبومی چینایی ، خسته قیسی
و شنبو ته های که در کوروسما
نیز پیدا می شوند . و از روزگاران
پهلوی سینای بلخی مورد اعتقاد
قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده
که : آیا ممکن است که عصاره
طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند :
بلی ، با قویه سیستم های
قبلاً ذکر شده ممکن است . زیرا
تضعیف فعالیت آنها باعث
بیزی میگردد . طول عصاره
میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن
هم بالاتر برد . بالای اشخاص
بین سنین ۶۰-۷۰ ، که وظایف
تمام سیستم های شان تضعیف
شده بود ، تجاری انجام دادیم .

با تکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-
۷۰ میقد کاهش یافته بود
توانستیم که آنها را با نرسدای
بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عصاره
تطبیق دو یا سه کورس لازم است
قسمی که کورس از ۱۰ تا ۱۰ بار
تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری
ها چند روز را در بر میگیرد
در حله اول بیچگاری ها در
نقاط فعالی صورت میگردد
که بیمار از آنها شکایت
دارد . چیز هم در تطبیق این
سیستم است که نقطه مورد نظر
جد نیقد پیدا می شود . در
حالیکه در سوزن زن عادی
تقریباً ممکن نیست . داری تر-
ریق شده خود بخود زیر جلد
انتشار یافته و خود را به نقطه
مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق بیچگاری
در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه
میدهد و نتایج کورس های
بعدی همتر و بهتر خواهد شد
سپس نظریه وضع چهار کورس
تطبیق بیچگاری
بعد از یک سال یاد و سال و یا
سه سال تطبیق گردد . بعضی
اشخاص در اولین تطبیق
بیچگاری صحت یاب میگردد .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق
دو نقطه لان طول عمر محدود
نمانده درصد پیدا کردن نقطه
مرگ نیز استند .
داکترونیک برامون نقطه
مرگ چنین عقیده دارد : در یک
حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز
وجود دارد که از آن هورمون
مخصوصی بنام هورمون مرگ
ترشح می کند . هرگاه این چشم
سوی از بین برده شود آن حیوان
برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان
هم ، که معلول فرسایش اسج
و جرحه ها می باشد . از هورمونی
بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته
باشد . هرگاه بتوانیم ترشحات
این هورمون را زایل کنیم و یا
لااقل کاهش دهیم به جلوگیری
یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم
شد . همانطوریکه هر عضو
بدن یک نقطه فعال در روی
جلد دارد به احتمال قوی
هورمون مرگ هم باید نقطه
فعال در روی جلد داشته
باشد .
به نظر او این نقطه با لای-
خطی موقعیت دارد که بنام
خط طول عمر پداسی شود و از
گلو شروع شده پس از عبور
از سده و ناف به آلات تناسلی
ختم میگردد . بین ناف و -
استخوان جنسیخ نقطه
طول عمر ، که از قدیم ها
تصریف گردیده ، موقعیت دارد
معتبرین آنها نقطه چمانگ
است . داکترونیک نقطه
جدیدی را هم کشف کرده که ۲
تا ۴ سانتی به طرف پایین
ناف موقعیت دارد و بنام خود روی
نمی است در تحقیقات بعدی
خود تصمیم دارد که نقطه مرگ
را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه از صفحه (۲۶)
چو اند انسان را از نظر اشعه
ماورای بنفش حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه
اثری خواهد داشت ؟
هنوز حوات راتما از ضلعین
سوی حیوان صورت گرفت . هرگاه
انسان بتواند خود را تا اندازه ای
از تشعشع محافظه کند . کی آن
بر حیوانات و نباتات اثر گذار خواهد
نمود . طولانی ، سطح حاصل دمی
حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل-
خیزی بعضی نباتات ۳۰ نمد
کاهش خواهد یافت . شد تشعشع
ماورای بنفش امکان دارد نفا را بگونه
مناطق صنعتی و آلود سازد .
این امر ممکن نیست بهش از ۵۰ سال
صورت گیرد و نام در صورتی ثابت
ماندن انسان در برابر آن .
معلوم است در سالهای نزدیک
نگهداری این از خطر تشعشع اقداما
شده در نظر گرفته شده است .
آیا بعضی حی خوش بنامه شهاب
صل داکنی شبه نیست که از -
بعضی مرض جدی او را بیهان -
نگهدارد ؟
- گنه های من نه تعالیانته
های تجاری طی هبوط نام بلکه
بر تلیج پژوههای جهانی آشوار
است ، تجاری و آزمایش های چندین
ساله پروگرام انگلیسی مل متسد
(UNDP) سازمان مترو لوی ی
جهانی میانگرنان تطبیق است .
- از ده سال در هر پاییز بالان
قطب جنوب شکاف آتونی پدیدار
مگردد ، طت چیست ؟
- در برابر این پرسش هنوز پاسخ
تفصیلت بخش وجود ندارد .
با نام
در زبته این فرضیه ها تمام گردید
است : شکاف آتونی شاید زا ده
جهان کیمیاوی با همیان دنیا کیمی
یا هر دو ی ان باشد که بالان توضیح
صورت میگردد . بعضی هالین موضوع
را با اهتزازات رزم حرارتی و همیان
با اعمال شدن خوبید پیوسته
مدهند و هیچکس تا کنین به تشعشع
مناسب آن توضیح نمانه است .

بقیه از صفحه (۲۶)
پژوهها و آزمایش های بیشتری در
کار است .
ت تحقیقات بشرک شیوی ، آلمان
دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ،
هند و ایالات متحده روسی است .
- در سال حاضر چه پیمانه مواد
تولید کننده آتونی درجهان تولید
مگردد ؟
- تعدادی روسی سالانه در حدود
یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات
متحده ، ۳۰ نمد آن در ایالات
۱۰ نمد آن در جهان و شیوی) -
تولید میشود .
تفصیلت شهاب در
شیوی ، ایالات متحده و بعضی کور
های دیگر مواد الترفاتی آن تولید
مگردد .
- در کفرانس مونتهال چه مصامی
اتخاذ گردید ؟
- مصام حق قبل از آن در سال
۱۹۸۰ در هائیا هم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات روسی
جهانی رویدت گرفته شود در -
پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده
تعدد هر دندک تولید مواد
تولید کننده آتونی را قطع نماید .
- تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید
مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
- در کفرانس مصم گرفته شده در
سال ۱۹۸۳ از تولید نوی روسی ۲۰ -
نمد در سال ۱۹۹۰ به اندازه
۵۰ نمد کاسته شود .
- آیا کاهش های در نظر گرفته شده
کافی است و چرا تا ختم شده جاری
نمیشد کاهش بیشتر اند ؟
- هرگاه برنامه وضع شده تطبیق
گردید ، تولید مواد تشعشع کننده
آتونی افزایش نیابد پیمانه تشعشع
تشر آتونی مایه نگاری نخواهد بود .
- با کور هلیک پروتکل مونتهال
را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه
صورت میگردد ؟
- نظریه موافقه مونتهال تکلیفی
روسی تولید نوی روسی در اختیار آنها
گذاشته نخواهد شد . البته
مقتضین با مسازات جدی اقتصادی
سریزش خواهند شد .

رستورانت میشود .
اخین حرف تخنیک به شهر
توتوتو
کشور کانادا اطلاق -
میشود .
۱۹۷۵ دین شهر
برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر
ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان -
جهان از نوع خود میباشد . در ارتفاع
۳۴۷ متری این برج رستورانتی
ک دارای ۴۷۶ چوکی همرا ی
معانات بوده و واقع است .
معانات این رستورانت توسط لفت ک در کنار

برج واقع است و اطرافش را شمشیر
اسطه کرده انتقال داده میشود
معانات میتوانند از لفت به منظره
نجا که به شهر توتوتو باز شود
لذت ببرند .
شاید برایتان غور قابل قبول
باشد اگر بگویم که درجهان تا حال
دهوار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع
تجاوز شده .
۱۰۰ دین دو ساختمان -
مرغج چارت انبازه های تلوهون
بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکالک ۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروزه های نورا کاست
که در صورت آسار ان ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروزه های نورا کاست
که در صورت آسار ان ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکالک ۸۸ متر
ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج
رایجی دشر و روسی پولند است
که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
۶۴۰ متری فعلاً نقطه اخین را
گذاشته و ولی منتظر بلید بود که
از این حد ارتفاع چه گاهی به
اسمان ها نزدیک خواهد شد .
همین الان پیروزه های نورا کاست
که در صورت آسار ان ارتفاع هزار-
متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان موسیقی در بالخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱- به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارک ملی بدریار امیردوست محمد خان رسید و بود.)

انجنیر بل توسط امیرحیب - الله خان برای تأسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید. هر چند برای یکسال - آند بود اما هشت سال زادنسر گرفت تا کارش تکمیل گردد.

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فن و غیره چیزها.

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد. البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشد. بد در سال ۱۹۲۵ از میان رفت. یادداشت های او زیر عنوان:

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منوسوتا منتشر گردید. این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ درباره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است.

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند. میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعجب مینمایم به حیت آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم.

وی در مورد سوال دیگری گفت: در مورد انتخاب شعره، کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده می کنم. راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میبالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد.

می پرسیم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد؟ میگوید: تا حال عاشق نشده ام، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد. به امید موفقیت های زیاد و رقابت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم.

زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت. و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم.

جواد در مورد سوالی گفت: در شهر مازندران دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم. خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مازندران هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولای رانگیر، سرمی سازد که صدای خوب، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد.

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی

مردمها نخوانند

بقیه از صفحه (۶۴)
مقدار شرح بیسن
۲۲ تا ۳۰ نیمی وجود
شان در تغییر است.
در آنهایی که به دوش
عادت کرده اند، شحم
بدن شان تا ۷۰ درصد
پایین آمده میتواند،
درین صورت از آنجا
که مقدار استروژن کم
است، بنا به درجه
پایین تر شدن

سطح رحم میتواند که زمان کوتاه
قاعده کی را توضیح کند.
چنانچه دم عبارت از این است
بودن سطح هورمون
(Luteinizing Hormone)
هورمون که از غده های مغز
تراش میشود، سطح آن در زنانی
که به ورزش دروس اشتغال دارند،
پایین است، بلند رفتن بیکاره کی
این هورمون به خاطر خارج کردن
تخمه از تخمدان در نیمه دوره -
قاعده کی ضروریست، خارج کردن
تخمه از تخمدان به کوه عادت
علت به وجود آمدن دروس از جنرا
در محل تخمه خارج شده از تخم
دان است که هورمون دیگری را به
نام پروجسترون میازد. کوتاه
اینکه مقدار کم هورمون LH
معنی آن را میدهد که تخمه در-
تخمدان به وجود نی آید، بنا

در تخمدان پروجسترون وجود
ندارد که در نتیجه زمان قاعده کی
تعمیق می افتد.
پروژسترون دالون در اینها
وجود می آید که آیا به تعویق
افتیدن قاعده کی خطری دارد و
یا خیر؟ ما هم میدانیم، دیده
شده است که استروژن برای
محافظة استخوانها در زنان
ضروریست، پایین آمدن ها کاهش
استروژن بعد از توقف قاعده کی
به نرم شدن استخوانهای انجامد،
مطالعه آنهایی که به دوش -
اشتغال دارند، نشان میدهد که
محتوات منزالی ستون فقرات شان
کتر از آنهایی است که به دوش
اشتغال ندارند.
مادر مورد خاصی قبل از صحت
کردیم که شجاعت وی بعد از مادر
شدن تهنه اثبات رسیده است.
روانشناسان و دوکتوران تلاش

کرده اند تا این پدیده را توضیح
کنند، در زمینه چندین نظریه
وجود دارد، نخست اینکه یک
زن که تحمل شدیدترین درد -
یعنی درد هنگام ولادت، را -
دارد، میتواند در اثنای
تولید باین خود فشار را تحمل
کند، زیرا با این خود اطمینان
تحمل درد را دارد، دوم اینکه
زنی در اثنای اجزای تخمین شاید
کمتر خود را ناگهانه محکم
گیرد تا به زنانه کی اش آسیمی
نرسد، ولی بعد از مادر شدن
میتواند سخت تر تربیت گردد، -
نیز از آنجمله امتحان زنانه کی خود
را گذشتانده است، سوم اینکه،
تغییرات هورمونی در اثنای حاملگی
امکان دارد که اندازه حرکت
پایا را در اثنای دوش تحققت کند،
بالاخره چنین مطرح گردیده که
هورمون پرولکتین که بعد از ولادت

تولید شیر مادر فعالیت میکند،
تا تغییرات موثر روانی را با اثر
مقاومت دارد که تاثير آن مد -
نیادی دوام میکند.
به اصطلاح نوروردن میجادار
زمان حامله کی خضرانات است،
ولی در آنهایی که متواتر به دوش
عادت دارند، تندرست اند و تکلیف
هایی مانند فشار خون را ندارند،
خطری به دنبال آن نیست، در
ایالات متحده آمریکا بسیاری زنان
تا روز ولادت به دوش ادامه
میدهند.
کدام تخمینها را باید از زنان
انجام بدهند؟
در پاسخ باید گفت که هر
نوع تخمینهایی که خواسته باشند
پیدا گردی، دوش، بوگاها
ورزشهای دیگر، ولی مهم این
است که از آن لذت ببرند و بهسر
مقد شوند.

جهان بعد از قاجار ...

بنیة از منحه (۷)

ارکانهم حای زنده را از شمع ماوار بفرس مخرج نگهدارد در اشد
پرتاب، تومار آتشین ناشی از انفجار تخریب خواهد شد.
شمع ماوار بفرس که زمانی محور و انگیزه زندگی روز زمزم
گردید میتواند بعمان بمانند موجبات نسبتی آنرا نیز فراهم کند، این
شمع خرمه کوبنده بی را خاصیت پرورد اباروار خواهد ساخت.
چنانچه اکثر ارکانهم حای یک حجره وی را که حلقه صده بی را در
زنجیر غذایی موجودات بخور - تشکیل میدهد ازین خواهد برد، و
بدین ترتیب زنده محتوای بودی سایر حلقه های زنجیر را صادر خواهد
ساخت، نه تنها در این نباتات ازین خواهد وقت بلکه شمع ماوار
بفرس مالیکول های را که مشخصات ژنتیک هر ماده به آنست
تخریب خواهند نمود، در قسمت سلولها تکمیل پوست یا پرهای شان
در برابر شمع سیر گردد ولی قادر نخواهند بود چنان شانوار -
امان نگه دارند جهان بسوی ناپیدایی خواهد رفت.
میلیونها پرند گان و جانوران نابینا در چشمی آم و دانه سر
گردان خواهند بود و انسان قادر نخواهد شد با آنها کمک کند زیرا خوش
نیز در وقت شباهی قرار خواهد داشت، نیکولو پویا کوفه، دانشمند
ژنتیک آکادمی علوم حای اتحاد شوروی واقفید، بر آنست که در چشم
شرایطی معلقه نخواهد بود تکرر نس بشری و از نگاه ژنتیک ها داده
پروسه تکامل انظار داشته باشیم، ایندهش شمع مواد را دیسو
اکتف تحولات زیادی را در تمام مالیکولارگانهم حای بازمانده، نباتات
و حیوانات بشمول انسان بوجود خواهد آورد، چراشم کاملا بی ضرر
خضرات مرکب از راتوجه انسانها خواهد ساخت.
مازه بران، کمکت تغییر بازمانده شرفیت تکر را بعلت اینکه شمار
آنها به سزای تهن سطح پایین کاهش خواهد یافت، از دست
بدهند، نه تنها اختلاف ژنتیک به حداقل خود کاهش خواهد یافت بلکه
جلوگیری از خجتمگی با همی غیر ممکن خواهد بود در نتیجه خطر -
تغییرات نهایی ظاهر خواهد گشت و به این معنی است که بشر در
طول دوره، تکامل خوشی بدوش کیده است عوامل جدیدی که یقینا
نیل بشری راه سوی نیستی خواهد گمانند، امانه خواهد شد.

فرزین موزیک

انواع مختلف کسهای
موسیقی افغانی، هندی و فرسی را
به علاقمندان موسیقی پیشکش مینمایند
آدرس: مارکیٹ جمہوریہ

خوله د ن ه د مخره فنی مرستیال
به جوگی کیده ا جولی و . اداری
مرستیال جی د نه جوگی بی د
جان منلی حق باله به خیل
بخوانی د نترکی بی دریاست
بول صلاحیتونه به جان بسوری
وتل ل به بی خوا اداری و
فنی مامورین هم له د وید و پرو
تخه کم نه وو . حکه جی د یوتن
به ریبر کید لو سره د نولو به
جوگی او بستونگی تغییراته
که حیرته فنی مرستیال ریبر
شوی وای نو د فنی خانگی د -
بخوجا کولانو د تیره کولو عمیسی
مد برد فنی مرستیال جوگی او
بست تر لاسه تابه او د مخره
مرستیال ته به خبله د عمیسی
مد بریت جوگی وریاتی و . حسی
به دی لول تر وریستی مامور
جوگی د نه حق خیل حقدارته
رسیده .
د فنی وخت و جی د لول مقال
له خواد سر برست ریبر مکتوب
د ارشیف مد بریت ته را رسیده .
مکتوب مخکی له دی حسی به خبله
د ارشیف مد بری و گوگی د هغه
مامور باکت حرسیری کر ی و او د
مکتوب متن بی لوستی و . کلمه



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رکعی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلالی)) نام پر درخشش و استیلا کاشده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راست‌درد می‌کرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمی‌کرد و از جانب دیگر نمی‌خواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباس‌های که مودم او را ((چراغ)) - خطاب می‌کردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس نمی‌کردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از این‌سرو مودلی نبود که مرابه سینما متقابل بمادولی حاصل دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و دهن و تواضع لب به سخن می‌گشاید ولی هر گاه در سبایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف‌ها و کلمات می‌پیچاند.

هنگامیکه ((جی، بی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غیرورتکبر فرود آمد و این نقش را بیدهن پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد می‌کرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه می‌کند:

((نزد من)) (دت صا حب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از این‌سرو پیشنهاد او را احترام گذارد ولی تصور نمی‌کردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار می‌گیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم‌هازی در قلم‌ها هم شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم‌هاییکه تراراد آن را قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن پانزگراول من انتخاب میشود تنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگ‌های راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((بی))، موکیش از عینی گلوش اداه می‌کرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان می‌تراود. ادای آوازهای طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آوازهای طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه می‌کرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برفق آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگ‌های موکیش به رکورد مواجه شدند، چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلم‌های ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا- یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در برگزنت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰- ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنگر- جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگ‌های فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر قلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلما آواز های طلعت و رفیع را با سنگ می‌کرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده‌ها نظر خواسته شوند. شنونده‌ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیچ چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانسند نظم عقربه های ساعت‌سرا هشت می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و - ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تخنیک در سینما، موسیقی در فلم‌ها نیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگ‌های زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشی کانت- بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی- اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگ‌ها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگ‌های رابا ((کلیانجی- اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می‌شویم که این تعداد آهنگ‌های موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگ‌های او که آنگه باغم اند دلیل جاویدانگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به آریاس می‌گیریم تا قبل اعمیت است بخاطر بیابورم که مانند آهنگ‌های سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگ‌های حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هایبیکه این آهنگ‌ها برای شان سروده شده اند، در آن‌ها شنونده‌ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می‌سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازی قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روزگاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های استرالیاراداشمندی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریوسن
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند (چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطق، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و این کارسالیانه ملیونها خساره
وارد می نمایند.

ازینجا و از آنجا



از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))
فعلا روز آن کارمیکده، دزیک از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نمیشود، دو مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست تا سی فلم در قلم
قرارداد دارند که مابقی آن صرفا فلما سازان از آنها
میشود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن آنها ((امتا بهر بچن)) هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمیتواند.

مگر در هر صورت نظر بر این دو، در پرده فلم
انقدر هابمید از امکان نیست ((سنکیتا)) در این
مود میبکشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیمیشی
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، میگویند
(مودل‌ها)) هنرمندان خوش از این در نمی آیند و
خط بطلان بکس تا دیگر گفته شود که ((مودل‌ها))
مودل‌اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند

اگرچه در فلم ((هتیار)) ظاهر شدم ولی فلم
اولی من ((قاتل)) است که بی صبرانه منتظر مکرر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام میباشم.

داستان این فلم پر از فواض و صیدگی هابمیت
که از لحاظ اصطلاح سینمایی میتوان اثر انگده از
(سنیس) خواند))

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.

او میگوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزی قرار میگیرد در حالی که در سینما
تخیلات یک نموده، خلاقیت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.

اگرچه در فلم‌های هندی رهموضه نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بایم ((

((سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.

اگرچه در این اواخر داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آزایمان) روی نمانع است ولی او موع را اینگونه
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سایه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من مشق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم))

و یا سال‌های مینوز به طهمسور
می‌رسد.

ولی همچنان انجماد زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.

منتها مرد هانیز میتواند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمده
باشند، پس چرا آنها دست
به سرفت نمی‌زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام

زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایب و عیاحت
درک و احساس می‌نمایند، در

حالی که مرد هاندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بسروز
ان گردند. مرد هابیشتر بیمار ی
های جنسی مبتلا میگردند ((

نباید از ندراند اخت که
زبون یعنی دزدی رعایت -
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی ازاد
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.

و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از ناگرایی ترس میان می‌آید
با احساسات لذت‌آور جنسی
میتواند ارتباط داشته باشد.

دومین نفر معترف به سرقت
چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای -
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیه سود روز که بیوه مسورد
بستند خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر
مرکب جرم میشوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز مینمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد اینوست فالن المان
عرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟

روانکوی از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
ومی‌نویسد: ((عقد و گزنگی
های روانی در رابطه علمی
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو بین شخص بازی با ترس
را انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ المان
فدرال صورت گرفته، روشن
میکرد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیره‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه یک
زنی است که در فروشگاه هابه
دزدی میرد ازاد.

برودن اجناس گسترش
نییابد و طوریکه تازه ترین آمار
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰ -
مرتبه در سال، باشندگان
المان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها میزنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.
طوری که تجارت برچون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برسن همه گانی‌ای که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسبال، یانک بازان، وواترپولسو تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کار نگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نمود که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب نیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابداع انداختن مسابقات بسکتبال از زمین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

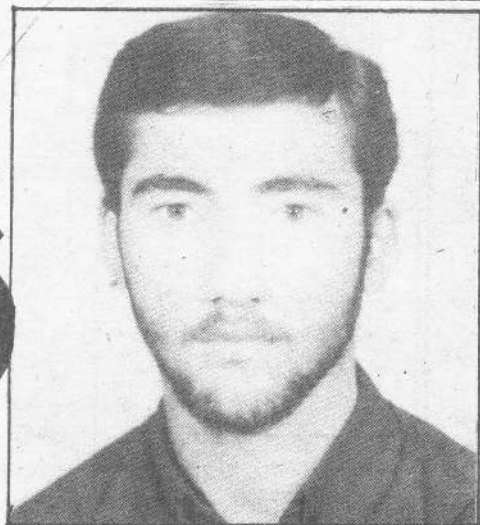
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسیده گی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران را کم نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تی کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

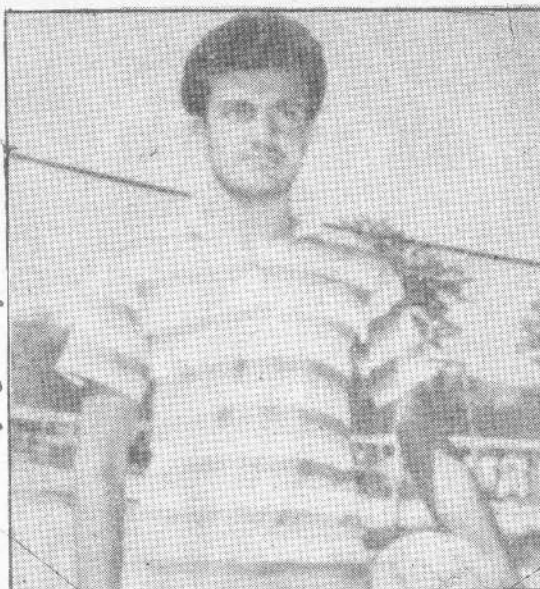
ورزش تی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شد، است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگویی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تی کواندو از سه کلمه کوریا یعنی (تی) ضربه زدن و جهیدن با یا (کوان) به معنی دفاع کردن و (دو) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تی کواندو هیانگ و تی کواندو ی بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

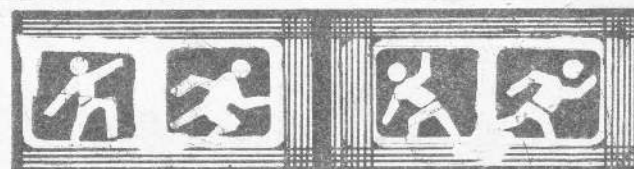
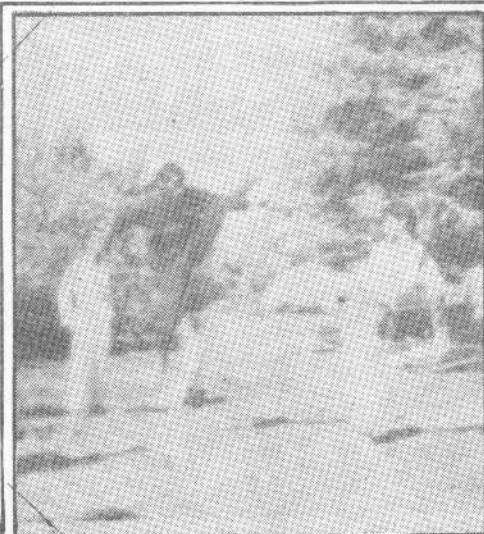
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سرنیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیک خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیازهای است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در راب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی هاس معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژنتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلینا کیروت ، از کیوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در مسابقه پرند هاس ، طوطی آرژنتین در نمایشی در نزدیکی شهرینکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورشغف در آورد .



سبک فاع

بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جزگارد رگلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امیدوارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظربه عواملی به کشور ایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((قدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت اوشده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میبرد از .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موه دبی است نزدیک میشوم و صحبتی بعمل می آورم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایین پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگن با تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و نیز اجرای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر ، مثال ها ، نمک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - ایمن قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بورووسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوخت - بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بورووسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حشره های موجوده است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلمت کامله دتقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشه شدن - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد ، بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشه نشود . محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات کردن را - محدود ساخته و به مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردد نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گدیی در تنگ و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگن های شانسرا سست نمایند ، با این کار فوراً احکام آرامش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیش از استعمال نمک هائیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست نمک یا نرم ها که میتواند با این یعنی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با این - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود . نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم گرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورنه نداشتند تا او را به نوشیدن میسر سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگها مرده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسرای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس تنگی نمیکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بد رفتنش پیداشد و سوش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود . صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب بهبود سوج آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فترات مع و در نتیجه باعث پلین ابتدائی در فشار داخل قحفی میگردد . ضمناً نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنین عواملیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با این مجازی سر تا شهر ناگواری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

انادرموروتیک مایلند سکرته را ترک بکند ، نباید هنگامیکه به کدام بیماری خاد یا مزمن صاب - هستند این عمل را انجام دهند زیرا ترک آبی سکرته به عدم توان موی قتی سیستم وایی منجر شده و حالت شخص را بدتر میسازد ، درین صورت باید یا داکتر مشورت کرد .

عوامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائش خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد درجهان کارو - فعالیت روزمره حقی یک مناقشه اغتشی میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیح مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنسب اختلال صبی وایی معروف است ، بهر آرد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه که بنا بر مشکلاتی انرا در نبال نتوانستیم در سال جاری محترم انجنیر صدیق قیام که در این زمینه دسترس دارند و عده همکاری را داده اند با سراز این شماره درسهای موسیقی را در نبال خواهیم نمود.

در میان علاقمندان هنر موسیقی غرض فراگیری اساسات آن تقاضا به سطوح مختلف وجود دارد. یعنی یک عده شایسته ضرورت دارند تا از الفبای موسیقی و آشنایی با مروج ترین آلات موسیقی (هارمونی، طبله) به شکل تدوین شروع کرد و بعد به دیگری شاید در جایی به شناخت راکه ها و تال و اطلاعات ترانه و غیره و بعد هم شایسته به نوشتن و تفاوت های موسیقی شرق و غرب و بالاتر داشته باشند که همه به یک بار مشکل است.

بدین ترتیب نظریه تقاضای اداره محترم مجله سبازون مستند به نامه هایی که به آن اداره رسید و ناگزیر از الفبای موسیقی شروع کم و به تدریج امیدوارم به ذوق همه تاحد امکان معلومات ارایه نمایم. تقاضایکم تا وقتند آن محترم کمک نموده یا نظرات پیشنهادات و سؤالات خویش

شکوه دلیر! نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راکها و تال ها به سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضرور است به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانسگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشابد: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خیز.
- ۵- پنجاه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشأ آن سرود های

مذهبی است قرار می یابد:

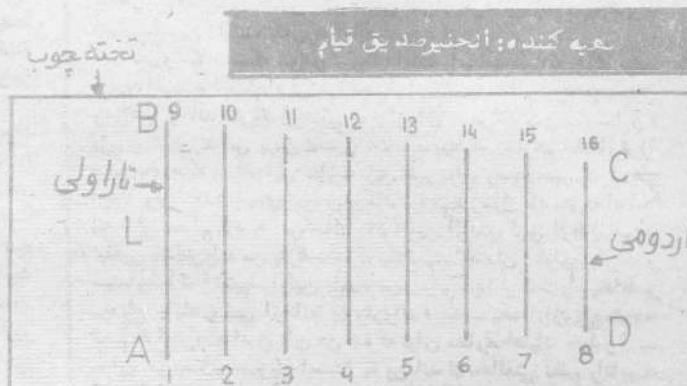
- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولین بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایسه بیانیهای امروزی. ناگفته نماند که بیانیته اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئنسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دیل:

۱- تار تجربی از یک جنس مشخص با یک کربانند.

۲- در کش زیاد قرار گرفته باشد تا میرد و برای اجرای عطیه خود نخه جوی را انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن گرفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم.



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و انحصار های تاری را به دو میخ B و A بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد. مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود. بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد هارمونی های دوسره خود دیده و میتوانی وقت یکی از برده های هارمونی را فشار مید مید بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است. حال طول تار سرهای دیگر بسیار ساده پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کون و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

نوت: در سیستم هندی برده ۸-۱۶ نامگذاری ندارد بدین ترتیب فاصله ا تا هفت را بنام سیتک یا هفتی یاد میکنند. چنانچه در سیستم غربی کلمه Octave یا هشتی دارد.

تازه ترین الفبای موسیقی در غرب در قرن ۱۷ در ایتالیا بوجود آمد قرار می یابد:

دو: ری می فا سول لا سی دو

و یاد اروپا مروج است به حروف انگلیسی مانند:

C-D-E-F-G-A-B

بقیه صفحه (۸۸)

سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را
من فقط از سبک بزاد بر پیروی میکنم
با همه آواز خوانانی که خواسته
باشند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار
روی برده تلویزیون می برانند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویش تو
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام
کاروان خله با او مصاحبه نمود
پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
بسته من نسبت به کسی حسادت
ندان ولی بری واقعیت نبایسد
پرد کشید

موسیقی شرقی و فلک لوریا موقا است
گاهی آواز خوانان ما از طریق
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای
هندی هم میخوانند نظر تان چیست
در جواب شما به غیر از آنکه بخند
دیگر چه میتوانم

سیلا نوروز
بالاخر اگر اجازه ثبت آهنگ در
راد یو تلویزیون برام داده نشود
هنرم را کنار میگذارم ریک بیشه
دیگر اختیار میکنم

آیا پیشه کر است مانند همد
صاحب خورا که فروش بازمیکم
آند رسماً به دارید
قرض میکنم
نظر تان است دعا میکنم موفق
شوید یا در این یاد ران

عکاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
رنگه رسپا و سفید می بد برد
ادرس شهر مزار شریف منتمس
شفاخانه ملکی شمار روضه تریب
تلفون ۰۲۲۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیده گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشود - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د اتم را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میا ش باشد ، و خیاط د اندست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبل از آنکه بدست و علاوه برهن عد ؟ دیگری - زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمنا د ستاره جمعی بودند همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و دست کسی گذاشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که هزار بار رقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجم همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنیکه به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و دستش را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حتی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه سرگردن دوساره (با یواز) نداشتم ، زنیکه از واقعیت زنده می ام آگاه شده بود دیگر آزاد نشد ولی همواره خبر را میگریف و بعد از یکماه منم یکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیه راستی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان هر مسلم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده گفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود ، دریافتیم که تقدیر چنین بوده که من نباید در واز نجای باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر حد هد ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری کامر باید برمیگردم معلومگویی میکنم

و اما اینبار بعد از مدتی که در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (با همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح برسر من مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه ششم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محفوظه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیی وساعتی را کنار سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست ، وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت ! ابا میوزم محکوم به اجرای همه امور خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزم و کارهاییکه باید در اینجا انجام میدادم ، بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم دست به دوزخ میزدم ، یعنی فرار میکنم - با تقبل ده های شری و بی عشق راه کابینل را میپیمیدم ، در کابل هر شب را باید نزد معاند آزادی گاه در منزلی - گاه در سرسرای - و گاه در در کانی سرسرایم ، برضی ام شدت پیدا میکردم من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانینا همه احساس سر رسیده میافتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشوم را میپیمیدم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام را دلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهره می شدم

این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنامیکه تنها از کثافتنهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پاکن بستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروشی جانم و بد بگری به خاطر برداختنهای جنسی اش - و من در رانینو از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از زندان آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و لیا را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوساره زخم محدود زندانی برهن تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهرم آورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف ، در منزل مادرش به ادا زنده می میکنم گرد بدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر از دواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لان برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میگیرم و براسم ظلم را که هنوز کدک یکساله است ، بنام میدهم و به تکه های میچم ، چرخ میخورم پول میگیرم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالی مرد من ((سهیلا)) شده ام ، ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است

شبهات برقصم روزها میخوابم - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکند تا بندی شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریب ترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برهن ظلم کرده نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، گاش چنین با فرور میبود

مردانیکه در دستم خوابیده اند از قصه ام سوخی خواهران نویسنخ همسران شان کنند گاش چنین نیرو پیدا شتند (معامله گران از قصه ام دست به کیسه هاییشان میزنند و دیگر از معامله انسان آنها برکنند گاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیوم ود دوباره زنده شوم و تقدیرم پاکه اش باشد گاش چنین خوشبخت میبوم (من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می ام است - زنده می این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شزبان من در دهانم با دست دیگری در ریههای گافت ترسم میشود

من نه گم نه السلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که میاست بد من است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و خوشبختی و شرافت رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند از بند و بازو سیی ها که این توان را دارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایبند شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و برگر طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و زبانش را بیخود مپا فریاد و گور خود را میقتصر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم باید وتری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاو ی حسن اجازه نه
درکوی، ترخو موخیل بحان
نه و نی ازمایش کرمی چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی

۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی.

الف - یخچال ۳۰ نمری
ب - تلویزیون ۵ ۵۰
ت - د کالیود مینه معلوما شین
۲۰ نمری

ث - بالابوش ۱۰ نمری
۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو
الماری تنظیموی.

هو ۲۰ نمری
نه ۱۰ ۵۰
۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه
به هغه معینه ورخ جاروکوی.
هو ۲۰ نمری
نه ۵ ۵۰
۴- آیا مخری له دی چی میلانه
موکورت راشی، کولای شی تمول
خوراکی مواد به اشترخان کس
تیار کرمی.

هو ۸ نمری
نه ۲۰ ۵۰
۵- آیا کم وخت داسی تصادف
واقع کیزی چی خیلو، میلنو ته
سوی بوپوی، مخ ته کیزی دی.
هو ۱۰ نمری
نه ۱۵ ۵۰
باتو به ۹۳ ۵۰

کلیسیونهایم راه دوست دارم

ساخته و برایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم.

زمری علاوه بر کلیسیون پسته،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افاضه از سی گورجهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود نیز دست
آورده، دسرکه های این کلیسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه، تانخ چه درسیکه
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است.

زمری سهار از این سکه ها
از بیست و پنج گورجهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت رانیز در البومها نگه
میگند.

اوارزو دارد تا با کلیه کلیسیونان کور
تماس، تبادل و تعمیم تجاربت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زادر بخش کلیسیونسازی ادامه
داده و بارهنمایی و تشویق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلیسیونها دست
یازنده.

کلیسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره، موموی وصفی بوده
از ذوق و سلیقه، عالی برخوردار
است.

کلیسیونهایم هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی

منعنه، کلیسیون سازی
در کورما پدیده بیست نو، معدود
از کلیسیونران کست، گوگرد، عطریات
شبیخ، سگرت، پسته، سکه و
بانک نوت و ۰۰۰ را سرانجام دارم.

زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه، انقلاب است یکی
از این کلیسیونرها میباشد، وی پسر -
پست هوشمند و دقیق، او اکنون با -
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده، اضافه از ۴۰ کور -
جهان را با سلیقه، لازم حفظ مینماید
بسته عابری که بانظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری.

زمری سهار که از شوق و
حمایه، فایده، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است، در
حفظ و نگهداشت کلیسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید:
(کلیسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم، این پسته
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلیسیون

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را با فشار بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل می‌دادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د می‌کردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال می‌کنیم، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می‌آید و دریا تلاقها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی آشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد. به همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی به سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکالهای است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته باز هم خطرناک است به میکانیزم (سنتیز اسید نوکلیک) پروتین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل)) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدیدی در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم است. ۱:

س: به گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قلمرو ام بدگو نیست، آواز را چه برکت، میخواهم نظامی شوم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نوازد؟

ج: محشر نامزد است و در

بقیه از صفحه (۴۵)

است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمرییکایی - صنعت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طراحی ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگای اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است. آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مسترد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۳۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانیوی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است. برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تکه باب -

قو طاسیه فروشی

علی گلرین

متصل کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایابود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیانی است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:

۱- برهمنی
 دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند از:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکهب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، روزنمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قطاسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکمیر شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریگ و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تپ ها را متحمل گردیده اما با حملات رهزوری هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.
 واقعا که ارمن ها، گورجی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواثار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکوا - همین انامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت گهبر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکوا دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سیر درد

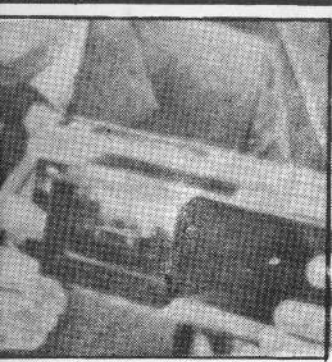
بقیه از صفحه (۸۲)

در هم پیوراد، آنچه های
سکن که پالن میراها شکر خوردن
دانه و اجناس درد را تخفیف
مهد و در طبیعت آسانی آنطور که
هست باقی میماند و معنی نمیتواند
کرکتر و اجناس خود را تقصیر دهد
رضی که موجب بیماری میگردد به
استغناء مواردی که چگونه در
شرایط کلی با آن برخورد صورت می
گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند
برخی اشخاص حتی میباید خیلی سا
بهر رانم هم مشغولند و تا آنجایی
تلقی میکنند • بعد از گذشت لفظ این
این بیمار خواهد گفت: (بساله را -
کاملاً درک کردم ولی نتوانستم چو

اجناس را بگیرد) ولی در واقعیت
امر چنین گوی و نمیتوانست - سرا
ساختار خوش وضع زوی او چنین
است
سردردی ها بسیار بی باری
ها از فصل باری های معده ، جگر
کلیه ها و روده ها همراه است -
اغلباً سردردی هاست که در تریلیج -
ناراضی های متین قنرات بخصوص
قنرات ناحیه رقی ، رما تسم -
بیماری های کولیک تلی نیز بروز
میکند • در واقعیت امر ، تمام -
بیماری ها سردردی را با خود دارند
و از همین جهت است که دانستن
طل آن لیکتور مهم تلقی میگردد و نه
بادردی ط آن راه درست تدای
رادرسی با هم -
در اغلب حالات ، ظهور سردرد
دردی برای بیمار آشناست • به
معاون یک قاعده ، بیمار رژی -
های کلی خوش را برای مبارزه با
سردردی دارد • این رژی های
تداوی صرف شکل طین نداشتند
بلکه اشکال خوب فلکوری ، همز
وجود دارد • بیمار شکست برای
لخته کتاه قسمت خارجه ، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی
محکم بگیرد (برای یک دقیقه در
فضای آزاد) بیمار با این کار احساس
بهبودی خواهد کرد • این عمل را
میتوان تکرار کرد • یا اینکه سر را
می توان بایک تکه نازک مک
بست • این تکه را تا ابروان و -
کوشاکش کبید و پوست پیشانی
کش بکشاید • این کار با بسیاری
بیماری های سردردی های ناشی
اینهمه آمدن فشارخون دارند که
نهاد میکند •
در سردردی های مزمن با مثل با
ها در آب گرم بپوشانند • هر چند
از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد
در صورت آن تهیه معکوس آنچه که
طلوب است به دست خواهد آمد •
از پلاسترهای خردل میتوان در
پشت گردن و من تخمه های شانه
یا روی قفساق ها استفاده کرد
ولی این پلاسترها را نباید یکباره
روی تمام این قسمت ها گذاشت •
ساز خودی قسمت های -
متنفر سردردی میتواند مفید ثابت

شود ، چین فشار متوسط بر روی -
قنات دردناک سر می تر بوده است
استفاده از مرهم ها مانند مرهم -
پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه
ها میتواند خیلی موثر باشد • گاه
گاهی با بپوشیدن بعضی سطحات و
مطلوب ها یا بخار آمونیاک سردردی
بطرف میشود •
هرگاه در حالیکه روی جاده
راه میرود چه سردردی دچار
شده که شکست ناشی از نوشید
روی پیشانی باشد • شال یا کلاه
تا نرا تا ابروان تا پایین بپوشد •
گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد
شد ولی خیلی بهتر از آنست که به
سردردی ناشی از شنگ خوردگی
مثلاً شهد که میتواند شکست
دوامداری را برای آن بپوشد •
با د چارشدن به سردردی
ها معمولاً میدانم که چگونه
با آن برخورد کنم • ولی اگر
سردردی برای بار نخست باشد
با د و ام پیدا کند و وضع بد تر شود
پس در آن صورت باید فوراً با
داکتر مشورت کرد •



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و
تلویزیونی کوچک را بپارد •
تعمیری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد
۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم • هر
چند که طرح های در زمینه
بهبود آن همین اکنون هم در
سردام •
س - ایاصمم افراد اید که مجله
تلویزیونی به یک مجله فزونی
و خانوادگی بدل شود تا همه
مجله هیز • هنر ؟
ج - هرگز ! هنر تلویزیون برنامه
های فراوانی برای خانوادها
دارد : برنامه زن و جامعه
کودک و اطفال ، جوانان
نمایشهای تلویزیونی ، برنامه
های فزونی و شغلی ، فلم ،
سپال و
س - چه چشمال باشکالی در -
راه ساخت برنامه ، ثان وجود
دارد و ایا طرح و تهیه برنامه
چقدر به اراخ روان و آراش
زندگی ثان صده هیزند ؟
ج - تهیه برنامه بی چون مجله
تلویزیونی هر چند که در گام
نشت و سهل ساده به
نظر میرسد ، اما ، حقیقت این
است که دشواری های فراوانی
دارد • این دشواری ها اگر از
یک رهگذر امور تهیه برنامه را
در بر میگردد کتما • مربوط -
تهیه کنندگان برنامه میشود ،
از سوی هم ، محدودیت ها و
امکانات اندکی هست که روال
بهبود برنامه را صده هیزند
از کم بودن وقت محدودیت کانی
بودن امکانات ، عدم منابع ،
تصویری ضربه که بگذریم ، گاهی

کار و تهیه گذشت خلاصه ما هرگز
دست باز نمی توانم شمری راد برگی
های برنامه ، بگنایم ، نه راه -
کله • آن از سوی مسئولین آرنهای
و نشر توجه و در نتیجه سانسور -
میشود ، چه این شمر مربوط به
مولفان بزرگ باشد یا حافظ لسان
الفنی یا از شاعران معاصر •
من گاهی برای تهیه یک مطلب ،
روزها سرگردانم و بارها با خاطر یک
صوب و مورد نیاز چندین روز این
زیر به آن در گفتم و نتیجه -
هست که تهیه " برنامه ، نامی
لظاتم راه خود اختصاص میدهد
و از نگاه فکری و روانی ، در حد فیر
قابل تصویری خسه ام مجازد ، تازه
صوم بخشهای برنامه راه ، شایسته
رنگهای همگونی می نهم •
س - یک دایرکتور تلویزیون و مصوما
دایرکتور برنامه های ادبی چه
اگاهی های را ضرورت دارد و چگونه
باید در باره " برنامه اش تصمیم
بگیرد یعنی روی کدام اصل اساسی
اتکا کند ؟
ج - دایرکتور برنامه های ادبی ، در
کار اینکه یک ژورنالیست است ، با
بست تا حدود نهادی به ادبیات
هنر و سایر لایزه های و تهیه اش -
دسترسی و آگاهی داشته باشد •
اودر واقعیت یک ژورنالیست هنرمند
است •
س - فکر میکنم چه چیزی برنامه تا نرا
میر بیشتر میدهد ؟
ج - صد سال میشود سخن از زلف
پارگت •
در میدان مبلش که مضمون نمایند
است •
س - ایاتاکون مقامات تلویزیون شما
را بخارج از کشور اعزام کرده اند •
ج - من هنوز برای مقامات عالیه
تلویزیون اقتدر هیزند نشده ام که
لهاقت چنین چیزی را برایم قابل
شوند

سردرد

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم (سردرد) طی دوره
کارش بی نهایت آنگمان فلم درهلوی
سناریو نویسی برای هنرمندان
و دست اندرکاران سینمای کشور
لکچر های نیز تهیه می نمود •
مرحوم سردرد قبل از مرگ
اش شش سناریو آماده کرده که
دو سناریوی آن را عباس (شبان) و
کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل
وینام های (ستاره گان نمسی
میزند) و هیزرت فلمی تحت
ساختار است و یک سناریوی دیگر
ان تحت نام (تلش) بوسیله
موسسه هنری قیس فلم درجریان
فلمبرداری قرار دارد •
داکتر غلام محمد سردرد
در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۷
ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دوساعت بعدی ان ماشاهد
نمایشی صحبت وی بهرامون
صدمین سالروز تولد ی نایفه
سینما - چارلی چاپلین از وری
نشرات تلویزیون جمع شوری
افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی
وفات یافت •
آخرین کارهای او به سان
اشکهای که در رخساره شیار
می بندد و خشک ویه گونه
لبندنی ناتمام به تمام شدن
زندگی او ناتمام ماند • ترجمه
نما شیناه تیا تری او بنام
(بدن شکست را خورد کنند)
برنده جایزه اتحادیه هنرمندان
گردید ، این آخرین یاد اش
بود که هنر برای او اهدا کرد •
و چی غم انگیز است این برای
کسیکه با هنر زیست و در راه هنر
و جلاش آن تلش ورزیده و سر
انجام حباب اکسا پس رستمر

حسری از نفس انتاد •
اعظم جوهر هنرمند شناخته
شده ران یو تلویزیون و سینمای
ما در رابطه به شخصیت فرهنگی
مرحوم سردرد گفت: (مرحوم
داکتر غلام محمد سردرد گذشتگان
خواهرزاده من بود دوست
بسیار صمیمی من نیز
بود • مرگ ناگهنگ او برای
من نیز سخت رنج آورده شد •
داکتر سردرد انسان خوش
برخورد ، خوش قلب ، متمم
با دانش متواضع و صمیمی بود
صحت ها و معلومات های علمی
وی در بخش های مختلف برای
ملازمان هنر و فرهنگ قابل
استفاده بود • من شخصاً
در بخش سناریو نویسی از مشوره
های سودمند وی بهره میگیرم ،
مرحومی دارای دو فرزند ، یک
دختر و یک پسر بود دلپسنگی

نظم معده

بقیه از صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا رادرمعه اتویسی شده و بعداً
در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در
انسان معده مرض گسترگستگویی شده ، دریافت
نمود ، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren
در شفاخان Rogalpearl این میکروب را در ریه
شیمی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره
تدقیق بیشتر یک ترکیب
Tindarclostridium
تولید کرد که بکتریا را محومیکند
بارد این واقعیت دیگر تداری گستریت عا
وزخ معده ، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده
که ممکن در اکثرها "مریضان قیلا" کم باشد ، میشود
بلکه با محو و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده
و تعقیب مریضان ، تداور گردند و ناگفته نماند

مریضانیکه با محو و نابودی مکل این میکروب و تدای
مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریضی شان چیزی
دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای
حاجزی و ایز و فسزیت رستند رم ایتیمال باول و غیره
باشد و ناگفته نماند که بعضاً "مریضان ناقل میکروب
بیلورن صاب د سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی
بوی دهن ، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین
میرود • در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب
مقاومت میکرو زای بعد در ارتاعشر توسط بکتریا
بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات
گستریت امی مزمن میباشد (دکتور روح اللعویان)

میرضانیکه با محو و نابودی مکل این میکروب و تدای
مکل جواب نمیدهند ، ممکن علت مریضی شان چیزی
دیگر غیر از زخم معده باشد ، ممکن فقط حجای
حاجزی و ایز و فسزیت رستند رم ایتیمال باول و غیره
باشد و ناگفته نماند که بعضاً "مریضان ناقل میکروب
بیلورن صاب د سیمی نفع و گاز هلو توسر و بدی
بوی دهن ، توسع پلن بعد از غذا - عارق زدن
مندا ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین
میرود • در اخیر باید اضافه شود ، گرچه اسید
معده در تولید قرحات رول دارد ولی تنزیل تخریب
مقاومت میکرو زای بعد در ارتاعشر توسط بکتریا
بیلوری برای تاثیر فکوریته و بقت اساسی قرحات
گستریت امی مزمن میباشد (دکتور روح اللعویان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا و نیویارک سفرهای داشته از هر یک کتاب را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از مینود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر
- تلویزیون هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- امکانات محدود کسره تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در صورت دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگد اشتن و سایلند جهر سنز تکنیکی برای کار بر نمود به لویان توجه روی پرابل ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل به هو - بالادوم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من میباشد ابراد رکبتیون تا و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گفتن وجود نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثیر در وصف شخصیت های هوایا سروده اید.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدری راه افلا - مغز انسان خارج است چنانچه حرکات مغز و لوزی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و نتیجتاً سلطان مغز بر زمین دل و جسم نه تسلط و استبدلال کوی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العنان و کلید و دل و روح انسان میکند و ما را در خورشید درخشان همه چیزهای دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و جدا و بیخ و بن و سر تا ما را از زمین قلب تحیه میکند.

«ثانیاً اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع الهام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد مانده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع الهام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انسان صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع الهام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبراهله زیاد داشتم و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدم - که در نتیجه مذهب بالا براد زلم حاصل شدیم منبع الهام خود را پیدا کردیم و بقصد استان را بخودشان می اندید.

نماینده درین شعر در گزین ریاضی کد خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدم که از آن چشم کسوست این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

مچون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمایند تمام جزایه روزنامه هائیکه گفته آمد پانزده خسو در موجود است و یاد رکاب به خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانید.

یک عمر میتوان سخن از زلفا یار گفت در زیند آن میاغر که مضمون نموده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میابون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مختر علی مشرتی ایابرسیده می توانم که شمار برای بدادار هندی تان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خو خفه نس شود ؟

عربی صاحبه اصطلاح شطرنجی که لدار هندی نام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بکلمه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریخوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایه و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است و بیسوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد زود رصاحه گذشته صورت شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، ما سانسیمه آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا میدانم شاید بسته ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میانشه البته تمام اشعاری که در سیابون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله زمین تان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کرده بد درجه مورد شعر سروده اند که لازم بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بدلیل غرق از اظهار آن صرف نظر نویسم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوارس باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز - آبی و سبزه (که انعا در ترکیب شعبن جهرنگ را میسازند) سه قشر کربنیل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند و نگار برده اند.

بوده جدید تلویزیونی درین امر پاینده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلاید در مقابل رویشی بیسوان مشاهده نکردم در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتاده شده من توانم اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود.

ولانصدی زیاد از حد غافلیتن بد اینته ولی خن در شست باقیه باور و اشتیاق چیز را در میانتم که همیشه در زمانه طولانی در تلام بود و بی هموار میگردید تا بر سطح انرا خاصوس سازد البته چه رنگین و چه در زیند داشتند از اهرار که به کسی نگفت در دست تان روز هائیکه سناریوی تاریکی زندان را با همی سنی و احسن نظری کارگردان روزید و سینما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید ولی با تاتر که میسرک به سرافرا اند در راتر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده بجای دگتر غلام محمد طه بد برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار و روحش شاد و بیسان نویسی را در شش

بزرگ چوپان

بیشتر و در نتیجه چنگی بیشتر به خشد با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از جرمهای بود رخش سینما هند و یکی از باارمنگ ترین مردم ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه که در روی برد سینما (بد) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما (خوب) شناخته میشود با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی پس خرفی زده نشده است فلسازان جرات آنرا ندانند که با این ابراه ابدان و سیایسی یکشنده مردم در باره آن حرف صد نفی برزند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محویت تراوان سر - خورن اراست

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم چوپان نیز نقش بسیار - چنانچه علم های (بابی) و (سینا) بر زمین منسوال بنایافته است تا جان برود بیوسران نتوانسته اند کسی را بد انباشند که جایگزین بریم چوپان سازند آنها یکم میکنند بدین روزگاران بریم چوپان بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استمنادند تمثیلی او را به جلال است بد اند که اگر شور و شوق او نباشند گذشته رویه انرا بی نیست ولسی رویه کاهش هم نیست بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار - فلسازان از غیر بیخه گان، از نیایان یا ویک زده هم کاهش نیافته است برود بیوسره بر عکس تلاش میوزند که در روزهای خود او را نیز نشان نمایند زیرا انعامی اند که فروین فراوان پس از هر فلم بالاتر رفته میروند حتی یک سینما روحانی ندیده میتواند که او مانند امیتا به چن با تاقیه هر فلم جدید

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشد و در شش (۵۰) سالی که موزن سرعان در چار شده مدتی تبانی گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.

بزرگ چوپان فیلم کلا بهار ایک تیم اشکارا بریم چوپان را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ایلم که بریم چوپان در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشد، خیرت برانگیز است زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که کاکشور دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر نمای. در جها اجرای نقش خود را با ایلم (۱۰) خوش کار بریم چوپان در آنست که نمیخواهد مغزین تقلیدی ویک نواخت حلوسه کند او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن مضمون را آمیزه سی اروا نمیتابد آن این مونسو حقیقت دارد - اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عثر بیخگان) تازه استخرا می کند خود را

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشد و در شش (۵۰) سالی که موزن سرعان در چار شده مدتی تبانی گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس اعانه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست.

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
پس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هاله مارا با منقار
خوشی چید و آرام بروی دراز
چوکی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

ماکیان را به من بده و من
در بدل خروس را بشما میدهم ؟
باشنید این حرفها خروس
تاجش را به پایین او بختنه
و سرش را به زیر انگشده چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرا به کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سپید خود
احساس گریس و آرامش می نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذاشت
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

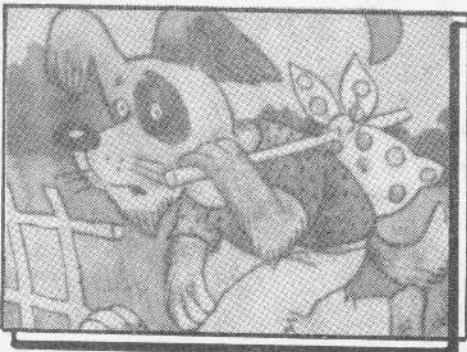
فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن -
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها
نمگین شده و از تا ترسید پس
بالهایش جانب زمین او بختنه
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

دیرین نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شما منم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باک
کوچک و دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذشتند بود
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
شنید ، بالهای خود را از روی قهر
به هم زده و از منقارش آواز -
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
در از چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و پایک خیز به بیرون
خانه جست و پاه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د . . .

- ۶- آیامیلانه دې خوښيزي
هو ۱۵ نمرې
نه ۶ د
- ۷- آیامخکي لدې چی د کور
خخه د خوراکي موادو د رانیولو
په غرضوړي د نوموړو موادو -
لست نیسی .
هو ۲۰ نمرې
نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنۍ ته وړي
په ټاکلی وخت بخوي .
هو ۱۵ نمرې
نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولو نوي آشوزي
د ستورونه استعمالوي .
هو ۱۲ نمرې
نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشیخانو
سامان آلات منظم په الماری کور
کیزدي .
هو ۲۵ نمرې
نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونکی ستاد
گوزوند ملگري کمک کوي .
هو ۱۲ نمرې
نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د
ضروري شیانو خخه شمیري .
هو ۴ نمرې
نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جم
کیري .
د آزمایش نتیجه :
تر ۱۵۵ نمرې پوري :
که غواړي چی د کورنۍ د خیرکو
د میرمنوله جملی خخه وشمیرل شی
باید پخپلو کارونو کی نور هم د
تجدید نظر وکړي ، تر ټولو د مخا
باید د دې چی د وخت په موند -
اقتصاد ي وواسی ، اوبه ښه صورت
سرخیل کارته سازمان ورکړي .
د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري :
تاسی کارکه یاستی ، هر نسی -
ستاسو په کورکی خپل مشخص تعای
لري ، که چیري تاسی کوم وخت خخه
شی باید ولټوي د لدې کیله چی
تاسی تراوسه پوري د کورنۍ ضرور -
یات په ښه توگه ندی زد کړي .
د ۱۹۵ نمره خخه پورته :
ستاسو په کورکی د استقیما خیالی
دی ، همیشه یوخه شی مینعی ، یا
کوي اویا جاروکوي ، اما اعتبار ولري
چی د کارونه لاندو هم په لاندو
قدرت اوبه کم وخت کی تراوسه
تر سره کولای شی ، لدې کیله
لما نور سوي ترخوجه وخت لري ،
اما باید هر څه کړي چه بدون د
کورنۍ مشکلاتو خخه نور مصرو -
فیتونه لکه تیاتر ، سینما ، کتابونه
اولمگري هم شته دي .



خانواده سوگواراست

فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۵
بعد از نسخ نامردی همیشه
فامیل ما از طرف اعدا تعهد یس
میشد ، دوسین که صاحب منصب
اند همیشه آنها در وظیفه
میوند فامیل ما مورد تعهد یس
قرار میگرفت هولی من هرگز به سران
چیزی نمیگفتم موضع را بنهان
میکردم تا مباد امنین آنها بر خورد
صورت گیرد ، بالاخره بتاریخ
۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه
ساعت ۲ آن حادثه المناک
رخ داد ، آتش جاوید بسوس
بخانه آمده بود ، صبح چند یس
بار صدایش کردم گفتم مگر رگد ار
خوایم ، نمیدانم چرا خواب بوره
میشود ، وقتی در زده شد
ما رینا د ختم رفت تا ببیند
کیست همراه با یاز شدن دروازه
صدای دغیر مری و فریاد
د ختم شنیده شد ، جاوید
وارخطا از خواب برخاست
بطرف بیرون دوید ، د ختم
انیتا که بیشتر از برادر خود شی
را به قاتل رسانیده بود ، مور د
اصابت مری قرار گرفت و لسی
برادر خونش را سپر خواهر
ساخت که یک مری در جان
خواهرو ۸ مری در جان برادر
جای گرفت ، وقتی من به نزدیکی
بسیم رسیدم خواهر و برادر هر دو
د راغوش هم بودند برادر با وجود
آنکه سوراخ سوراخ شده بود
میگوشید خواهر را از افتادن
مانع شده ولی بعد هر دو بزین

افتادند ، من بای لی و سولج
عقب قاتل میدویدم او بطرف
سورک میدوید وقتی به سورک
عمومی رسیدیم ، زیر سینما
اقبال همراه یانه و شارندوی
اورا احاطه کردیم ، چون در -
دستش سلاح بود کسی جرئت
نمیکرد نزدیکش شود ، گفتم
اورا بگیرید تفنگچه مریسی
ندارد و بایند شده در غیران
من تا اینجا زنده نمرسیسدم
درین اثنا دو وظیفین حوزو
رسیدند و اورا گرفتند ، او را
دوباره به محل حادثه آوردند
به جن خود اترار کرد همه جاها
را نشان داد ، گفتم باز هم می آیم
همه را میکشیم و دختر را میبرم .
بسیم راه شفاخانه بردیم
ولی او مرده بود ، طب عدلی
۸ مری را در وجود او نشان
داد .
ولی من همان لحظه بخون
فرزدم سوگفت یاد کردم او که بسوس
را ظالمانه کشت من اورا توسط
قانون میکشم .
دو دختن زخمی شدند یکی
در کرده و دیگری در رطن .
درین یکسال چقدر دویدم
روزها بالب و دهن خشک بایس
ویلا تا دویدم یکسال مدت کمی
نیست .
در طول این مدت بارها
از طرف فامیل نعمت الله هغه ما
تعهدید هدم . بارها گفتند شما
که خون ربا خون می شویید
ما همه تا ترا نابود میکنم .
ولی هرگز از تعهدید آنها
نترسیده ام زیرا در صورتی که
نعمت الله اهدام شود چانس
سپم خود را برای نابودی فامیل
من از دست میدهد ، اینک نمر
مکتوب را بدست دانه که نعمت الله
دولد نورلم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳
به اهدام محکم شد .
با اهدام او دم اندکی آرام
خواهد گرفت دیگر بسوس سوراخ -
سوراخ شده جاوید که فقط
۱۸ سال داشت مقابل چشمانم
مزارها بار جان نخواهد داد .

نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را
بازی میکنم که با گروپ از جوانان
که برای سواد آموزی به قریه
دور افتاده میروند فلم نیز از همین
جا آغاز مییابد . و حوادث فلم
یکی بی دیگری اتفاق میافتد و -
گروپ از جوانان به شمول مصطفی
باین حوادث درگیر میشوند و -
قهرمان متن باد یگر جوانان
با شجاعت و پای -
مردی با ان دست و پنجه نرم
میکند و در مجموع فلم نمایانگر
آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده
و بدون ترس با شجاعت بهتسو
میتواند به هدف دلخواه خود

چاپخانه

بنیه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ایدمه ال بود
 با آن هر چه نیکه ماندنید اگر -
 خنده دار بود از آن دل می -
 خندید، سهم نگاه میکرد و می
 میخندید و آنس خنده بخود
 میزدید. این کاری مراجعات داده
 به تویح تمیم پرداختم.
 سنت بی مقدمه خطاب به
 دیگران گفتم: ببینید این آدم هر
 کاره است، ولگرد، آقا، شاعر،
 امیدوار، تنها چاشق پیشه و -
 ماجراجو. او میتواند شما را مقاصد
 سازد که عالم، مونسین، اشرافی
 و بانگ بر پولواست و در زمین حال از
 بوداشتن تم سوخته سگرت و -
 شربتی برخاک افتاده نگ ندارد.
 خوب من او ریسه خود را
 به پایان میرسانم میدانم که وقت
 و شرایط برایم بسیار مناسب بود.
 محبوب مردم سراسر جهان شدم.
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت میکردند.
 بلی زنده گی ازودیمه هایش
 خوبترین و بهترین را بمن ارزانی کرد.

البته يك کی از تاملات راهم
 تلاشچان چارلی بیشتر چه
 ها و کارگران بودند، و برخلاف تصور
 همگانی فلماهی تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد علقه امان و اشراف
 تر از نگرفته بود، زیرا آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند. شاید -
 تقاضای زمان بود که آنها را رنگ -
 ماهانه داشته باشد. طبقه با
 سواد و تحصیل کرده کی در بر تبه
 چارلی علقه مند شدند و بنابراین
 نتوانستند او را منحرف سازند. از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((کوچه
 درام)) ۱۹۱۷ او دوش نگ ۱۱۸ -
 و ((پسرن)) ۱۹۲۱ او ((زایر)) ۱۹۲۳
 و ((جستجوی خلا)) ۱۹۲۵، او -
 ((روشنایی شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر
 جدید» ۱۹۳۶ آنچه به نظر میرسد
 نه دگرگونی بک زرنمایان و کامل -
 شدن شخصیت ((ولگرد)) است. حتی
 لباسش که اتفاقاً برای بعد از ظهر
 پارانی تدارک شده بود کم کم معنی
 خاصی مییافت. در این لباس زنده -
 پوشی از نگاه نجبا، لوکس
 از نظر فقرا، نقش مبرد
 فقیر بی همه چیزی را بازی میکرد که
 باشجاعت تمام واقعیت تلخ فقر و تهی -

دستی خود را نادیده میگرفت. چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد.
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
 حیلله های بصری و تبدیل ناگهانی
 اشیا که در قلمهای نخستین به
 کاربرد استفاده میکرد. مثلاً در
 ((پسرن)) وقتی چارلی دستکش بی
 انگشتش را بیرون میکشید تا هم سوخته -
 بی را از قوطی سگرت (قوطی سارهن
 است) بیرون آورد این حرکت عادی
 را ظهیر انجام مدهد که مانند
 تنفس بسیار ضعیف و گرانجا به
 نرس میرسد. در ((روشنایی شهر))
 چارلی در مهمانی مجلی ایشیا را
 بی بلعد و از درون شگش صدای
 وصل شنیده میشود و نیز در کاره
 وقتیکه توشه های کافذ با مگروشی
 مخلوط میگردد. این دو واقعه هر
 يك عموماً برای آنکه به جای خود بسیار
 خنده دار است در ضمن تعایشگر
 است که چگونه چارلی از در و جان
 میکشید تا هرگز جماعت نشود. تا
 میبویوان، دختران، بانوان خوبی
 لباس او را در جمع خود میزدند و بی
 چارلی بخوبی میدانست که کوچک
 مردی هرگز نمیتواند هم رنگ این -
 جماعت شود. سرنوشتش چنین است
 که همیشه در تاریکی به امید و انتظا

بسر زد و همیشه با همی دوری نسا -
 امید را از خود دور براند.
 شاید در اینکه چارلی دور -
 گارانی که مردم به سن و رسوم
 جامعه گردن نهاده بودند -
 شخصیت ولگرد خود را جل دهد
 معنای خاص نرفته باشد. شاید
 چارلی دیگر (صردک کوچک) به
 نهر و ایستادگی اش در برابر اجتماع
 ایمان نداشت و شاید احساس میکرد
 که رسانیدن پیامش به جهانسان
 بیان صریح تر و مستقیم تر را ایجاب
 میکند. وان اتکا به نفس و ملامت
 نروانی چارلی ولگرد دیگر برای -
 این منظور کافی نبود. حتی ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد با فم ((دیکتاتور
 بزرگ)) چارلی شخصیت خود را کنار
 گذاشت، تا از آن دل پیامت امید -
 واری دهد و دلگرم کننده اش به
 کوشش مردمان خود شوند. در
 نیرسا و نظم و استبداد برسانند -
 در فم بعدیش ((سویور)) -
 ۱۹۴۷ چارلی ولگرد بکل ناپدید
 شد. در این فم، که شاید -
 همان امیز تهن فم باشد، قاطعی
 در دفاع از خود میکشد که جنیت او
 اصلاً گناه نیست بلکه عقابسه
 آن وحشتناک است. ((قتل یسک
 تن انسان را چینی تارک همساز و لسی
 قتل چندین میلیون تن باعث افتخار
 است.))

از وی. تاسی و لوستل جسی
 اداری مرستیال ددنی نیسی
 وری صلاحیت به زور. تولسو
 دفترونوت دخیل خان دسر -
 پرست والی رسمی اطلاع بر سوله
 اود همانی وری له فریب روسته
 جی فنی مرستیال ترجمی خان
 ورساوه. نوتولود دفترونوت بی د
 خیل کالت متحد المال مکتوبونه
 ولزیر. به دوهمه ریخ سعار
 اداری مرستیال بنغه جسی
 موسی ته رانی. حال داجسی
 فنی مرستیال له بیبسی ناخبره
 به اووه جی تکی موزکی له
 نوروما مورینود مخه خان موسی
 ته راروسی. خوگله جی خوکیدار
 ورته وای جی اداری مرستیال
 ترده دمخه راغلی دی. نونسی
 مرستیال د موسی به عومنی
 دروازه کی لکه ریخ لری به خای
 ریخ کلک باتی کیزی. اوسر به
 وگوروی دغه لویه دجابه کتبه
 رانخرسی.
 (یونیم اواملام موزیک دی به
 خبله لوستونکی و غز و ی)
 راوی: که فنی مرستیال
 موسی دروازه به خوله کسی -
 لری غرنی ته تکی نه وای کری.
 نوی له شکه به به خمکه راغور -
 خرید لی وای. دومره ورسره
 بخت یاری وکره جی دامامورینو
 موزیکه ویرا رسید لی. که نویسه
 دغسی وضعیت دفتنی مرستیال

لیدل کومه وری. خبره نه وهغه
 داداری مرستیال به دغه موقتی
 بر لاسی نا امید نه شو. او نیخ
 خیل دفتر ته لار. فنی مرستیال
 ددی له باره جی اداری مرستیال
 بی به راتلو بوه نه شی. خیل
 بوتونه بی دد هلیزه دروازه کی
 وایستل اولکه دچرگانو دغله
 غوندی دگوتوبه خوگوخیل دفتر
 ته لار.
 (دفتنی مرستیال د ورو ورو -
 قد مونوبمگرونوکی دی محترم
 لوستونکی د قمرگلی دغه مند ره
 جی: ((و رو و رو کیده قد مونسه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه کری (ی)
 به دغه ریخ اداری مرستیال
 دومره دروند دریاست به جوکی
 باندی ناست و جی به ار مونو
 به هم جانته وای و زخنی ار ولی.
 دغرمی و ووی بی هم دخیل گارد
 میزله پاسه و خور. او به دا لویه
 ریخ کی بی ترمازد یگره بوری به
 جای روزه هم ماته نه کری.
 دفتنی مرستیال خانه سامان
 حضرت میر جی یورخ دمخه بی
 دکیم غرووی کارله باره له فنیسی
 مرستیال خخه اجازه اخستی وه.
 به دغه ریخ کار ته نه و راغلی.
 کله جی اداری مرستیال له دی
 بیبسی خبر شو. د اجیرانوجا -
 ضری بی دفتر ته ورونیسته اوسه
 خیل قلم بی ((نیم روزه)) نمیر -
 حاضر کری. فنی مرستیال به دغه

ریخ دجوکی به نه نیولود و سره
 خپه نه و. لکه دخیل خانه سامان
 غیر حاشیه لوجی به قهر کر.
 دوه د ری حله بی تیلون ته
 لاس ورتیر کری. خود تیلون له
 لاری اداری مرستیال به بی ابه
 کری. خوهرخل به بی یسه
 شیطان لعنت کی او دغه کلمات
 بی بل وخت ته برینبود. هغه
 بوهمیده جی اداری مرستیال د
 ریاست به جوکی بوری مییخ
 شو بی ددی. او غرو به یووخ
 جی فنی پورته شی. هغه وخت
 جی فنی مرستیال بی فال به
 زه کی نیولی ز درسی وخت
 پای ته رسیدل وو. کله جسی
 رسمی وخت پای ته ورسیده. نو
 فنی مرستیال داداری مرستیال
 د غالفکیر کولو له باره د نورومامو -
 ریخ به خیر له دفتر ته راویت او
 به لوی لاس دریاست د دفتر
 دکری تر خت تیر شو او هداسی
 حال کی جی اداری مرستیال
 دریاست دجوکی له سرنه ورته
 دستر کولاندی کتل له موسی
 ووت.
 اداری مرستیال درسی وخت له
 پای ته رسید و روسته بوره یسو
 ساعت لا هماغسی تینک به جوکی
 بوری نبستی و. کله جی دخیل
 رقیب به تللو پاوه شو. نو
 دروازه بی به خیل لاسر کولپ
 کره او کونجی بی به حیث کی له

خانه سره و اجوله. خو خیرنه و
 جی فنی مرستیال به کونجی
 لا بیون تر لاسه کری وه او هم بی
 دیوال له لاری موسی ته د -
 بیرته رانوتلونیت کری و.
 (دلته دی یوازی دریا بیه
 لنده نغمه د خوتانیوله باره -
 و نزل شی).
 فنی مرستیال دامانم و ووی
 به کورکی و خور. اود سهار له
 باره بی بیه وجه و ووی اوخو
 ایشیدلی هکی له خانه سره
 به بکرکی و اجولی. دامانم
 به خره کی د موسی به دیوال
 وروایت او به بیخه زه بی د
 ریاست دروازه و خلاصه کری. ایه
 خرخی جوکی شیز اووه خرخه
 هاخواد یخواتا و راتاوشو. که خره
 هم دشیخ د خوب او بلاستی
 له باره به دفتر کی یوغت او -
 مناسب کوچ هم بوت و. خوله
 دی ویری جی سهار دی ویده
 و او جوکی بی اداری مرستیال
 ونه نیسی. نویسه بی به هماغه
 جوکی سبارک. (دلته دی لوستو -
 تکی داس فکرو کری جی گوندی
 چرگان بانگونه کوی اوله دغسو
 بانگونوسره ییخای دی د صحنی
 بیلولو یوموزیک هم ورسره و ووی
 سهار اداری مرستیال بیلا
 دخیل رقیب له ویری به هماغه
 برون وخت موسی ته راغلی.
 باتی به (۷۷) مخ

چاپخانه

۹۱۵



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هوپالا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
ویا ملاقاتی که در منزل مد هوپالا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فلسفی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منیام - ترتیب بارتی در خانه مد هوپالا در -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان، بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان آن
معروف و علاقه مندان مد هوپالا تشریف داشتند
راستی در نظر د خرافاتمان که دو خواهر بود رسید
و حدیثاً در جهان فلسفی شروع بکار نموده بودند،
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکریز، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هوپالا، کیتیز
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -
موجهر شوهر هم شیره مد هوپالا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود -
عکاس موقع گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هوپالا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
بسیار عالی و مجلل سخن از هر دو زبان آغاز شد
از کابل و هوای آن و سوه جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته برادام، کشمیر
و انگور و خربزه افغانستان در هند شهرت
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارتی و باریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
بیا آید که آدم را سوال بپرسد و سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هوپالا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هوپالا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست؟
ومن باید همه این سوالها جواب میگفت، بعد ون
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و سوس به اردو و چارمی
هم به زبان دری - ومن درین حیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هوپالا را سوال بپرسد - بودند که
آیاتوهم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه
عشق او که طرفه است با یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی؟
ومن درین گمراهی در صورت آنرا پیدا کردم که
کتاب (وینویس شوق) را که برای مد هوپالا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشند - با تشریفات
مخصوص بحضورش تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهازی زیاد استقبال کرد -
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و در بزرگ حد اگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هوپالا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هوپالا را در لباس افغانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بد شدت گرفته بود - و باره بدست مد هوپالا رسید
که او کتاب را بوسیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت: (این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعرها برای یک ستاره فلسفی ازین نوع العاده
دارد) - مد هوپالا من بیانیه خوش امانیه
نمود: (تو من لقب وینویس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسفه
دای - جست آمریکا هم من بزرگانی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است)
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا حق ناشناس و ناسیاس هستم)
مد هوپالا انزود: (در یکی از جراید فلسفی
خواندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند و من این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید اریاشده جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی
من توانای مجنون عاقل نامید تو سمول و رهنمای
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فلسفی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
بندید نیست - و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (بدی) آمدی بعد از کد ام جاد بیه
بود که مرا وادار کرد تراه نزد خود بیدیم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برایم نوشته ای بیکار دیگر
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروه - ژورنالیست ها و مدبران جراید -
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردند) - در اخیر
گفتار و بیانیه مد هوپالا بدویت از قسمت آخرین
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم:

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشعارت کسره ام
نیت نگاهشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آفتاب تو
مد هوپالا فوراً گفت: ومن غرق در آفتاب تو
در اینجامد بر سمول مجله کهکشان گفتم:
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعری برای
بخشید - یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود
صحت هزار طلیبی اشعری برای فردوسی داد -
درین اثنا طرف مد هوپالا نظر انداخته -
مانند مد هوپالا گفت: (من قدرت برداخت
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپرداز) - من گفتم: (قبول نمیکم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ازین دارد)
گفت: (من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی) - مد هوپالا همیشه مرا بنام هلی
خدا میگرد - ومن هم او را مد هوپالا - و گاهی متاخر
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع مزدم در آن اشتراک داشتند
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت
بموسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل بی پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از ترن بد بیرون کرده بگفت: (بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است)
درین وقت مد هوپالا مداخله کرده بگفت: (بهتر
است هلی شب همین جا ماند جاد ارم) - ومن این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشتبا
در کتابچه با دست خود نوشتم:
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آفتاب بود شب جاییک من بودم
رقیبا گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هوپالا عزیز شما
جهان فانی را وداع گفته کون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید حتماً سرا
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جوابتان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا
تان جواب گو باشم
پس گفتم کید:
ما من خداداندولی در شانه من بینم
کاز سوادی کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
درایان صاحبه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمتتان که با من این صاحبه
را انجام دادید اظهار سپاس منیام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال:

در ارتب نامہ ہائے

درین ماه بازم از دوستان خود نامہ های بومحبت بدست آوردیم ، ما از نظریات و انتقادات آنان استفاده می کنیم ، تشکر از همه شما .

یاقین احمدی ، فرید احمدی ، برشنا نظری ، محمدعارف شمانی ، محمدشاه آشنا ، سلیم زادت برچی ، حمایت قیسی ، یلا شیم ، اسما زینت فرشته ، نسیمه میرگل ، خسرو محمد ظاهر عزیز ، محمدصابر رحیمی ، مسعود توخی ، حمیرا تننا ، فتح محمد فتاح ، سجیه آریائینی ، شمع حسن ، زرمینه دانش الهام الدین نعیمی سید فراخرفی ، دیاناویس فریبا وین خیرصافی ، احمد نوید ، احسان الدین ، تمیم صادق سیحیلا فرملی ، محمد داود فرملی رحیمه معین

مریم دانش ، نظیفه بیروز مسل ، هوالطیف ، حیدر دانشجو عادلہ انور عزتی ، فلورا اتایی رویامشعل ، صدیقہ فریبا سریزاده ، همایون ، سید محمود شرفی ، نیلہ فروغ ، رابعیہ ، دیبا اثر ، شرمیلا ازلیسه سوریا ، بریالی شرفی گارمند شوراب زریز حسینا غزال ، رابعیہ ربایسی محمد مصطفی مستور ، مسعود توخی ، لیلما عمراخین ، فرید فرملی ، سونیا اسلمیار ، زهره بول ، فرزانه سیدالی ، شکرید ، نادیه رضایی ، ناجیه ، ختابه نوری ، احمد شکیب ، عبدالرشید ، وحید الله ، احمد فرید سرباز صاف احمدی ، روشانه ، نظیفه ابراهیمی محمد نذیر شکیب انسر ، روحانه اعلیاری ، خالی مومند ، فرزانه

عطیہ ، رشیدہ ، فرزانه ، شکرید ، حنین ظفری ، عبدالوہاب راسخ ، هنگامہ ، رابعیہ راح ، جمیلہ کوهستانی ، فائزہ یادگار محمد آصف مراد ، گل آفا راعب کرام الدین نیامی ، فوزیہ نوایی عوث اللہ ہمدرد ، سید قاسم سعیدزادہ ، مسرورہ دوریش محمد زیار وزیری ، رابعیہ وفا ، فاطمہ ، رقی اللہ فدایی ، ژولیا ، بهار اکبرزادہ ، فائزہ مارینا عبدالمجید یزدان برست گل علی نعیم ، نصرت اللہ فریدہ نیلاب ، فریدون خرم سید احمد شاه حسینی ، کشکشا عبد الخالی تفتیق ، بهرام علی خالدہ شعب ، محمد آصف فاطن ، فائزہ شهاب زرمینہ فقیر یار ، محمد سالم ، نجیہ امید ، الا اناعرفان ، عادلہ

اختر ، غلام عباس شاکری ، نفیسہ رحیمی ، محمد عارف تنہا ، مومند نوریہ میرزاد ، داکتر ملالی شریف محمد ظاهر خورشید ، نیاز محمد حمیدی ، خیال محمد عبیدی ، ماریا ، شکیبا نیلہ انور ، مارینا خوشه چین احمد شکیب کوهستانی سید امید کوهستانی ، نادیه یوسف زری ، غلام داود محمد یار سعیرا اثریفتلی ، محمد داود سید امرالہ ، اصمہ مدین یار امید ، فیز محمد متین ، لیلیا سعادت خیال محمد حمیدی ، فاطمہ نورزاد ، مارینا انورونی احمد شکیب ، سید اسد اللہ نقشبندی ، محمد داود حسام ، سید موسی عباسی ، احمد سیا ، صبیح سرباز خاندونی ، وامنیہ دولتی سروان

وسید نجیب اللہ عاشق سی ، محمد امام حزین محصل سال چہار پونہنخی فارسی بوختون کابین

دوستان خوب از کسارت ارسال تان تشکر و توفیق مرید شما را تمنایم . رضوان ساحلی از مراد شریف ، چہار نامہ تان سر بہ سر رسید ، گپ های تان قبول ، اما باید بداند کہ در میان مطالب سیاسی ہم چیزهای دلچسپ وجود دارد . عبد الاحد ثابت ، معلم میشود شما ہم آدم بزرگاری هستید لطفاً اگر تون خبرنگاری دارید یا خلیلی حکیمزادہ از ولایت ہلمند ، کامیابی بیشتر نصیب تان ، چرانسی ان ما ہم میخواہد سیاورن را اول بہ شما بفرضیم ، حتماً در نظر داریم کہ بہ ولایات محلہ برسانیم .

مود و فیشن یا سرنوشت مہین

شمس علی شمس محصل استیقت طب علی نامہ بی این مطلب را بہ ما نوشته و صفا تذکر داده اند کہ اگر چاپ نشود ہمکاری ام را قطع می نمایم .

((بہ سرنوشت مہین خویش می اندیش))

چہ زیباست تا جوانان ما کہ آیندہ سازان کشور خویش اند بہ جای آنکہ در انتخاب رنگہای سرخ و سبز لباس ہای بد ریزد قیظ میشوند بہ چہاران خزان زدہ مہین شان ببندیشند زیرا مردم از روشن تقاضای خدمت را دارند و نمی خواہند در نزد دشمنان اشک السود شان قامت آراستہ بہ لباسہای خلاف فرهنگ ملی شان جلوه نمایند اگر صفحہات پسران و دختران مجلہ سیاورن را دقیق شویم حرفی ہم از احساس جوانان در برابر اجتماع و مردم شان نخواہیم یافت بلکہ فقط مود ہا را می بیند و رنگہا را برمی گرداند . اگر این صفحہات را از مجلہ جدا ساختہ و کلکسیون نمایم فکر میکنم گرد آورده ہای بہترین را ہمایی در گزینش رنگہا در چہان مود و فیشن خواہد بود و ذوق ہای گوناگون جوانان ما با شک ہای گرسنہ و در انتظار نان سوسنق ہمہ ذوقہا محسوب خواہد گشت .

سرسیزی و شوگوانی مہین بہ تلائم جوانان متعلق است نہ بہ بیبیرایہ گوناگون آنہا . ومن فقط بہ سرنوشت مردم و جامعہ خویش می اندیشم و از ذوق ہای کود کانه و نابہ هنگام امتناع میوزیم زیرا این ذوق (بہ مود و فیشن) بہ یک پژوهندہ علم و معرفت زیندہ نیست .

(براد عزیز ! درین صفحہات خلاف نظر شما مسائل اجتماعی نیز مطرح شدہ و ہتازہ اینکہ نمیتوان ذوق و زیبایی را از جوانان گرفت حتی در شرایط جنگ چہ انسان نیاز ہای دارد کہ باید آنرا در نظر گرفت)

پایسج ہمای کوتاہ

محمد نعیم ولی عزیز اولی محصل در بلغاریا !

براد عزیز وقتی ازین راہ دور نامہ می فرستید لطفاً از ہترین ہا مطبوعات بلغاریا چیزی ارسال

کنید ، نہ از دیوان ہمای کہ فراوانتر است . احمد جاوید مجید بخشیریی نامہ تان رسید اما چرا اینقدر گلہ و گداری ہنکاری تان را بدین موشوم بہ ما نامہ بنویسید .

از نظریات شما تشکر

دوست گرامی احمد اللہ داغ از ہنر کندز ، سلام ہا ہا ما ہم بدینا تشکر و نظریات شمارہ مجلہ سیاورن مورد توجہ ما نظر گرفتیم ، تشکر از دوستانی چون شما کہ با صحت تان ما را یارین میرسانید ، مواد شمارہ مار یک تا ششم تان مواردی است کہ وقت آن گذشتہ و اما در بارہ شعر جوانان حرف تان میتواند تأمل بدین باشد .

چاپ شمارہ اول کارمکن ہم نیست و ہم است ولی از لحاظ زمانی برای چاپ دوبارہ آن فرصت نداریم ، ما کہ نشر نشدن نام آہنگ سازان کھدات را بدین سرنوشتیون مانتیست چیزی است مربوط بہ خود آنہا اما نشر است و کجا اما نظر اداریہ مجلہ ما نیست کہ بی تفاوت با شعر سی ہرا و از خوان نام آہنگ ساز تشکر یاد نمود . از شما تشکر .

بہ ما در تماس شوید

براد عزیز برشنا نوری ، نظریات شمارہ ما مورد داستان بازگور سرگردان در نامہ ارسال تان خواندیم . تشکر از توجہ تان اما در مورد این کہ داستان مذکور از داستان دیگری تحت عنوان بازگور در نوشتہ الیور گولسد اسمیت چاپ شمارہ سوم سال ۱۳۴۹ مجلہ سخن کابی شدہ برای قابل تامل است . اگر چنین چیزی واقعیت دارد لطفاً شمارہ متذکرہ مجلہ سخن را بہ دفتر سحر محله بیابورد ، از ہنکاران شما صمیمانہ سپاسگزاریم .

پایسج تان را بخوائید

بعد از عمر سلام خدمت تان باید عرض کنیم کہ جوانان ما چرا در برنامه ہای مختلف را بدین تو یز یون ہمچنان در مجلات نامہ ما ارسال میکنند . اگر منظور اینست کہ باید این مطلب یا آن مطلب در ایسن یا آن برنامه بہ نشر برسد . تعیہ کنندہ گان برنامه مطالب آنرا نیز تعیہ میکنند ، چرا جوانان اینقدر نامہ ما ارسال میکنند . با ارسال کردن یک یا چند نامہ

باید گفتہ و رزند جوانان دیگر کنورما بلا ، بہ این فکر نیستند کہ باید بہ را بدین تو یز یون نامہ ہا ارسال بکنند ، جوانان کشور ما خود را از طریق را بدین تو یز یون بشنوند و در مجلات نام شان بہ چاپ برسد .

تعیہ کنندہ گان برنامه ہا ، برنامه ما را بہ مردم تعیہ میکنند و مردم مامیونند بدون ارسال کردن نامہ ہا برنامه را تعقیب بکنند ، و بشنوند .

این دیگر فقط یک مصرف اضافی است ، ہم وقت خود را تلف میسازند و ہم وقت مسؤولین برنامه ما را .

امید دارم نامہ ما را سرتابا بہ نشر رسانید کہ جوانان ما در این بارہ چہ میگویند .

فوزیہ و صادقہ فارغ التحصیل لیسہ عالی مکریم .

خوانندہ گرامی ! ارسال نامہ بہ مجلات ویر نامہ ہای را بدین تو یز یون در ہمہ کشور ہا بہ عمل است آنچه کہ درین نامہ ہا آورده شدہ در انتقادات و نظریات خوانندہ و شنوندہ ہاست ، ارسال مطلب یک امر حتی است .

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

زبان پوستر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی برو باره متحن وبرهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومسارنی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مساعده ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

چطورازطرز چسباندن پوستر بر روی پاکت از دورن فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است (فکرشواردم بیرون است)

۲- چنانچه پوستر قدردی متمایل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است (دیوانه وار ترامیرستم)

۴- اگر سرپوستر قدردی متمایل به سمت چپ باشد مفهومش این است (ترادوست میدارم)

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتمایل بر راست چسبانیده ، مفهومش این است (دیگر ترا دوست ندارم)

ارسانی : حلیه

مستوره محبت نامری (استعداد تاز، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیتی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم از خانه به میخانه گرم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (پارچه کردن حملات ومصراع وارنوبتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید (۰) شکلا ازلیسه "آمنه" فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبشه کنید (۰) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتی های تان با کمی تصرف :
الله یارجان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونوک زبانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود .
حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند
مصراع سوم نیز باید است (۰)
خالده خرم اقل "مهم" :
استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قواعد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد "بندی از سروده" تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهراتم بگذرید از مدنی
مدنوارش ندارد یک دو جو
تو ممکن تقلید از هر بیگانگان
ابروی خود میزبان رایگمان
کی توامد خوب و نه با همکند
بسل تو این کار رسوا همکند

هنزه نویین از نوسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیت)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید .
سفوکودی به شهر دور دستی
دل نازکتر از جام شکستی
بهارتوک و فاکن ((بیوا)) چنان
به هر آیین و هر طبع که هستی

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیز ، دیوان حافظ را که ما هم داریم) (نوریه عطا) (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) (سمیرا نجیب سادات و خاطره های بیوزن بیزاد ازلیسه) مهم (دوستی تان قابل شکر نیست) (عادل اختاری از وزارت امور عودت کندگان) (شعرا انتخابی تان اگر قسم یک بیت تان :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوامگن
سخن مراد مسکین امسوق غ ولایت مزارشرف
(شعرا تان کاستی های دارد با آنهم دوست آنرا نسر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که غرق دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد لذت زنداری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نا آرام ازلیسه آریانا (خواهر عزیز) (مادراد بیت دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید) اینهمه قبل بنام ازلیسه "مهم" (دوست عزیز با شعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید
میروسی نژاد ازلیسه انصاری (دستور زبان) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با ما مزید "رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید ازما -
شرف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمات بکنید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد
شکیلا پوهس از مزارشرف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما :
باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرو
لبیل غیلم نزل خوان آمده
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تقییم رفع میگردد مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور سازید خوب است :
((هر زبان خواند شکیلا این سرو)) (آرین از طب کابل) (شعری در رسا وجود دارد فقط بیشتر زحمت بکنید و شعر مطالعه کنید (۰) پارچه کن ازلیسه "رباعی" بلخی (صرفهای که به آرین جان گفتیم در مورد شما نیز صدق میکند (۰) تونر عبد -
الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید) شکیلا حبیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چسما چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوهر این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین

۶- ناخن دست راست انده که کم رشد و کم باشد معمولا اشخاص شکم پرست و بر مصرف هستند و بالاخره همه از روند ار خود را به شکم صرف کرده و در بساط چیزی نمی گذارند .

۷- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ و روشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام و دوست داشتنی هستند .

۸- بالاخره انهایی که در موقع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند (۰)

روشنه ((زین)) از کوزین کابل سنتر

نگاهها

۱- کم دانستن و بزرگتر شدن بولنداشتن و زیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن و مانند فکر بینه پیش .

۳- جدیت و اشتکار آدمی را بفضه نزدیک میکند .

۴- از سبکی چارمغز توان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مردم کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود و از شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شاد بی مروط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله مکن !

فرستنده شریف نورین

ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمیک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیکارن را کارکند و نه شعری را که به مجله می فرستید بنهسید از کمت ؟ از شما هاکن دیگر ؟

مللی محبت : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال))
شما کاستی های فراوان دارد .
چستن معشوق از طرف شام و در شعریش ، ((سنی))
نه خواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل : حسیبه :
به املا و اثباتوجه کید بیتی از شعرا تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه فزده گان اه و فغان بود .

براسم فال گرفتن

متولدین ماه حمل

موفقیت‌های شایانی پیش‌رو دارید، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید. از صحت‌تان مواظب باشید. بادوستان مهربان‌تر باشید. دیدار تازه در تغییر سرنوشت شما نقش خواهد داشت.

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست. باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید. کودکان عزیز می‌توانند شما را خوشحال کنند. مجردها به ایجاد زندگی مشترک تا چند روز دیگر آغاز می‌کنند.

متولدین ماه ثور

عشردن و مصیبت‌بیمورد عمر شمارانیم می‌سازد. از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می‌برید و این نکته بی‌است که متوجه آن نشده‌اید. قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده‌گی نمایید که استید. ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید.

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما، ضعف اراده‌تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید. دوری شما از خانواده و وطن کارنا درستی است. اعتماد شما نسبت به خانواده‌تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند. مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند. دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید.

متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می‌پیوندد. یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می‌آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود. فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید.

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربان‌تر باشید. کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارند. کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند. درس بزرگ زنده‌گی برای متولدین این‌ماه تحمل و شکیبایی است.

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است. زندگی باغم‌هایش زیباست. دیدار تازه‌ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد. بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده‌تان رانیز جرات بخشید. آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها.

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید. هیچگاه با شاگردان تان رویه‌نا درست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا از پت مینماید.

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده‌گی تان کار معقول است. تشوشت روانی خود را دور سازید. خوبست که دل‌بسته‌گی‌های تان به کار زنده‌گی افزایش می‌یابد. بیشتر به فکر آموزش باشید. آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت.

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید. تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است. یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد. قدر دوستی را دانستن، قدر زنده‌گی را دانستن است.

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است. نامه‌های دوستان تان را بی‌پاسخ نماند. همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می‌یابد.

متولدین ماه حوت

به صحت‌تان توجه داشته باشید. ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود. نگذارید کسی از شما بی‌جهت آزرده شود. دیدار عاشقانه بی در پیش دارید. امیدوار باشید که بخت با شماست.

تهدیدهای فضا

تهدید بود که سیاره بزرگی با کره زمین تصادم نماید

بافتد • سیاره مارا بارچه بارچه ساخته چنان خاک و قیاری تولید میکند که ماها اتوسفیر را خواهد پوشاند و مانع رسیدن شعاع آفتاب خواهد گردید که در نتیجه یخبندان انسانها تلف خواهند شد و نباتات از زمین خواهند رفت. درباره جلوگیری از چنین حادثه منجمین نظر میدهند. یک راکت مجهز با کلاهک هسته‌ای میتواند چنین سیاره‌ای در حال تقرب را نشانه گرفته و پیش از آنکه ل شدن به جو زمین از بین ببرد. اما درین صورت نیز بارچه‌های سیاره به زمین خواهد ریخت. نظر بهترینی که در سال ۱۹۸۰ رایج شد میگوید به جای نابودی سیاره خونتر خواهد بود اگر مسیر آنرا توسط مواد منفجره انحراف دهیم.

ترجمه: حسن نیر

بت خواهد کرد و یا با حرکت در لهره آفرین و تخریب اعصاب از نزدیکی زمین عبور خواهد نمود. حتی اگر سیاره اف سی ۱۹۸۹ به زمین نخورد سیاره مشابه بالاخره به آن اصابت خواهد کرد. سیاره‌های با عرض نیم میل در سیستم شمسی در حرکت اند و طور متوسط در هر ۱۰۰۰۰۰ سال داخل اتوسفیر زمین میشوند. درین میان سیاره‌های بزرگتر به عرض پنج یاده میل وجود دارند که در هر ده میلیون سال یکصد میلیون سال به زمین اصابت میکنند که به تمامی سیاره‌ها خطر بزرگی را متوجه میسازد. همین سیاره‌ها به عقیده بسیاری دانشمندان ۶۵ میلیون سال پیش سبب نابودی حیوانات عظیم الجثه در روی زمین شدند به نظر عده‌ای از ستاره شناسان اگر این اجرام سماوی به زمین

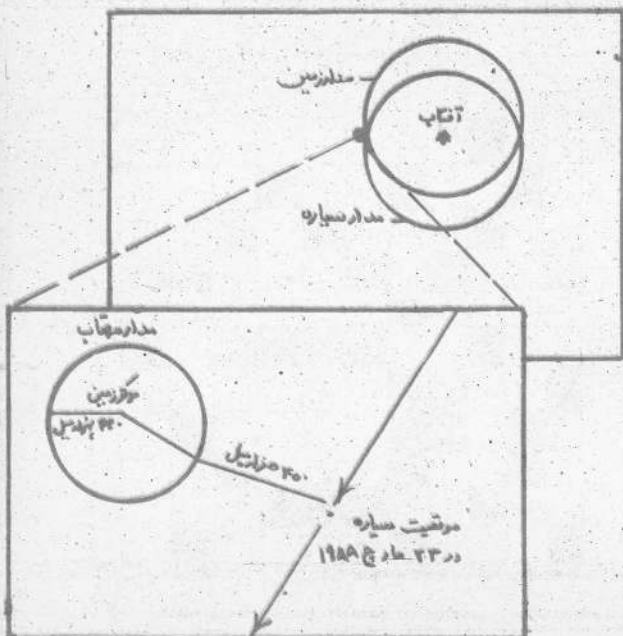
اریزونای شمالی کشف شد و ایسن درست اواسط مارچ بود که سیاره مذکور با مصونیت از زمین دور میشد. اقامی هولت عکسهای این سیاره را که توسط یک تلسکوپ ۱۸ اینچ در رصدخانه بالامور در جنوب کالیفرنیا تهیه شده بود مطالعه کرد. گفته میشود عرض این سیاره شاید صد یارده بوده باشد و اگر به همین پیمانه کوچک هم بوده باشد در صورتیکه با سرعت ۵۰۰۰۰ میل فی ساعت به زمین اصابت میکرد. حفره‌ای به بزرگی یک میل که چندین صد فوت عمق میداشت ایجاد میتوانست یعنی گودالی به همان وسعت که در حدود ۴۰۰۰۰ سال پیش در اریزونای شمالی توسط یک سیاره ایکه به زمین افتید بود به وجود آمده است. اما چنین حادثه‌ای اگر امروز اتفاق افتد کافی است که مرکز عمده برجستگیت رانا بود کند. ستاره شناسان میگویند اف سی ۱۹۸۹ بر خواهد گشت مانند زمین که به دور آفتاب گردش میکند. منتها به عوض ۳۶۵ روز ۳۸۰ روز را در مدار سیاره دریا سپری خواهد کرد. دریا از نزدیکی زمین بگذرد غالباً در یک فاصله مصون ترقرار خواهد داشت. اما منجم بریان ماریسن از رصدخانه هاروارد سمت سونیان که بر مبنای تخمینات هولت محاسبات خود را رایج داشته میگوید در صورتیکه محاسبات ماد قیق باشد این سیاره میتواند بازم خطرناک به وجود آورد یا اینکه به زمین اصابت

شب بیست و سوم مارچ (۳ حمل) کجا بودید. خارج از منزل. همراه بادوستان یا مشغول تماشای برنامه‌های تلویزیون. به هر حال شما نمی دانستید که در همان لحظات در چند قدمی شما یک فاجعه قرار داشتید. شما ازین خطر آگاه نبودید. اما یک سیاره بزرگ به چنان فاصله نزدیکی از زمین به سرعت عبور کرد که در ۵۲ سال گذشته سابقه نداشته است.

اگر این صخره عظیم به زمین اصابت میکرد فاجعه‌ای مانند انفجار هزاران بم هاید روجن می آفرید و ملیونها انسان رانا بود میکرد و در صورتیکه این سنگ آسمانی به بحر می افتاد امواجی به بلندی صد مایتر ایجاد میکرد.

پیش ازینکه شمار زیاد بهراس بیفتید لازم است بفهمید که نزدیکترین فاصله این سیاره از زمین در حدود ۴۵۰۰۰۰ میل بود یعنی در حدود دوچند فاصله زمین با مهابان. با انهم در شرایط و محاسبات کیهانی امکان اصابت این صخره زیاد بعید نبود. از سال ۱۹۲۲ به اینسو هیچ سیاره به این پیمانه با زمین نزدیک نبوده است. در آن سال یک سیاره کوچک به قطر تقریباً نیم میل از عین فاصله از نزدیکی زمین عبور کرد.

این سیاره جدید که مطابق سیستم نمره گذاری رسمی اتحادیه بین المللی نجومی اف سی ۱۹۸۹ نامیده میشود نخست توسط پروفسور هنری هولت از یوهنتون



مسطرين

سفید بازی را شروع می کنند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کنند .

سفید بازی را شروع می کنند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کنند .

پرسش ها

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقر - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور برانگنده - بوی نیست .
- ۳- غم نداری انرا بخس - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر .
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد .
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت .

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب .
- ۹ - یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا .
- ۱۰ - جنگ ... سر ... عدد شروع جدول .
- ۱۱ - بایش رابسته کن همسایه ات را دزد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

انقی :

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است .
- ۲- می گویند ... برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود .
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای .
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان .
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سنگ مردار نمی شود .
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا ، $\frac{1}{3}$ پول شعلان نیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا ، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلان گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

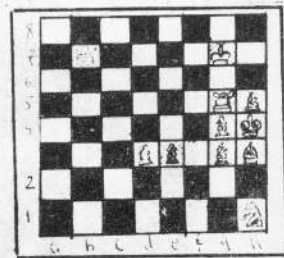
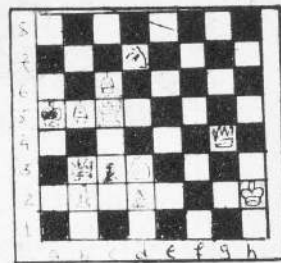
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را بکار بیاوریم . ان اسپ چند سال عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

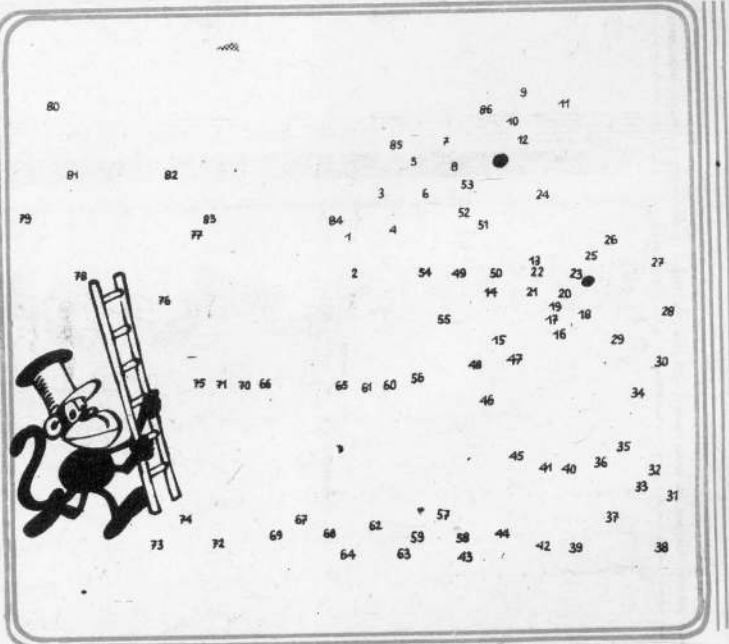
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است اعداد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستداران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانید پاسخ هارابه زبان های دری و پشتو ارسال نمایید.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایید.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شماره رباره آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نموده بمانفرستید.

۶- آیا شماره رباره نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره بمانویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خٔن کد ام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نموده اید؟ درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

صگمکنده گان

دین الله عمرخیل، فریده امید، بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک، نورجان ضیایی، عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا، فتح محمد فتاح، سلم دانستن، لیلماکاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزبان جویان، سیدعزت الله مجید، سوما فران، فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه، فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فہیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله، ناجیه شکره انور، محمد عمرعزیز، عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رابعیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار، سونیا اسمعیار، مرغیبه محمودزاده، احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوطنان!

فرقه کئی جایز بوت های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سړک نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زین ننداری
نمبر تیلون (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها .
صابون ، شامپو ، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هروقت برای هرکس ، برای هر جا .
این اجناس را طور عمده از جاوید لعد ، کوچی مارکیٹ
نماینده کی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست آورید . همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است .

نیازمندان عجلہ نمایند :
تلفونہما (۲۰۰۰۹ - ۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاستیک

وحید اللہ پلاستیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند . همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد .

آدرس: میر پور میڈیشن مقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان و نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**